

شفای الهی

ثنائی حکمت از آثار بهایی

جمع آوری و تألیف:
آنا ماری هانولد

مترجمین:

نورالدین رحمانیان - امید میثاقیان - فاروق ایزدی نیا

ط. ۱۶۰ ب

یادداشت مترجمین

در جهان امروز که کجروی های نوع بشر باعث شده روح و روانش مبتلا به رنج و آزار گردد و آثار و شواهد بیماری های عصبی و روانی در هر گوشه و کنار محسوس بل مشهود است، توجه به «وصایا و نصایح رحمانی، داروی هر دردی و شفای الهی برای هر رنجی است.

والدین خانم آناماری کُتر هانولد که سوئسی تبار است، در سال ۱۹۱۳ به ایالات متحده نقل - مکان کردند و در این کشور با امر بهایی آشنا شدند. خانم هانولد در سوئیس و ایلینوی پرورش یافت و متجاوز از نیم قرن فعالانه به خدمات امریه پرداخت و توجه و علاقه شدید به «فعالیت برای صلح جهانی، وحدت نژادی و تولد روحانی فرد» دارد. او مدتی نماینده جامعه بین المللی بهایی در سازمان ملل متحد بود. او اینک دارای فرزند و نوه است.

تهیه متن فارسی یا بهتر آن است که گفته شود یافتن اصل آثار مبارکه ای که نویسنده جمع آوری کرده ابتدا توسط نورالدین رحمانیان شروع شد، اما بعد توسط امید میثاقیان به عنوان «پایان نامه» کارشناسی در رشته زبان تداوم یافت. این کار نیمه تمام را فاروق ایزدی نیا تداوم بخشید و سعی و فیر نمود تا نقائص کار دو مترجم اول را با استفاده از منابع دیگری که در اختیار آنها نبود، رفع کند.

مقدمه

حزن و اندوه موجب شد که به تألیف این کتاب اقدام کنم. افسردگی چون کوهی برهیبست در برابرم جلوه می نمود. اما ایمان و ایقان من به امر مبارک موجب نجات من گردید. روزی کتاب «منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله» را گشودم و بر حسب اتفاق در لابلای اوراق کتاب با این بیان مبارک مواجه شدم که می فرمایند: «ایاک ان لایحزنک شیء...»^(۱) عجباً، اراده الهی به این تعلق داشت که محزون نباشم و می بایست سعی در اطاعت امر نمایم. مناجاتی که از مدت‌ها قبل به زیارتش عشق می ورزیدم چنین بود: «دیگر محزون و مغموم نخواهم بود... و به امور محزون کننده زندگی نخواهم اندیشید»^(۲) آیا حضرت بهاء الله از ما نخواستہ بودند که: «املك قلباً جيداً حسناً منيراً...»؟^(۳) غم هموم تدریجاً زائل شد. بیش از پیش به قوای شفا بخش آثار مبارک واقف شدم.

این آثار مقدسه دارای قوایی حیاتی برای درمان و شفای عاطفی و روحانی است. اما این «لثالی حکمت» در خلال آثار و کتب امری متعددی پراکنده است. یکی از احباء حدود هفتاد صفحه از یک کتاب را مطالعه نمود تا به آنچه نیاز داشت رسید: «رمز مسلط شدن بر نفس، فراغت از نفس است.»^(۴) (ترجمه) از مطالبی که می خواندم شروع به جمع آوری مواردی کردم که به من کمک می کرد. زمانی رسید که متوجه شدم این مجموعه شفا بخش ارواح و نفوس بایستی در دسترس عموم قرار گیرد. در طول سالها بر من معلوم گردیده است که آنچه می توانست حقیقتاً «مصیبت خرد کننده» تلقی شود، می تواند به عاملی برای رشد و بلوغ روحانی بدل گردد. بهتر از همه آنک، هنگامی که فرد با خدای خودش در سبیل آثار مقدس حضرتش سالک می گردد، می تواند با سرور و نشاط زندگی کند.

مادر «عصر اضطراب» زندگی می کنیم. عدم تعلق خاطر مردم به دیانت، آنها را از یاری و مساعدت افراد روحانی ادیان مختلف محروم ساخته است. حدود سی و پنج میلیون امریکایی از افسردگی فلج کننده رنج می برند. سی و هشت هزار روانپزشک - «کشیشان دنیوی» - در میان ما به طبابت مشغولند. مشاورین و روانپزشکان از اصول و روشها و درمانهای متعدد مختلفی نظیر: روشهای بیوشیمیایی، روانکاوی، شناخت درمانی، شوک درمانی، گفتار درمانی، فرد درمانی، زوج درمانی، گروه درمانی، خانواده درمانی و... استفاده می کنند. روانپزشکان تعجب می کنند که چرا آنها و حرفه برگزیده شان نمی توانند مردم را سریعتر شفا بخشند. در میان برخی از روانپزشکان روشی غالباً تضمین نشده و حتی زیانبار به حال نظام صحیح حمایت از خانواده وجود دارد، یعنی استفاده از مفهوم «حافظه و اخورده» که از طریق آن به والدین و تجارب ایام طفولیت تهمت و افتراء می بندند. یک روانپزشک برای درمان بیمار به گذشته وی می پردازد و دیگری ممکن است در حالی که به آینده نظر دارد به زمان و مکان کنونی توجه نماید.

کارل یونگ^(۴) در سخنرانی خود تحت عنوان «روانپزشکان یا روحانیون» اظهار می دارد: «موج علاقه به روان شناسی که اکنون کشورهای پروتستان اروپا را در می نوردد بعید است که

یادداشت مترجمین

در جهان امروز که کجروی های نوع بشر باعث شده روح و روانش مبتلا به رنج و آزار گردد و آثار و شواهد بیماری های عصبی و روانی در هر گوشه و کنار محسوس بل مشهود است، توجه به «وصایا و نصایح رحمانی» داروی هر دردی و شفای الهی برای هر رنجی است.

والدین خانم آناماری کُتر هانولد که سوئسی تبار است، در سال ۱۹۱۳ به ایالات متحده نقل - مکان کردند و در این کشور با امر بهایی آشنا شدند. خانم هانولد در سوئیس و ایلینوی پرورش یافت و متجاوز از نیم قرن فعالانه به خدمات امریه پرداخت و توجه و علاقه شدید به «فعالیت برای صلح جهانی، وحدت نژادی و تولد روحانی فرد» دارد. او مدتی نماینده جامعه بین المللی بهایی در سازمان ملل متحد بود. او اینک دارای فرزند و نوه است.

تهیه متن فارسی یا بهتر آن است که گفته شود یافتن اصل آثار مبارکه ای که نویسنده جمع آوری کرده ابتدا توسط نورالدین رحمانیان شروع شد، اما بعد توسط امید میثاقیان به عنوان «پایان نامه» کارشناسی در رشته زبان تداوم یافت. این کار نیمه تمام را فاروق ایزدی نیا تداوم بخشید و سعی وفیر نمود تا نقائص کار دو مترجم اول را با استفاده از منابع دیگری که در اختیار آنها نبود، رفع کند.

مقدمه

حزن و اندوه موجب شد که به تألیف این کتاب اقدام کنم. افسردگی چون کوهی برهیت در برابرم جلوه می نمود. اما ایمان و ایقان من به امر مبارک موجب نجات من گردید. روزی کتاب «منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله» را گشودم و بر حسب اتفاق در لابلای اوراق کتاب با این بیان مبارک مواجه شدم که می فرمایند: «ایاک ان لایحزنک شیء...»^(۱) عجباً، اراده الهی به این تعلق داشت که محزون نباشم و می بایست سعی در اطاعت امر نمایم. مناجاتی که از مدتها قبل به زیارتش عشق می ورزیدم چنین بود: «دیگر محزون و مغموم نخواهم بود... و به امور محزون کننده زندگی نخواهم اندیشید»^(۲) آیا حضرت بهاء الله از ما نخواستہ بودند که: «املك قلباً جيداً حسناً منيراً...؟»^(۳) غمگام هموم تدریجاً زائل شد. بیش از پیش به قوای شفابخش آثار مبارک واقف شدم.

این آثار مقدسه دارای قوایی حیاتی برای درمان و شفای عاطفی و روحانی است. اما این «لئالی حکمت» در خلال آثار و کتب امری متعددی برانگیزده است. یکی از احباء حدود هفتاد صفحه از یک کتاب را مطالعه نمود تا به آنچه نیاز داشت رسید: «رمز مسلط شدن بر نفس، فراغت از نفس است»^(۴) (ترجمه) از مطالبی که می خواندم شروع به جمع آوری مواردی کردم که به من کمک می کرد. زمانی رسید که متوجه شدم این مجموعه شفابخش ارواح و نفوس بایستی در دسترس عموم قرار گیرد. در طول سالها بر من معلوم گردیده است که آنچه می توانست حقیقتاً «مصیبت خردکننده» تلقی شود، می تواند به عاملی برای رشد و بلوغ روحانی بدل گردد. سهمتراز همه آنک، هنگامی که فرد با خدای خودش در سبیل آثار مقدس حضرتش سالک می گردد، می تواند با سرور و نشاط زندگی کند.

ما در «عصر اضطراب» زندگی می کنیم. عدم تعلق خاطر مردم به دیانت، آنها را از یاری و مساعدت افراد روحانی ادیان مختلف محروم ساخته است. حدود سی و پنج میلیون امریکایی از افسردگی فلج کننده رنج می برند. سی و هشت هزار روانپزشک - «کشیشان دنیوی» - در میان ما به طبابت مشغولند. مشاورین و روانپزشکان از اصول و روشها و درمانهای متعدد مختلفی نظیر: روشهای بیوشیمیایی، روانکاوی، شناخت درمانی، شوک درمانی، گفتار درمانی، فرد درمانی، زوج درمانی، گروه درمانی، خانواده درمانی و... استفاده می کنند. روانپزشکان تعجب می کنند که چرا آنها و حرفه برگزیده شان نمی توانند مردم را سریعتر شفا بخشند. در میان برخی از روانپزشکان روشی غالباً تضمین نشده و حتی زیانبار به حال نظام صحیح حمایت از خانواده وجود دارد، یعنی استفاده از مفهوم «حافظه و اخورده» که از طریق آن به والدین و تجارب ایام طفولیت تهمت و افتراء می بندند. یک روانپزشک برای درمان بیمار به گذشته وی می پردازد و دیگری ممکن است در حالی که به آینده نظر دارد به زمان و مکان کنونی توجه نماید.

کارل یونگ^(۴) در سخنرانی خود تحت عنوان «روانپزشکان یا روحانیون» اظهار می دارد: «موج علاقه به روان شناسی که اکنون کشورهای پروتستان اروپا را درمی نوردد بعید است که

فروکش کند. این امر مفارن بارویگردانی دسته‌جمعی مردم از کلیساست. با نقل قول از یک کشیش پروتستان، باید بگوییم: «امروز مردم بیشتر به روانپزشکان مراجعه می‌کنند تا به روحانیون». و ادامه می‌دهد: «بین تمامی بیمارانی که در نیمه دوم عمر خویش هستند - یعنی بیش از سی و پنج سال دارند - کسی نیست که مشکلش در نهایت، یافتن یک دیدگاه دینی در زندگی نباشد. صحیح‌تر آن است که بگوییم جملگی آنها به دلیل گم کردن آنچه ادیان الهی در هر دور به پیروانشان عطا می‌کنند، احساس بیماری می‌کردند، و هیچ یک از آنان تا معتقد به دیانتی نشدند، واقعاً درمان نگشتند.» به نظر وی به همان میزان که حیات دینی تنزل می‌یابد، روان‌رنجوری^(۵) افزایش می‌یابد. او چرخه‌ای از «بیقراریهای عمده، تنش عصبی، آشفتگی و سردرگمی عقیدتی» را یافت که در آن مردم معنایی در زندگی نمی‌یابند. در انتها وی اظهار می‌دارد که: «ما روانپزشکان باید خود را درگیر مشکلاتی کنیم که اگر بخواهیم دقیقاً بگوییم مربوط به الهیون است.»

شکی نیست که اگر نفوس بیشتری به کتب مقدسشان توجه جدی مبذول می‌داشتند، روانپزشکان بیماران کمتری داشتند. دین، عقاید و حالات و بنا بر این رفتار را تعدیل و اصلاح می‌کند. عواطف و روحیات بر عملکرد صحیح جسم تأثیر می‌گذارد. علم روانپزشکی می‌گوید که خود را باور کنیم و دین به ما می‌گوید که چگونه این کار را بکنیم.

البته بهائیان علم داروسازی را ارجح می‌نهند. آنها می‌دانند که باید «در هنگام بیماری به طبیب حاذق مراجعه نمایند»، آنها همچنین می‌دانند که «شفای حقیقی از جانب خداوند است. از برای امراض دو علت موجود، مادی و روحانی. اگر بیماری از جسم باشد ادویه مادی لازم و اگر از روح باشد، درمان روحانی.» (Paris Talks, p. 19) بعلاوه سبب آسایش خاطر است که بدانیم «سلامتی

روحانی در صحت جسمانی مؤثر است.» (Tablets of 'Abdu'l-Baha, vol. 2, p. 305 - 306) مبتن آثار الهی، حضرت عبدالبهاء، به والدینم دکتر یاکوب کُتزو آنا کُتزو فرمودند که خداوند برای هر دردی درمانی مقرر داشته است، ما باید درمان را به کار بندیم. این زمان بیمارانی از طبیب حاذق گریزانند.

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «حضرت مسیح طبیب آسمانی بودند. از برای عالم سلامتی روحانی آوردند. حضرت بهاء‌الله نیز طبیب رحمانی هستند که نسخه‌هایی برای رفع بیماری دولت و ملت تجویز نموده‌اند، و به قوای روحانی بیماری‌های بشری را معالجه فرمودند.» (Promulgation, p. 249) ایشان همچنین می‌فرمایند: «هر ظهوری جان عالم است و طبیب حاذق هر دردمند.» (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۵۶) و اینکه «علت مزمنه ... را ... فاروق اعظم حقی لازم» (رساله مدنی، ص ۵۱)

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: «رگ جهان در دست پزشک دانا است. در درامی بیند و بد دانایی درمان می‌کند.»^(۶) ایشان می‌فرمایند: «و در هر قرن از قرون و هر عصری از اعصار به مقتضیات

حکمت بالغه سفیری فرستاد تا خلق افسرده را به ماء بیان زنده نماید. (۷)

ما باید به وظیفه خود عمل کنیم. به ما امر فرموده اند: «إِغْتَمِسُوا فِي بَحْرِ بَيَانِي لَعَلَّ تَطْلِعُونَ بِمَا فِيهِ مِنْ لِنَالِي الْحِكْمَةِ وَالْإِسْرَارِ» (۸) حضرت بهاء الله همچین می فرمایند: «مَثَلُ ظَهْوَرِ قَدَسٍ أَحَدِيْتُمْ مَثَلُ بَحْرِ يَسْتُ كَمَا فِي قَعْرِ وَعَمَقِ أَنْ لِنَالِي لَطِيفُهُ مَنِيرُهُ أَزِيدُ مِنْ أَحْصَاءِ مُسْتَوْرٍ بِأَشَدِّ وَهَرِ طَالِبِي الْبَيْتِ بَابِدِ كَمَرٍ جَهْدٍ وَطَلْبِ بَسْتَةٍ بِه شَاطِئِ أَنْ بَحْرِ دَرَأِيدِ تَأَقْسَمُ مَقْدَرُهُ فِي الْوِاحِ مَحْتَمُهُ مَكْنُونُهُ رَاعِلِي قَدْرِ طَلْبِهِ وَجَهْدِهِ أَخَذَ نَمَائِدِ» (۹) و حضرت عبدالبهاء بیان تفکر برانگیزی می فرمایند: «تا بحر به موج در نیاید، صدف به ساحل دز و گوهر نیاورد.» (Tablets, vol. 2, p. 326)

این مجموعه جامعیت تام ندارد چون «بحر را گنجایش اندر جوی نیست» (۱۰) بلکه باید به عنوان عاملی برای تشویق به تحقیق بیشتر به کار رود. لکن معتقدم که هر ورق این کتاب متضمن الهامات الهی است. در جمع آوری این مجموعه از اصل نصوص استفاده شده و به آثاری از حضرت اعلی، حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء بسنده شده است. در پایان بسیاری از فصل ها بخشی از الواح و مناجات گنجانده شده است که بعضی از آنها گزیده ای از آثاری مطول هستند. این قسمت پایانی به وسیله یک خط از سایر نصوص جدا شده است.

در قسمت ضمیمه معدودی از «لنالی حکمت» کتب عهد قدیم و جدید درج شده اند. این آیات چندین قرن میلیونها نفوس را در سراسر بیسط غیرا مدد نموده اند تا به زندگی ادامه دهند. مضامین آنها با آثار مقدسه بهایی مشابهت دارند. حقایق بنیادین ادیان تغییر ناپذیرند. در صفحات آخر کتاب به خصوصیات افراد خود محور در مقام مقایسه با نفوس خدامحور پرداخته شده است.

از کسانی که این کتاب را مطالعه نمودند تا به تصمیم گیری برای چاپ آن کمک کنند صمیمانه سپاسگزارم. از جناب ماریون هافمن و سرکار خانم می هافمن بلریو برای درک «هدف غایی» این مجموعه و اینکه آن را «مایه آسایش و ارزش بسیاری از نفوس» می دانستند و به این ترتیب امکان انتشار آن را فراهم ساختند علی الخصوص متشکرم. همچنین از مساعدتهای ارزشمند همسر، جان، در زمینه ویراستاری صمیمانه سپاسگزارم.

تعمق در آیات الهی به فؤاد و عقل و جسم شفا بخشد. حضرت عبدالبهاء فرمودند: «روحانیات را نفوذی عظیم در عالم جسمانی ... احساسات روحانیه را در امراض عصبیه تأثیری عجیب است.» (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۷) این «نصایح رحمانی» (همان، ص ۳۸) اضطراب را زایل می کند، افسردگی را از بین می برد، احساس عجز را کاهش می دهد و به پرسشهای لاینحل بیشمار پاسخ می گوید. تلاش در جمع آوری این مجموعه برای این کمینه منشاء صحت، الهام و سرور بود. امید است که خوانندگان نیز چنین تجربه ای را احساس کنند.

آن ماری هونولد

سوار تمور، پنسیلوانیا - آگست ۱۹۸۵

بی نوشتها:

- ۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، صفحه ۱۹۴
- ۲ - بخشی از مناجات حضرت عبدالبهاء (اصل آن یافت نشد).
- ۳ - کلمات مکتونه عربی، فراز ۱
- ۴ - روانیزشک و روانکاواهل کشور سوئیس، متولد ۱۸۷۵. در سال ۱۹۳۳ نطقهایش جمع آوری شده و تحت عنوان انسان امروزمین در جستجوی روح به چاپ رسیده است.
- ۵ - **neuroses**
- ۶ - منتخبات آثار حضرت بهاء‌الله، صفحه ۱۳۸
- ۷ - لوح مفصود
- ۸ - منتخبات آثار حضرت بهاء‌الله، صفحه ۹۳
- ۹ - منتخبات آثار حضرت بهاء‌الله، صفحه ۲۰۹
- ۱۰ - چهار وادی - آثار قلم‌اعلی، جلد ۳، صفحه ۱۵۴

فصل اوّل

مقابله با فشار روحی

بخش اول

حزن و اندوه

الف - بیانات حضرت پیاء الله

- ۱ - ایاک أن لا یحزنک شیءٌ عمّا خلق بین الارض والسّماء (منتخبات، ص ۱۹۴)
- ۲ - حوادث عالم کون شمارا متاثر نسازد. (ظہور عدل الہی، ص ۱۶۹)
- ۳ - لا تحزن الافی بعدک عنّا ولا تفرح الافی قریبک بنا والرّجوع الینا (کلمات مکنونہ عربی، فقرہ ۳۵)
- ۴ - روح القدس یشرک بالانس، کیف تحزن؟ (ہمان، فقرہ ۳۴)
- ۵ - ان اصابتک نعمۃ لا تفرح بہا وان تمسک ذلّة لا تحزن منہا لان کلّیتہما تزولان فی حین وتبیدان فی وقت (ہمان، فقرہ ۵۲)
- ۶ - ان یمسک الفقر لا تحزن لان سلطان الغنی ینزل علیک فی مدی الاّیام (ہمان، فقرہ ۵۳)
- ۷ - بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل بر میار، یعنی بد مگو ... (کلمات مکنونہ فارسی، فقرہ ۴۴)
- ۸ - جعلت لک الموت بشارۃ کیف تحزن منہ؟ (کلمات مکنونہ عربی، فقرہ ۳۲)
- ۹ - ان یمسک الحزن فی سبیل أو الذلّة لاجل اسمی لا تضطرب. (لوح احمد عربی)
- ۱۰ - لا تحزن من احتجاب الخلق (مجموعہ الواح نازلہ بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۰)
- ۱۱ - اگر در این ایام مشہود و عالم موجود فی الجملہ امور برخلاف رضا از جبروت قضا واقع شود، دلتنگ مشوید کہ ایام خوش رحمانی آید. (لوح احمد فارسی - مجموعہ الواح طبع مصر، ص ۳۱۵)
- ۱۲ - محزون مباش از آنچه وارد شدہ. اگر در دفتر عالم نظر نمایی مشاہدہ کنی آنچه را کہ ہم و غم را رفع نماید. (مجموعہ اشراقات، ص ۲۸۴)
- ۱۳ - چرا افسردہ آید؟ آن پاک پوشیدہ بی پردہ آمد. چرا پژمرده آید؟ (مجموعہ الواح طبع مصر، ص ۲۵۵)
- ۱۴ - بستہ مردی کہ گشاینده را نشناخت و در زندان آزر گردان بماند. (ہمان)
- ۱۵ - ایاک أن یحزنک مقالات الذین غفلوا (لوح اقدس - کتاب مبین، ص ۱۴۳)
- ۱۶ - قوموا علی خدمۃ الامر علی شأن لا تأخذکم الاحزان من الذین کفروا بمطلع الاّیات (کتاب اقدس، بند ۳۵)
- ۱۷ - ان وجدت نفسک وحیداً لا تحزن فاکف بریک ثم استانس بہ و کن من الشاکرین. بلغ امر مولاک الی کل ... (سورۃ البیان - آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۱۰۹)
- ۱۸ - أن اجتنب الهمّ و الغم بہما یحدث بلاء ادهم (لوح طب - مجموعہ الواح طبع مصر، ص ۲۲۳)
- ۱۹ - مگذارید دنیا و پستی آن شمارا محزون کند. طوبی از برای نفسی کہ ثروت اورا مغرور و فقر اورا

محزون نکند. ^(۱) (ترجمه)

۲۰ - ایاکم ان تحزنکم اعمال مطالع الاوهام وما ارتکب کل ظالم بعید (الروح بعد از اقدس، ص ۱۵۳)

ب - بیانات حضرت اعلیٰ

۲۱ - هیچ نفسی بر هیچ نفسی بقدر نفسی حزن وارد نیاورد. (منتخبات آیات حضرت نقطه اولی، ص ۵۹)

۲۲ - فلا تخافن ولا اتم تحزنون. (همان، ص ۱۰۸)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۲۳ - ای ناطق به ثنای حضرت یزدان در موسم زمستان آنچه طغیان طوفان شدیدتر و باران و بوران عظیم تر، در فصل نوبهار گلشن و گلزار طراوت و لطافتش بیشتر گردد و حلاوت و زینت چمن و لاله زار زیادتر شود؛ گریه ابر سبب خنده گل گردد و دمدمه رعد نتیجه اش زمزمه بلبل شود و شدت برد جمال ورد بیار آورد و طوفان سرد باغ را به شکوفه های سرخ و زرد بیاراید؛ اریاح شدید منتج نسائم لطیف گردد و باد صبا شمیم گل حمراء گیرد؛ سفیدی برف سبزی چمن شود و افسردگی خاک شکفتگی نسرین و نسترن گردد و پژمردگی شتاتری و تازگی بهاری شود و شدت سرما اعتدال هوا گردد؛ سرو بیالد، فاخته بنالد، بلبل بخواند، گل چهره برافروزد، لاله ساغر گیرد، نرگس مخمور گردد، بنفشه مدهوش شود، اشجار سبز و خرم شود و اوراق طراوت جوید، ازهار بدمد، اثمار نمودار شود، گلشن مجلس انس شود و چمن محفل قدس گردد. جمیع این فیوضات و تجلیات بهار اثر مصیبات زمستان است و کل سرور و حبور گلشن و گلزار از اثر برودت فصل شتا. (مانده آسمانی، ج ۵، حرف ت، باب هفتم)

۲۴ - وقت سرور روح انسان در پرواز است، جمیع قوای انسان قوت می گیرند در قوه فکریه زیاد می شود... اما وقتی که حزن بر انسان مستولی می شود، مخمود می گردد، جمیع قوا ضعیف می شود.

(خطابات، ج ۱، ص ۱۹۸)

۲۵ - کما قال، «دل به دست آور که حج اکبر است» (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۸۹)

۲۶ - لا تبتسی من وفات قرینک المحتوم. (همان، ص ۱۹۲)

۲۷ - محزون مباش، دلخون منشین، ناله مکن، فریاد و فغان منما، زیرا اضطراب و بیقراری سبب تأثر روح او در جهان الهی است. (همان، ص ۱۹۶)

۲۸ - ابدأ ملول نشوید. (همان، ص ۲۰۶)

۲۹ - در تسریر نفوس سعی بلیغ مبذول دارید. (همان، ص ۲۳۶)

۳۰ - ابدأ آزرده نگردند، افسرده نشوند، پژمرده نشینند. (همان، ص ۲۴۹)

۳۱ - از غفلت و استکبار اشراز و عظمت و تعنت فجار مغموم و محزون مشوید و دلگیر و دلخون

- نکردید. چه که این دأب دیرین و آداب قدیم غافلین است. (همان، ص ۲۲۷)
- ۳۲ - از بلایا و محنی که بر تو وارد شده مکدر مباش. جمیع مصائب و بلایا از برای انسان خلق شده است تا انسان از این جهان فانی نفرت کند. چه که نهایت تعلق به دنیا دارد. چون به زحمت و مشقت بسیار گرفتار شود طبیعت نفرت کند و توجه به خدا نماید و جهان باقی طلبد که از جمیع مصائب و بلایا میزاست. (همان، ص ۲۳۱)
- ۳۳ - پس احبای الهی باید ... تشنگان را آب گوارا گردند و مریضان را شفای عاجل؛ دردمندان را درمان گردند و مصیبت زدگان را تسلی و جدان؛ گمراهان را نور هدایت گردند و سرگشتگان را رهبر پر عنایت؛ کوران را دیده بینا شوند و کران را گوش شنوا؛ مردگان را حیات ابدیه باشند و افسردگان را مسرت سرمدیه. (همان، ص ۳۰۸)
- ۳۴ - احبای الهی باید ... از شدائد بلایا مضطرب نگردند و از عظام رزایا محزون نشوند. توسل به ذیل کبریا جویند ... (همان، ص ۹)
- ۳۵ - یا قوم لایأخذکم الاضطراب اذا غاب ملکوت ظهوری ...^(۱) (همان، ص ۱۶)
- ۳۶ - از حوادث واقعه محزون و مکدر مباش. (همان، ص ۲۳۰)
- ۳۷ - گفتند از وقایع و حوادث کونی قدری ملول و محزونی و کمی مغموم و مهموم و حال آنکه عاشقان جمال دلبر ابهی و سرمستان پیمانه پیمان از هیچ آفتی افسرده نگردند و از هیچ مشقتی پژمرده نشوند، آتش را گلزار یابند و قعر دریا را پهن دشت هموار. (همان، ص ۲۹۹)
- ۳۸ - لاتحزن من شیء و لاتتکدر من احد (همان، ص ۲۳)
- ۳۹ - لاتحزنی من العسرة و العناء و لاتفرحی من الزاحة و الزخافی هذه الدنيا لان کلیتھما یزولان (همان، ص ۱۷۳)
- ۴۰ - انشاء الله چنان دل و جانت از محبت الله سرشار شود که اندوه در آن نگنجد و با قلبی شاد چون طیور آسمانی در انور الهی مستغرق شوی.^(۲) (ترجمه)
- ۴۱ - امتحانات مواهب الهیه هستند. باید به خاطر آن خداوند را شاکر بود. غم و اندوه بر حسب اتفاق نازل نمی شود، بلکه به رحمت الهیه برای رشد و کمال ما فرستاده می شود.^(۳) (ترجمه)
- ۴۲ - غم و اندوه روح بر جسم اثر می گذارد.^(۴) (ترجمه)
- ۴۳ - خدا را شکر کنید که حضرت بهاء الله اساسی متین و رصین نهادند. جایی برای اندوه در قلب

۱- توضیح مترجم: این بیان مبارک آیه کتاب اقدس (بند ۵۳) است که حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک نقل فرموده اند.

۲- Paris Talks, p. 95

۳- Ibid, p. 50

۴- Ibid, p. 65

باقی نگذاشتند. آثار قلم مبارکش موجب تسلی خاطر جمیع اهل عالم است. ^(۳) (ترجمه)

۴۴ - حسرت نخور و به ضرر و زیان میندیش، افسرده منشین، خاموش مباش، بلکه روز و شب در کمال سرور و حبور به ذکر الهی مشغول شو. ^(۴) (ترجمه)

۴۵ - قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمی گردد. اگر حزنی از برای انسان حاصل شود از مادیاتست، اگر از برای انسان خمودت و جمودتی حاصل شود از مادیاتست ... حزن انسان و نکبت انسان و نحوست انسان و ذلت انسان همه از مادیاتست اما از احساسات روحانیه هیچ ضرری و زیانی و غصه و غمی از برای انسان حاصل نمی شود. (خطابات، ج ۱، ص ۱۹۸ / ج ۳، ص ۱۴۷)

۴۶ - عالم خاک تنگ است و تاریک و هولناک. آسایش تصور نگردهد و مسرت بالمزه وجود ندارد. کل در دام غم اسیرند و روز و شب به زنجیر مصائب و بلایا مبتلا. احدی از غم و مصیبت رهایی ندارد و راحتی نیابد. اما مؤمنین به خداوند چون توجه به جهان نامحدود کنند از مصائب و بلایا مغموم نگردند و آزرده نشوند، بلکه تسلی یابند. ^(۵) (ترجمه)

۴۷ - اگر دوستی سبب سرور یا رنج ما گردد، اگر عشقی حقیقی یا دروغین باشد، روح است که متأثر می شود. اگر عزیزان از ما دور باشند، روح است که قرین غم و اندوه می شود، و غم و اندوه روح بر جسم اثر می گذارد. پس وقتی روح متصف به صفات الهی گردد، جسم مسرور می شود، اگر نفس منهمک در معاصی گردد، جسم در رنج و عذاب افتد. ^(۶) (ترجمه)

۴۸ - هر مبتلایار یا مهربان شو، هر محزون و مغموم را غمخوار و غمگسار گرد، هر خائف را ملجاء و پناه شو ... و قلوب مایوس و افسرده را تسلی خاطر گرد ... هر حزین و نالان را دستگیر شو ... ^(۷) (ترجمه)

۴۹ - از مصائب وارده محزون مشو. در این امر عظیم از برای هر واقعه ای حکمتی موجود. اگر دستت از جیفه دنیا تهی است محزون مباش، چه که قلب نورانی تو کنزی عظیم است ... ^(۸) (ترجمه)

۵۰ - همیشه مقصدتان این باشد که دلی را مسرور کنید، گرسنه ای را اطعام نمایید، برهنه ای را بپوشانید، ذلیلی را عزیز کنید، بیچاره ای را چاره ساز گردید و پریشانی را سروسامان بخشید. (خطابات، ج ۲، ص ۳۴۴)

۵۱ - اگر امور دشوار گردد و مصائب از جمیع جهات شدت یابد محزون مشو و مغموم مگرد. البته

۱ - Ibid, p. 172

۲ - Tablets of 'Abdu'l-Baha, vol. 1, p. 133

۳ - Tablets of 'Abdu'l-Baha, vol. 2, p. 264-5

۴ - Paris Talks, p. 65

۵ - Tablets of 'Abdu'l-Baha, vol. 1, p. 202

۶ - Ibid, vol. 2, p. 293-4

پروردگارت شداید را به راحتی تبدیل کند، مشکلات را آسانی بخشد و مصائب را به آسایش عظیم
مبدل سازد. ^(۱) (ترجمه)

۵۲ _ قلبت متزلزل نشود و فؤادت خموده نشود. ^(۲) (ترجمه)

Ibid, p. 311 - ۱

حضرت ولی امرالله می فرمایند: «نباید فراموش کنیم که از خصوصیات این دنیا زحمت و مشقت و مصائب است و
تنها با غلبه بر آنهاست که ما می توانیم رشد و نمو اخلاقی و روحانی یابیم. به فرموده حضرت عبدالجبار غم و اندوه
مانند شیار بر زمین است. هر چه شیار عمیق تر باشد، حاصل بیشتر است.» (نمونه حیات بهایی، ص ۹)
۲ _ خاطراتی از حضرت عبدالجبار، اثر رامونا آلن براون، ترجمه فاروق ایزدی نیا، صص ۱۸ - ۱۷

بخش دوم

بلايا، امتحانات و افتتانات

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - بلائی عنایتی ظاهره ناز و نغمه و باطنه نوز و رحمة (کلمات مکنونه عربی، فقره ۵۱)
- ۲ - ان لا یصیبک البلاء فی سبیلی کیف تسلك سبیل الرّاضین فی رضائی (همان، فقره ۵۰)
- ۳ - فافرغ نفسک عن الحجابات و الظنونان ثم ادخل علی البساط لتکون قابلاً للبقاء و لائقاً للقاء کی لا یأخذک موتٌ و لا نصبٌ و لا لغوب (همان، فقره ۶۳)
- ۴ - انسان به شغلی مشغول باشد احب است چه که حین اشتغال ناملايمات روزگار کمتر احصاء می شود. (لوح مفرد، ص ۲۴)
- ۵ - طوبی لخائف هرب الی ظلّ قبایی (لوح اقدس - کتاب مبین، ص ۱۴۳)
- ۶ - قد جعل الله البلاء غادیه لهذه الذسكرة الخصراء (لوح ابن ذنب، ص ۱۳)
- ۷ - لاتشتغل بالذنی لانّ بالنار نمتحن الذهب و بالذهب نمتحن العباد (کلمات مکنونه عربی، فقره ۵۵)
- ۸ - ما قدر من قلم التقدير لاحتائه الا ما هو خیر لهم^(۱) (ظهور عدل الهی، ص ۱۶۸)
- ۹ - امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خار از گل ممتاز و معلوم شود، چنانچه فرموده: «الم احسب الناس ان یتروا ان یقولوا آمناً وهم لا یفتنون» (ایقان، ص ۷)
- ۱۰ - اینگونه امور که سبب وحشت جمیع نفوس است، واقع نمی شود مگر برای آنکه کل به محک امتحان الله در آیند تا صادق و کاذب از هم تمییز و تفصیل یابد. (همان، ص ۴۰)
- ۱۱ - ولیکن چون مقصود امتیاز حق از باطل و شمس از ظل است این است که در کل حین امتحانهای منزله از جانب ربّ العزّه چون غیث هاظل جاری است. (همان، ص ۴۱)

۱ - حضرت عبدالبهاء می فرماید: «هر کس اخلاقش نیکوتر خوشتر؛ هر کس توجهش به ملکوت ابهی بیشتر، بیشتر» (ظهور عدل الهی، ص ۷۹)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۱۲ - از حوادث واقعه محزون و مکدر مباش. این مشقت در سبیل الهی بر شما وارد شد. لهذا باید سرور و شادمانی گردد. (متخبات مکاتب، ج ۱، ص ۲۳۰)
- ۱۳ - ... از محن و آلام بهره و نصیب برید. (همان)
- ۱۴ - ان فی اعلاء کلمة الله لامتحان وافتتان و فی محبة الله بلاء و محن و مصائب فی کل آن. ینبغی للانسان ان یقدر هذه البلیا و یقبلها لنفسه بطوعه و رغبتہ اولاً ثم یتبدأ بنشر نجات الله و اعلاء کلمة الله. عند ذلك مهما یقع علیه فی حب الله ... لا یتکدر خاطرہ ... (همان، ص ۲۳۲)
- ۱۵ - بر خوان رنگین و شهد و انگبین و بادد خلار و جام سرشار هر کس بنده پروردگار است. عبودیت حق در زیر اغلال و زنجیر و تیر و شمشیر ثابت و محقق می شود. (مائده آسمانی، ج ۵، حرف الف، باب ۱۲)^(۱)
- ۱۶ - حکمت ظهور روح در جسد اینست روح انسانی و دیعه رحمانی است باید جمیع مراتب را سیر کند، زیرا سیر و حرکت او در مراتب وجود سبب اکتساب کمالات است. (مفاوضات، ص ۱۵۳)
- ۱۷ - پس واضح شد که امتحان از برای نفوس مقدسه موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان. این امتحان همانست که مرقوم نمودید، زنگ انانیت را از آئینه دل زائد نماید تا آفتاب حقیقت در آن بدرخشد زیرا هیچ حجابی اعظم از انانیت نیست و هر چند آن حجاب رقیق باشد عاقبت انسان را بکلی محتجب و از فیض ابدی بی نصیب نماید. (متخبات مکاتب، ج ۱، ص ۱۷۷)
- ۱۸ - عاشقان جمال دلبر ابهی ... آتش را گلزار یابند. (همان، ص ۲۹۹)
- ۱۹ - تا انسان به امتحان نیفتد زر خالص از زر مغشوش ممتاز نگردد. عذاب آتش امتحان است که زر خالص در آن رخ برافروزد و مغشوش سوخته و سیاه گردد. (همان، ص ۱۱۷)
- ۲۰ - نفوسی که مصاب به بلایا و مصائب نگردند به کمال واصل نشوند. گیاهی که باغبانان بیشتر آن را هرس نمایند، چون وقت تابستان رسد، زیباترین شکوفه ها و بیشترین میوه از او به ظهور رسد.^(۲) (ترجمه)
- ۲۱ - امتحانات مواهب الهیه هستند. باید به خاطر آن خداوند را شاکر بود. غم و اندوه بر حسب اتفاق نازل نمی شود، بلکه به رحمت الهیه برای رشد و کمال مافرستاده می شود.^(۳) (ترجمه)
- ۲۲ - امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدان است. زیرا شخص شجاع به میدان امتحان

۱ - توضیح مترجم: بیانی که نویسنده نقل کرده از لوحی است که اصل آن یافت نشد، لذا لایح دیگری با همان مضمون نقل گردید. در لوح دیگری در همان مأخذ ذکر می فرمایند: «شکر نعماء الهیه هنگام سختی و زحمت لازم زیرا در بحبوحه نعمت هر نفسی می تواند شاکر باشد.»

Paris Talks, p. 51 - ۲

Ibid. p. 50 - ۳

حرب شدید به نهایت سرور و شادمانی بشتابد ولی جان بترسد و بلرزد ... امتحان از برای نفوس مقدسه موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان. (منتخبات مکانیب، ج ۱، ص ۱۷۷)

۲۳ - امتحانات الهیه در این جهان است نه در جهان ملکوت.

۲۴ - در آینده اخلاق عمومی بسیار فاسد گردد باید اطفال را تربیت بهایی نمود تا سعادت دو جهان یابند و الا در زحمت و مشقت افتند، زیرا سعادت عالم انسانی به اخلاق رحمانی است. (همان، ص ۱۲۴)

۲۵ - لا تحزنی من العسرة والعناء ولا تفرحی من الزاحة والرخاء فی هذه الدنیا لان کلیتھما یزولان (همان، ص ۱۷۳)

۲۶ - توکلی علی الله واعتمدی علیه و تذکری بذکره فی کل حین انه یبذل العسرة بالیسر و الشدة بالرخاء و التعب بالراحة العظمی انه علی کل شیء قدير (همان، ص ۱۷۴)

۲۷ - امتحانات هر امری بقدر عظمت آن امر است. (همان، ص ۲۰۵)

۲۸ - از بلایا و محنی که بر تو وارد شده مکدر مباش. جمیع مصائب و بلایا از برای انسان خلق شده تا انسان از این جهان فانی نفرت کند، چه که نهایت تعلق به دنیا دارد. چون به زحمت و مشقت بسیار گرفتار شود طبیعت نفرت کند و توجه به خدا نماید و جهان باقی طلبد که از جمیع مصائب و بلایا مبرا است. (همان، ص ۲۳۱)

۲۹ - آنچه واقع شود خیر است زیرا بلا عین عطاست و زحمت حقیقت رحمت و پریشانی جمعیت خاطر است و جانفشانی موهبت باهر. آنچه واقع شود فضل حضرت یزدانی است. (همان، ص ۲۳۷)

۳۰ - ذهب خالص در آتش امتحان باروی شکفته جلوه نماید. (همان، ص ۱۷۷)

۳۱ - این امتحانات نفوس ضعیفه را متزلزل نماید ولی در نفوس قویه امتحان چه تأثیر دارد (همان، ص ۲۰۵)

۳۲ - در این جهان فانی مدار شادمانی بلای سبیل ربانی و محن و آلام جسمانی بود. (همان، ص ۲۲۰)

۳۳ - صدمات و زحمات در سبیل رب الایات البینات عنایاتست و زحمت رحمت و محنت منحت (همان، صص ۲۲۱-۲۲۰)

۳۴ - نفوسی که بیشتر مبتلا به مصائب و آلام گردند، به اعلی مراتب کمال نائل گردند.^{۱۱۱} (ترجمه)

۳۵ - هر چه انسان به بلایا بیشتر تزکیه و تهذیب گردد، فضائل روحانی که از او به ظهور رسد، بیشتر و متعالی تر است.^{۱۱۲} (ترجمه)

۳۶ - حزن انسان کدورت انسان از عالم مادیاتست: یاس و نومیدی از نتایج عالم طبیعت است. (خطابات، ج ۱، ص ۱۹۸/خطابات، ج ۳، ص ۱۴۷)

۳۷ - انسان وقتی در نهایت مشقت نهایت یأس می‌افتد چون به خاطر آید خدای مهربان دارد مسرور می‌شود. اگر بشدت فقر مادی افتد به احساسات روحانی آید، خود را از کنز ملکوت غنی بیند. (خطابات، ج ۱، ص ۱۹۹/ج ۳، ص ۱۴۸)

۳۸ - وقتی انسان با آلام و رنجها امتحان می‌شود، روح و جانش ترقی می‌کند و تعالی می‌یابد. هر چه زمین بیشتر شخم بخورد، بذر بهتر رشد می‌کند و محصول بهتر خواهد شد. همانطور که شخم شیاری عمیق در زمین به وجود می‌آورد و آن را از خار و گیاهان هرز پاک می‌کند، رنجها و مصیبتها انسان را از امور لایغنیه این حیات دنیا خلاصی می‌بخشند تا به انقطاع صرف واصل گردد. رفتار و افکارش در این دنیا، تفکر سعادت آسمانی شود. به عبارت دیگر، انسان نابالغ است؛ حرارت آتش بلا و رابه بلوغ می‌رساند... بزرگترین انسانها کسانی هستند که بیشترین رنجها را تحمل کرده‌اند.^(۱) (ترجمه)

۳۹ - انسان با رنج به سعادت ابدی که احدی نتواند از او بگیرد، نائل خواهد شد.^(۲) (ترجمه)

۴۰ - انسان برای رسیدن به سعادت ابدی باید متحمل مصائب و مشقتات گردد. نفسی که به مقام ایثار برسد به مسرت حقیقی رسیده است. مسرت موقت زائل خواهد شد.^(۳) (ترجمه)

۴۱ - اگر امتحان نبود، ذهب ابریز از زر مغشوش تمییز داده نمی‌شد.^(۴) (ترجمه)

* * * * *

حضرت بهاء الله در مناجاتی می‌فرماید:

۴۲ - سبحانک یا الهی لولا البلیا فی سبیلک من این تظہر مقامات عاشقیک، و لولا الرزایا فی حبک بأی شیء تبین شئون مشتاقیک (مناجات، طبع برزیل، ص ۱۰۶/لوح ابن ذنب، ص ۹۲)
حضرت اعلی می‌فرماید:

۴۳ - هل من مفرج غیر الله قل سبحان الله هو الله کل عباد له و کل بامرہ قائمون (منتخبات آیات، ص ۱۵۶)

۴۴ - فیا الهی بعزتک لاتبتلینی فی مواضع الامتحان (همان، ص ۱۴۹)

۴۵ - یا الهی انک تعلم ان البلاء قد نزل علی من کل شطر و لیس احد یقدر بدفعها الا انت و انی لعلی

← ۲ - Ibid, p. 51

۱ - Paris Talks, p. 178

۲ - Ibid,

۳ - Ibid, p. 179

۴ - Divine Art of Living, p. 91

يقين في حبي لك بانك لم تنزل على احد بلاء الابما اردت له بان ترفع درجاته في رضوانك و تثبت قلبه
باركان قهاريتك في هذه الحيوة الدنيا ان لا يمين الي زخرفها (عمان، ص ١٥٣)
حضرت عبدالبهاء مي فرمايند :

٤٦ - رب انهم ظمء ارويت غلتهم بماء الوصال و اسكنت لوعتهم ببرد الفضل و الاحسان و شفيت
علتهم بدر ياق رحمتك يا حنان يا منان (متخيات مكاتيب، ج ١، ص ٣٥٧)

بخش سوّم

خشم و غضب

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - الحسد يأكل الجسد والغیظ يحرق الكبِد. اجتنبوا منهما كما تجتنبون من الاسد. (لوح طب - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۲۴)
- ۲ - زبان ناری است افسرده و کثرت بیان سمی است هلاک کننده. نار ظاهری اجساد را محترق نماید و نار لسان ارواح و افنده را بگدازد. اثر آن نار به ساعتی فانی شود و اثر این نار به قرنی باقی ماند. (ایفان، ص ۱۴۸)
- ۳ - قیام به اعمال حسنه و کسب فضائل ... کظم غیظ. (تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس، صص ۳۴ - ۳۵)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۴ - ... تا تربیت به درجه ای رسد که قطع حلقوم گوارا تر از کذب مششوم شود و زخم سیف و سنان آسان تر از غضب و بهتان گردد. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۳)
- ۵ - ابدأ از یکدیگر مکدر نشوید ... خلق را از برای خدا دوست بدارید نه برای خود. چون برای خدا دوست می دارید هیچ وقت مکدر نمی شوید. (خطابات، ج ۲، ص ۵۸)
- ۶ - انسان ... اگر بر ظالمان خونخوار که مانند سباع درنده هستند قهر و غضب نماید بسیار ممدوح است ولی اگر این صفات را در غیر مواضع صرف نماید مذموم است. (مفازات، ص ۱۶۴)
- ۷ - لا تکدر من احد (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳)

بخش چهارم

عداوت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - طوبی از برای نفوسی که به حبل شفقت و رأفت متمسکند و از ضغینه و بغضاء فارغ و آزاد. (طراز دوم از لوح طرازات - مجموعه اشراقات، ص ۱۵۰)
- ۲ - سبب حزن مشوید تا چه رسد به فساد و نزاع. (بشارت سیزدهم از لوح بشارت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۲۳)
- ۳ - ای احزاب مختلفه به اتحاد توجه نمایند و به نور اتفاق منور گردید. (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۴)
- ۴ - ان ظهرت کدوره بینکم فانظرونی امام و جوهرکم و غضوا البصر عما ظهر خالصاً لوجهی (منتخابات، ص ۲۰۲)
- ۵ - قلب را منور دارید و از خار و خاشاک ضغینه و بغضاء مطهر نمایید... نیکوست حال نفسی که به محبت تمام با عموم انام مشورت نماید. (همان، ص ۲۱۴)
- ۶ - لاتنفس بخطاء احد ما دمت خاطئاً وان تفعل بغير ذلك ملعون انت (کلمات مکنونه عربی، فقره ۲۷)
- ۷ - کیف نسیت عیوب نقدک را اشتغلت بعیوب عبادی (همان، فقره ۲۶)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۸ - به نحوی عمل کنید که قلبتان فارغ از ضغینه و بغضاء باشد. ^(۱) (ترجمه)
- ۹ - محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید. (منتخابات مکاتیب، ج ۱، صص ۳-۴)
- ۱۰ - به اعراض و انکار و استکبار و ظلم و عدوان اهمیت ندهید و اعتنا نکنید، بالعکس معامله نمایید. (همان، ص ۳)
- ۱۱ - باید نظر به عنف و شدت و سوءنیت و ظلم و عداوت ننمود بلکه به افق عزت قدیمه باید نظر کرد. (همان، ص ۲۲)
- ۱۲ - اگر نفسی جنگ جوید شما آشتی طلبید و اگر کسی ضربتی بر جگرگاه زند شما مرهم بر زخم او بنهید، شماتت کند محبت نماید، ملامت کند ستایش فرماید، سم قاتل دهد شاهد فائق بخشید، به هلاکت اندازد شفای ابدی دهید، درد گردد درمان بشوید، خار شود گل و ریحان گردید. (همان، ص ۳۲)

۱ - Promulgation of Universal Peace, p. 453 (2 Dec. 1912)

- ۱۳ - محبت و الفت را جنت نعیم دانید و کدورت و عداوت را عذاب جحیم شمیرید. (همان، ص ۲۳۷)
- ۱۴ - خیال و فکر عداوت را باید با فکری قوی تر که محبت است محو کرد. ^{۱۱} (نقل ترجمه از ص ۱۸۴ بهاء الله و عصر جدید)
- ۱۵ - ضغینه و بغضاء به قوه محبت و خلوص نیت زائل گردد. ^{۱۲} (ترجمه)

۱ - Paris Talks, p. 29

۲ - Ibid, p. 30

بخش پنجم

حسد

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - دل را از غلّ پاک کن و بی حسد به بساط قدس احد بخرام. (کلمات مکنونه، فقره ۴۲)
- ۲ - قلبی که در آن شائبه حسد باقی باشد، البته به جبروت باقی من در نیاید. (همان، فقره ۶)
- ۳ - پره‌ای خود را به طین غفلت و ظنون و تراب غلّ و بغضاء میالایید. (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۱۵)
- ۴ - الحسد یأکل الجسد (روح طب - مجموعه الواح مصر، ص ۲۲۴)
- ۵ - از شمارا از شنیدن آواز بی نیاز دور نمود. (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۵۵)

بخش ششم

اضطراب

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - اگر علمای عصر بگذارند و من علی الارض رانحه محبت و اتحاد را بیابند، در آن حین نفوس عارفه بر حزیت حقیقی آگاه شوند، راحت اندر راحت مشاهده نمایند، آسایش اندر آسایش. (روح مفصود - دریای دانش، ص ۱۳)

۲ - وارسل الی کلّ مدینه رسولاً من عنده لیبشّرهم برضوان الله و یقرّبهم الی مقعد الامن مقرّ قدس رفیع. (منتخبات، ص ۹۸)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۳ - منادی صلح و صلاح و محبت و سلام آئین جمال مبارک است. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲)

۴ - بیماری ناشی از حوادث جسمانی باید به ادویه معالجه شود و مواردی که متأثر از علل روحانی اند، به اسباب روحانی معالجه شوند. لذا امراضی که از محنت، خوف و فشارهای عصبی حاصل شود بجای معالجات جسمانی، به معالجات روحانی شفا یابند. حال اگر می خواهی در یاق سماوی که شفای هر مرض است و درمان ملکوتی بچشد، بشناسی، بدان که آن عبارت از اصول و تعالیم الهی است. آنها را عزیز دار. ^(۱) (ترجمه)

۵ - امراضی که از تأثرات نفسانیه حاصل به قوه روح انسانی معالجه گردد. ^(۲) (امر و خلق، ج ۳، ص ۲۵)

۶ - اگر در ظلمت طبیعت گرفتار شوید به نورانیت ملکوت مسرورید ... در هر مصیبتی گرفتار شوید تسلی خاطر می دارید، اگر زندگانی دنیوی مختل شود به حیات آسمانی مستبشر هستید. (خطابات، ج ۱، ص ۲۰۰)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرماید :

۷ - الهی و سیدی ... اکتب لی و لاحتی و ذوی قرابتی من کل ذکر و انشی خیر الاخره و الاولی (مناجات، ص ۱۵۶)

حضرت عبدالبهاء می فرماید :

۸ - خدایا دیگر مشحون از اضطراب نخواهم شد و مشقات مرا معذب نخواهند ساخت. ^(۳) (ترجمه)

۱ - Baha'i World Faith, p. 376

۲ - این فقره در اصل انگلیسی وجود ندارد و توسط مترجم اضافه شده است.

۳ - US Baha'i Prayers, p. 152

بخش هفتم

رنجش

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - «وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو» علاج شافی. ^(۱) (رساله شخصی سناح، طبع ۱۰۲ بدیع، ص ۳۹)

۲ - کل سجایای حق را به چشم خود دیده‌اید که ابداً محبوب نبوده که شبی بگذرد و یکی از اجبای الهی از این غلام آزرده باشد. (مجموعه افتدارات، ص ۲۱۷)

ب - بیانات حضرت اعلی

۳ - فلتر اقبین انفسکم ان لاتحزنن من احد (منتخبات آیات، ص ۱۰۰)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۴ - زنهار زنهار از اینکه قلبی را برنجانید، زنهار زنهار از اینکه نفسی را بیازارید. (بهاء الله و عصر جدید، طبع برزیل، ص ۹۷)

۵ - اگر نفسی ... ملامت کند ستایش فرمایید، سم قاتل دهد شهید فائق بخشید ... خار شود گل و ریحان گردد. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۳۲)

۶ - مبادا قلبتان از احدی مکدر گردد و آزرده شود. ^(۲) (ترجمه)

۷ - ... ابد او مکدر نشود ... (در محفل) (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۸۴)

۸ - مبادا خاطری بیازارید و نفسی را محزون کنید و در حق شخصی، چه یار و چه اغیار، چه دوست و چه دشمن، زبان به طعنه بگشایید. در حق کل دعا کنید و از برای کل موهبت و غفران طلبید ... زنهار زنهار از اینکه نفسی خاطری بیازارد و لوبدخواه و بدکردار باشد ... (همان، ص ۷۱)

۹ - تا توانید خاطر موری نیازارید چه جای انسان و تا ممکن سر ماری مکوبید تا چه رسد به مردمان. (همان، ص ۲۴۸)

۱۰ - زنهار از آنکه قلبی را برنجانید، مبادا غیبت نفسی نمایید، مبادا نسبت به بندکان خدا احساس بیگانگی نمایید. ^(۳) (ترجمه)

۱ - توضیح مترجم: حضرت عبدالبهاء در رساله شخصی سناح مطالبی را به صورت نقل قول غیر مستقیم به حضرت بهاء الله نسبت می دهند که از آن جمله این بیان است که آنچه در بین علائم نقل قول آمده آیه قرآنی و مندرج در سوره انعام (آیه ۱۷) است.

۲ - Promulgation, p. 453

۳ - Promulgation, p. 469

حضرت بهاء اللہ می فرماید :

۱۱ - سبحانک اللہم یا الہی مع اسمک لا یضرُنی شیءٌ و مع حبک لا یجزِ عُنی بلاءٌ

العالمین . (مناجات ، ص ۱۴۰)

بخش هشتم

احساس گناه و اعتراف

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - باید عاصی در حالتی که از غیرالله خود را فارغ و آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آمرزش کند. نزد عباد اظهار خطایا و معاصی جائز نه، چه که سبب و علت آمرزش و عفو الهی نبوده و نیست و همچنین این اقرار نزد خلق سبب حقارت و ذلت است و حق جل جلاله ذلت عباد خود را دوست ندارد. (بشارت نهم از لوح بشارت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۱۹)

۲ - استغفار از معاصی به ساحت قدس الهی. (تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس، ص ۳۴)

* * * * *

۳ - سزاً ساکنناً جدد فی یا منائی (مناجات، ص ۱۵۴)

۴ - ای رب فاغفر لی جریراتی الّتی منّعتنی عن السلوک فی مناهج رضائک و الورود فی شاطئ بحر احدیتک (مناجات، ص ۲۵)

حضرت اعلی می فرمایند:

۵ - سبحانک اللهم انک تغفر من عبادک من یتوب الیک فی کلّ حین. فاغفر اللهم لی ولذین هم یتستغفرون بالاسحار و یقیمون السلوة باللیل والنهار ... (منتخبات آیات، ص ۱۲۵)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

۶ - ای آمرزگار همه گناه کاریم و جفا کردار. تو آمرزنده ای، تو بخشنده ای مهربان. در قدر و لیاقت منگر، در فضل و عفو بنگر. ما را در بحر غفران غریق کن و در جنت ابهمنی با ملاء اعلی رفیق. تویی رحیم تویی رحمن. ع (مناجاتهای طبع آلمان، نشر اول، ص ۲۸۳)

بخش نهم

خوف

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - در خزائن علوم الهی علمی موجود که عمل به آن خوف را زائل می نماید ولی علی قدر مقدور (لوح ابن ذنب، ص ۲۵)
 - ۲ - آنچه از آن (ترس) بکاهد، بر جرأت می افزاید. (همان)
 - ۳ - قولوا لخائفی القلوب تشددوا لاتخافوا هو ذا الهکم (همان، ص ۱۰۹)
 - ۴ - لاتخف من احدٍ. فتوکل علی الله العلی العزیز الحکیم (سورة الوفا - آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۳۵۷)
 - ۵ - در ثروت خوف مستور و خطر مکنون (کتاب عهدی)
 - ۶ - زیرا که می فرماید: «الحب شرف لم یکن فی قلب الخائف» (چهار وادی - آثار قلم اعلى، ج ۳، ص ۱۵۰)
 - ۷ - یا ابن الانسان انت ملکی و ملکی لا یفنی کیف تخاف من فنائک ... فاسترح فی حبک ایای لکی تجدنی فی الافق الاعلی (کلمات مکنونه عربی، فتره ۱۴)
 - ۸ - لو اطلع الناس باصل الامر لم یجزعوا بل استبشروا و كانوا من الشاکرین (لوح رضوان العدل - آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۲۵۴)
 - ۹ - از ماسوی الله اندیشه منما (لوح احمد فارسی - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۳۱۶)
- #### بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۱۰ - ایاکم و التزلزل و الاضطراب و الفرع و الاضطرار و الخمول و الخمود من هذا الیوم المشهود الیوم یوم الاستقامة الكبرى الیوم یوم الثبوت و الترسوخ بین ملاء الانشاء هنیئاً للنفوس الثابتة الراسخة کالبنیان المرصوص من هذا العاصف القاصف القاصم للاصلاب و الظهور (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۶)
 - ۱۱ - خائفان را ملجاء و پناه گردید و مضطربان را سبب راحت دل و جان ... دردمندان را درمان گردید ... (همان، ص ۶۹)
 - ۱۲ - خائفان را ملجاء و پناه شوید.^(۱) (ترجمه)
 - ۱۳ - از اختلاف نهایت استیحاش بفرماید. (الراح و صایا - ایام تسعه، ص ۴۷۶)
 - ۱۴ - عاطل و باطل نباش، بلکه فعال و پرتکاپو باش و خوف نداشته باش.^(۲) (ترجمه)

* * * * *

حضرت بهاء الله مى فرمايند :

١٥ - الهى الهى ... فى عرش الاحدية عند تشعشع طلعة الجمال فاسكننى لان الاضطراب باقومها
اهلكتنى ... (مناجات، ص ١٥٧)

١٦ - لك الحمد يا الهى ... انت الذى بامرک تبدل الذلة بالعزة والضعف بالقوة والعجز بالافتدار و
الاضطراب بالاطمئنان والريب بالايقان. لاله الا انت العزيز المنان (مناجات، ص ١٦٧)
حضرت باب مى فرمايند :

١٧ - سبحانك رب يا محبوبى ... الحقنى بعبادك الذين لا خوف عليهم ولا يحزنون (منتخبات آيات،
ص ١٥٤)

بخش دهم

مواجهه با واقعیت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - اوهام عباد را از افق ایقان محروم نموده و ظنون از رحیق مختوم منع کرده. (لوح ابن ذنب، ص ۳۳)
- ۲ - قد احاطت الاوهام سگان الارض و منعتهم عن التوجه الى افق اليقين و اشراقه و ظهوراته و انواره بالظنون منعوا عن القيوم (همان، ص ۹۶)
- ۳ - اخرق حجيات الظنون و الاوهام لترى شمس العلم مشرقة من هذا الافق المنير (لوح برهان - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۵۴)
- ۴ - دنیا نمایشی است بی حقیقت و نیستی است به صورت هستی آراسته. دل به او مبندید. (لوح احمد فارسی - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۸)
- ۵ - مثل دنیا مثل سراپست که به صورت آب نماید و صاحبان عطش در طلبش جهد بلیغ نمایند و چون به اورسند بی بهره و نصیب مانند. (همان)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۶ - این خاکدان فانی ... اگر یک جام شیرین دهد در عقب صد جام تلخ دارد. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۹۵)
- ۷ - هیچ نفسی در این عالم راحت نیست. (همان)
- ۸ - اطفال را ... متحمل مشقت کنید. (همان، ص ۱۲۶)

بخش یازدهم

من کیستم؟

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - کَلَّمَا امْرَأَتٌ بِهٖ عِبَادِكُمْ مِنْ بَدَائِعِ ذَكَرِكُمْ وَ جَوَاهِرِ ثَنَائِكُمْ هَذَا مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ لِيَصْعَدْنَ بِذَلِكَ إِلَى مَقَرِّ الَّذِي خُلِقَ فِي كَيْنُونِيَاتِهِمْ مِنْ عِرْفَانِ انْفُسِهِمْ (منتخبات، ص ۱۱)
 - ۲ - انسان را بمثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما. به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد. (لوح مقصود، ص ۳)
 - ۳ - وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ ... مِنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (آیه قرآن و نیز حدیث منقول در ص ۷۶ کتاب ایقان)
 - ۴ - اگر از بدایع جود و فضلم که در نفس شما ودیعه گذارده ام مطلع شوید البته از جمیع جهات منقطع شده به معرفت نفس خود که نفس معرفت من است، پی ببرید. (لوح احمد فارسی - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۵)
 - ۵ - اصل الخسران لمن مضت أيامه و ما عرف نفسه (کلمات حکمت - ادعیه حضرت محبوب، طبع طهران، ص ۴۴)
 - ۶ - طراز اوّل و تجلّی اوّل ... در معرفت انسان است به نفس خود و به آنچه سبب علو و دنو و ذلت و عزّت و ثروت و فقر است. (لوح طرازات - مجموعه اشراقات، ص ۱۴۹)
 - ۷ - أن بحر اعظم لجّی و مواج بسی نزدیک و قریب است بلکه اقرب از حبل ورید. (لوح احمد فارسی - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۵)
 - ۸ - انشاء الله کلّ به خزانه های مکنونه در خود توجه نمایند. (ورق یازدهم از کلمات فردوسی - مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۴۰)
- ب - بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۹ - کلّ از کثرات نفس و هوئی نجات یابند و به وحدت محبت الله حیات تازه جویند. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، صص ۷۴ - ۷۳)
 - ۱۰ - انسان به جسم انسان نیست؛ انسان به روح انسان است. (خطابات، ج ۱، ص ۱۳۲)

بخش دوازدهم

مقصود و معنای حیات

الف - بیانات حضرت پیاء الله

۱ - ... تا کلّ به عرفان آن بحر قدم که مقصود اصلی از خلق عالم است فائز شوند. (دریای دانش، ص ۱۴۲)

۲ - جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند. (منتخبات، ص ۱۴۰)

۳ - مقصود از آفرینش عرفان حق و لقای او بوده و خواهد بود ... هر نفسی که به آن صبح هدایت و فجر احدیت فائز شد به مقام قرب و وصل که اصل جنّت و اعلیٰ الجنان است فائز گردید ... و الا در امکانه بُعد که اصل نار و حقیقت نفی است ساکن بوده و خواهد بود. (مجموعه الراح طبع مصر، ص ۳۶۸)

۴ - قد خلق الخلق لعرفان نفسه الرحمن الرحیم. (منتخبات، ص ۹۸)

۵ - پس گوهر پاک مردم را از میان آفریدگان برگزید و او را به پوشش بزرگی آرایش فرمود. هر که زنگ خواهش از آئینه دل زدود سزاوار این پوشش یزدانی شد و خود را از برهنگی نادانی رهایی داد. (منتخبات، ص ۵۷)

۶ - رجا آنکه از عنایت حکیم دانا زمد ابصار رفع شود و بر بینایش بیفزاید تا ببیند آنچه را که از برای آن به وجود آمده‌اند. (طراز اول از لوح طرازات - مجموعه اشراقات، ص ۱۵۰)

۷ - بعد از خلق کلّ ممکنات و ایجاد موجودات به تجلی اسم یا مختار انسان را از بین امم و خلائق برای معرفت و محبت خود که علت غایی و سبب خلقت کائنات بود اختیار نمود. (مجموعه الراح طبع مصر، ص ۳۳۹)

ب - بیانات حضرت اعلیٰ

۸ - ان الله ما خلق الخلق الا لمعرفة (منتخبات آیات، ص ۴۱)

۹ - کلکم خلقتم للقائه والحضور فی ذلک الموقف الاعظم العظیم (همان، ص ۱۱۶)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۱۰ - مقصود از حیات ما چیست؟ حضرت عبدالبهاء در جواب می‌فرمایند: «کسب فضائل»^(۱)
(ترجمه)

۱۱ - تعجب اینجا است که خدا جمیع بشر را به جهت معرفت خود خلق نمود، به جهت محبت خود خلق نمود، به جهت کمالات عالم انسانی خلق نمود، به جهت حیات ابدی خلق نمود، به جهت

۱ - Paris Talks, p. 177

روحانیت الهی خلق نمود و بدجهت نورانیت آسمانی خلق نمود. با وجود این بشر از جمیع غافل.

(خطابات، ج ۲، ص ۱۷۲)

۱۲ - در فکر ترقیات روحانی خویش باشید و چشم از قصور یکدیگر بیوشید.

(منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۹۸)

۱۳ - اگر انسان نباشد عالم وجود نتیجه ندارد چه که مقصد از وجود ظهور کمالات الهیه است.

(مفاوضات، ص ۱۵۰)

۱۴ - محبت اصل اساسی مقصد الهی برای بشر است. خداوند امر فرموده همانطور که او ما را دوست

دارد، ما نیز به یکدیگر محبت داشته باشیم.^(۱) (ترجمه)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرمایند :

۱۵ - یا اله العالم ... قد خلقتنا و اظهرتنا لذكرک و ثنائک (لوح ابن ذنب، ص ۹۴)

۱۶ - ای رب ... لولا خدمتک لا ینفعنی و جودی (اشرافات - مجموعه اشرافات، ص ۶۳)

۱۷ - اشهد یا الهی بانک خلقتنی لعرفانک و عبادتک. اشهد فی هذا الحین بعجزی و قوتک و ضعفی و

اقتدارک و فقری و غنائک. لا اله الا انت المهیمن القیوم (ادعیه حضرت محبوب، طبع طهران، ص ۷۹)

فصل دوّم

جهت گیری به سوی خداوند

بخش سیزدهم

عرفان الهی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - شاید عباد ارض به قطره‌ای از بحر عرفان فائز گردند. (تجلی چهارم از لوح تجلیات - مجموعه اشرفات، ص ۲۰۵)
- ۲ - طوبی لمن اقبل الیک فویل لمن اعرض عنک (مناجات، صص ۱۹۸ - ۱۹۷)
- ۳ - ان اتبعوا سبیل الرّب ولا تعقبوا الغافلین (لوح اقدس - کتاب مبین، ص)
- ۴ - تمسکوا برئکم المعلّم الحکیم (لوح حکمت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۵۰)
- ۵ - ان ربک یظہر فی کلّ قرن ما اراد حکمة من عنده (همان، ص ۵۱)
- ۶ - اول الحکمة واصلها هو الاقرار بما یتنه الله (همان، ص ۵۲)
- ۷ - نعیما لمن وجد عرف الرحمن وکان من الزاسخین (لوح برهان - همان، ص ۶۰)
- ۸ - لاتحتجب عن الله بعد ظهوره (لوح ابن ذئب، ص ۱۱۴ - نقل قول از حضرت اعلی)
- ۹ - اورا شناخته به آیات او و احتیاط در عرفان او نکرده که بقدر همان در نار محتجب خواهم بود. (همان، ص ۱۱۷)
- ۱۰ - ار نوم غفلت بیدار شوید. (همان، ص ۱۱۸)
- ۱۱ - اصل کلّ العلوم هو عرفان الله جلّ جلاله و هذا لن یحقّق الا بعرفان مظهر نفسه (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۳)
- ۱۲ - معرفت مبداء و وصول به او حاصل نمی شود مگر به معرفت و وصول این کینونات مشرقه از شمس حقیقت. (ایقان، ص ۱۱۰)
- ۱۳ - شخص مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک در سبیل معرفت سلطان قدم گذارد باید در بدایت امر قلب را که محل ظهور و بروز تجلی اسرار غیبی الهی است از جمیع عبارات تیره علوم اکتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاک و منزّه فرماید. (همان، ص ۱۴۹)
- ۱۴ - پس باید صدر را از جمیع آنچه شنیده پاک نمود و قلب را از همه تعلقات مقدس فرمود تا محل ادراک الهامات غیبی شود و خزینه اسرار علوم ربانی گردد. (همان، ص ۵۴)
- ۱۵ - من فاز بعرفانه یطیر فی هواء حبه و ینقطع عن العالمین و لایلتفت الی من علی الارض کلّها (اقتدارات، ص ۲۹۵)

ب - بیانات حضرت اعلی

- ۱۶ - علم، علم به خداست و آن نیست مگر علم به ظهور او در هر ظهوری (منتخبات آیات، ص ۶۱)

۱۷ - بدان که اول دین معرفت الله است و کمال معرفت توحید خداوند است ... و بدان که معرفت الله در این عالم ظاهر نمی گردد الا به معرفت مظهر حقیقت. (همان، ص ۸۳)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۱۸ - چرا انسان اینقدر غافل است؟ زیرا خدانشناس است. اگر خدا را می شناختند البته هر یک دیگری را می نواخت؛ اگر احساسات روحانیه داشتند علم صلح اکبر می افراشتند. اگر وصایای انبیاء می شنیدند البته انصاف داشتند. (خطابات، ج ۳، ص ۱۵۴)

۱۹ - اگر انسان پی به معرفت مظاهر الهیه برد، به معرفت الله فائز گردد و اگر چنانچه از مظاهر مقدسه غافل، از عرفان الهیه محروم. (مفاوضات، ص ۱۶۸)

۲۰ - حضرت مسیح خطاب به اهل عالم فرمود: «اگر مانند اطفال نشوید به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» یعنی قلب انسان باید پاک و طاهر شود تا به عرفان حق پی برد ... قلوب جمیع اطفال در نهایت تنزیه و طهارت است. آنها آئینه‌هایی هستند که هیچ غباری بر آنها ننشسته است. ^(۱) (ترجمه)

۲۱ - معرفت حق مقدم بر هر عرفانی است و این اعظم منقبت عالم انسانی است. (مفاوضات، ص ۲۲۱)

۲۲ - سبب حیات ابدیه و عزت سرمدیه و نورانیت کلیه و فوز و فلاح حقیقی اول عرفان الهی است. (همان)

۲۳ - عرفان الهی سبب ترقی و انجذاب روحانی و بصیرت حقیقی و علویت عالم انسانی و مدنیت ربانی و تعدیل اخلاق و نورانیت وجدان گردد. (همان)

۲۴ - باید ... لذت محبت الله را بچشیم و اسرار معرفت الله را درک کنیم. (خطابات، ج ۲، ص ۱۷۵)

۱ - (خطابه ۲۴ آوریل ۱۹۱۲) Promulgation, p. 53

ايمان به خداوند و مظاهر ظهور او

الف - بيانات حضرت بهاء الله

- ۱ - طوبى لمن اقر بالله و بيايه (كتاب اقدس، بند ۱۶۱)
- ۲ - ان الدينهم كفروا بالله و سلطانه، اولئك غلبت عليهم النفس و الهوى ... فبنس مقز المنكرين (سورة البيان - آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۱۱۱)
- ۳ - يا ايها الذين آمنوا انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنى الحميد (مجموعه اشراقات، ص ۲۸۵)
- ۴ - تشبث بذيل الله و تمسك بحبله المتين (كتاب مبین، ص ۳۷۳)
- ۵ - ان الغيب يُعرف بنفس الظهور و الظهور بكينونته لبرهان الاعظم بين الامم (متخبات، ص ۳۹)
- ۶ - رأس الكفر هو الشرك بالله و الاعتماد على سواه و الفرار عن قضايه (ادعيه حضرت محبوب، ص ۴۴)
- ۷ - اصل النار هي الجحاد في آيات الله و المجادلة بما ينزل من عنده و الانكار به و الاستكبار عليه (همان، ص ۴۳)
- ۸ - از پروردگار خود مگسلید و مباشید از غفلت کنگدگان (لوح احمد فارسی - درای دانش، ص ۱۲۵)
- ۹ - طوبى لمن ايقظته نسمة الله التي مَرَّتْ مِنْ جِهَةِ فَضْلِهِ عَلَى الْمُقْبِلِينَ مِنْ خَنْقِهِ (ساجات، ص ۴۰)
- ۱۰ - قلب عرش تجلى رحمانى است ... «لايسعنى ارضى و لاسمانى ولكن يسهعنى قلب عبدى المؤمن» ... در حين غفلت (قلب) از حق بعيد است و اسم بعيد بر او صادق و در حين تذکر به حق نزديک است و اسم قریب بر او جارى. (مانده آسمانى، ج ۱، باب سیزدهم)
- ۱۱ - ايمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر به تصديق آنچه از او ظاهر شده و همچنين عمل به آنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلى نازل گشته. (تجلى اول از لوح تجليات - مجموعه اشراقات، ص ۲۰۱)
- ۱۲ - فسحقاً للقوم المشركين (لوح وفا - آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۳۵۴)
- ۱۳ - طوبى لنفس فازت بعرفان ربها و ويل لكل غافل مريب (مجموعه الواح بعد از كتاب اقدس، ص ۱۶۴)
- ۱۴ - ان كفرتم يرجع اليكم (متخبات، ص ۱۰۰)
- ۱۵ - ان الذين انكروا الله و تمسكوا بالطبيعة من حيث هي هي ليس عندهم من علم و لا من حكمة الا انهم من الهائمين (لوح حكمت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۴۴)
- ۱۶ - ان اول ما كتب الله على العباد عرفان مشرق و حيه و مطلع امره الذى كان مقام نفسه ... اذا فرتم بهذا المقام الاسنى و الافق الاعلى ينبغى لكل نفس ان يتبع ما امر به من لدى المقصود لانهما معاً ... (كتاب اقدس، بند ۱)
- ۱۷ - و الذين كفروا بايات الله و لقائه اولئك ينسوا من رحمتى و اولئك لهم عذاب اليم. (لوح ابن ذنب،

ص ۸۵)

۱۸ - اودع فی کل نفس ما یعرف به أثار الله ... انه لا یظلم نفساً ولا یأمر العباد فوق طاقتهم (الرح اشرف - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۱۳)

۱۹ - یا قوم انا قدرنا العلوم بعرفان المعلوم (کتاب اقدس، بند ۱۰۲)

۲۰ - طوبی لمن اقر بالله و آیاته و اعترف بأنه لا یسئل عما یفعل هذه کلمة قد جعلها الله طراز العقائد و اصلها و بها یقبل عمل العاملين (همان، بند ۱۶۱)

۲۱ - قوه و بنیه ایمان در عالم ضعیف شده، دریاق اعظم لازم (منتخبات، ص ۱۳۱)

۲۲ - اصل کل الشکر هو اغفال العبد عن مولاه و اقباله الی ما سواه (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۳)

۲۳ - به اسماء از مالک آن محتجب نمائید حتی اسم النبی (روح ابن ذنب، ص ۱۲۸)

ب - بیانات حضرت اعلی

۲۴ - اگر در یوم ظهور آن غیر از آنکه ایمان به او آوری کل خیر کنی نجات نمی دهد تور از نار (منتخبات آیات، ص ۷۸)

۲۵ - یتستیعون ان یؤمنون بالله ربهم ثم علی الله ربهم یتوکلون او یحتجبون عن الله ربهم او بیات الله لا یوقنون فانهما لیسیران فی البحرین بحر النقی و الاثبات (همان، ص ۱۰۴)

۲۶ - انتم بما خلقوا بامر نقطة البیان لارتفاع کلمة عمّن خلقکم لاحتجبون (همان، ص ۱۵)

۲۷ - فلتعیدن الی الله مثل ما قد بدتتم و لاتقولون کیف اولا (همان، صص ۱۰۶ - ۱۰۵)

۲۸ - انه لمع الذین آمنوا من عباده (همان، ص ۱۱۴)

۲۹ - فلا تحتجبین عن الله بعد ظهوره (همان، ص ۱۱۹)

۳۰ - لما یأتیکم رسول من عند الله و لاتتبعوه فاذا لیبذلن الله نورکم بالنار (همان، ص ۱۰۵)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۳۱ - مؤمن به خدا باش و ناظر به ملکوت اعلی (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۴)

زیارتنامه نازله از قلم اعلی :

۳۲ - اشهد بان من عرفک فقد عرف اللد و من فاز ببقائک فقد فاز ببقاء اللد فطوبی لمن آمن بک و بایاتک و خضع بسطانک و شرف ببقائک و بلغ برضائک و طاف فی حولک و حضر تلقاء عرشک (ابام تسعه، ص ۲۲۸)

بخش یازدهم

حمد و ثناء الہی

الف - بیانات حضرت بہاء اللہ

- ۱ - احمّد و کن من الشاکرین (افتدارات، ص ۲۳۱)
- ۲ - قل لک الحمد یا مقصود العارفین (منتخبات، ص ۱۲۸)
- ۳ - قد کنت شاکراً ناطقاً ذاکراً متوجّہاً راضیاً خاضعاً خاشعاً فی کلّ الاحوال (لوح ابن ذنب، ص ۵۸)
- ۴ - کن فی النعمة منفقاً و فی فقدها شاکراً (آثار قلم اعلیٰ، ج ۲، ص ۱۷)
- ۵ - رأس الاحسان هو اظهار العبد بما انعمه اللّٰه و شکره فی کلّ الاحوال و فی جمیع الاحیان (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۲)
- ۶ - ... لا اجزغ و اصبر كما صبر اولوالعزم و اصحاب العزم بحول اللّٰه مالک القدم و خالق الامم و اشکر اللّٰه علی کلّ الاحوال (لوح سلطان - مجموعہ الواح ملوک، ص ۱۹۶)
- ۷ - ... روز ستایش است ... (دریای دانش، ص ۴۰ / مجموعہ الواح طبع مصر، ص ۲۵۶)
- ۸ - قل لک الحمد یا اله العالمین (مجموعہ الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۱۵۶)
- ۹ - طوبی لمن اطمئن بکلمتی و قام بین الاموات لذکری (لوح اقدس - کتاب مبین، ص ۱۴۴)
- ۱۰ - باید هر صاحب عدل و انصافی حق جل جلاله را شکر نماید. (لوح طرازات - مجموعہ اشراقات، ص ۱۵۹)
- ۱۱ - قل الحمد للّٰه ربّ العالمین (سورة الملوک - مجموعہ الواح ملوک، ص ۴۹)
- ۱۲ - طوبی لارض ارتفع فیها ذکر اللّٰه و لاذان فازت باصغاء ما نزل من سماء عنایة ربّک الرّحمن (لوح سید مهدی دهجی - مجموعہ الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۱)
- ۱۳ - انشاء اللّٰه به اتوار آفتاب حقیقت روشن و منیر باشی و به ذکر الہی کہ از اعظم اعمال است ناطق. (همان، ص ۱۴۳)
- ۱۴ - کن خادماً لامر مولیک و ذاکراً بذکره و مثنیاً بثنائه لیتنبه به کلّ غافل بعید (همان، ص ۱۶۹)

ب - بیانات حضرت اعلیٰ

- ۱۵ - هذه ایام اللّٰه الذی قد وعدکم الرّحمن فی کتابه فاذکروا اللّٰه فی سبیل هذا الذکر الاکبر علی الحقّ بالحقّ کثیراً (منتخبات آیات، ص ۴۸)
- ۱۶ - عبادت کن خدا را به شأنی کہ اگر جزای عبادت تو را در نار بیزد تغییری در پرستش تو او را به هم نرسد و اگر در جنت برد همچنین. (همان، ص ۵۲)
- ۱۷ - آنچه سزاوار است ذات او را عبادت او است به استحقاق بلاخوف از نار و رجاء در جنت. (همان، ص ۵۲)

(ص ۵۳)

- ۱۸ - الا تعبدوا الا الله ربى وربكم. (بیان فارسی، واحد سوم، باب سیزدهم)
- ۱۹ - كن من الشاكرين فسيجزيك الله. (متخبات آیات، ص ۱۱۵)
- ج - بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۲۰ - به عبادت حق مشغول شو. (متخبات مكاتیب، ج ۱، ص ۲۴)
- ۲۱ - اگر در هر دقیقه لسان به شکرانه گشایید از عهده شکر این الطاف برنیاید. (همان، ص ۱۰۲)
- ۲۲ - ... به شکرانه ... لسان بگشایید. (همان، ص ۲۰۷)
- ۲۳ - صد هزار شکر جمال مبارک را که جنود ملکوت ابهائش در هجوم است و عون و صونش متتابع چون طلوع نجوم (همان، ص ۲۲۹)
- ۲۴ - فى كل حالة اشكرى ربك الرحمن (همان، ص ۱۷۴)
- ۲۵ - سر شکر و سپاس بر ساحت حق گذار که تو را برای دخول به ملکوت اعلایش برگزید. ^(۱) (ترجمه)
- ۲۶ - در ساحت حق خاضع و تسلیم باشید و آیات شکر و ثناء را هر صبح و شام تلاوت کنید. ^(۲) (ترجمه)
- ۲۷ - می دانید چقدر باید خداوند را برای نعمتهائش شاکر باشید؟ اگر در هر نفس هزار مرتبه شکر کنید از عهده بر نخواهید آمد. ^(۳) (ترجمه)
- ۲۸ - پیوسته به درگاه الهی شاکر باش تا مشمول تأییدات الهیه گردی. ^(۴) (ترجمه)
- ۲۹ - شکرانه فیض رحمان ... عبارت از نورانیت قلب و احساسات وجدانست. حقیقت شکرانه این است.

* * * * *

- ۳۰ - الحمد لله رب العالمين (لوح احمد - ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۸۶)
- ۳۱ - لك الحمد على كل ائتك ولك الشكر على كل نعمائك (متخبات آیات حضرت نقطه اولی، ص ۱۲۸)

Tablets, vol. 1, p. 135 - ۱
Baha'i World Faith, p. 359 - ۲
Promulgation, pp. 187-8 - ۳
ibid, p. 189 - ۴

بخش شانزدهم

تلاوت دعا و مناجات

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - در اسحار به اذکار مشغول شود و به تمام همّت و اقتدار در طلب آن نگار کوشد. (ایقان، ص ۱۵۰)
- ۲ - قد فرض علیکم الصلوة و الصوم من اول البلوغ امرأ من لدی اللّٰه ربکم و ربّ آبائکم الاولین (کتاب اقدس، بند ۱۰)
- ۳ - مَنْ یقرء آیات اللّٰه فی بیته و حده لینشر نفعاتها الملائکة النّاشرات الی کلّ الجهات ... (منتخبات، ص ۱۸۹)
- ۴ - یا ابن النور انس دونی و آنس بروحی. هذا من جوهر امری فأقبل الیه (کلمات مکنونه، فقره ۱۶)

ب - بیانات حضرت اعلی

- ۵ - احب صلوة صلاتی است که از روی روح و ریحان شود و تطویل محبوب نبوده و نیست و هر چه مجرّد و جوهر تر باشد عندالله محبوب تر بوده و هست. (منتخبات آیات، ص ۵۳)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۶ - خداوند دعای جمیع بندگان را، اگر ملتمسانه تلاوت شود، اجابت می کند. ^(۱) (ترجمه)
- ۷ - ه. آنچه از خدا بطلبیم و با حکمت الهی موافق باشد، خداوند اجابت می فرماید ... او به صرف رحمت و اسعه خویش ادعیه جمیع عباد را وقتی که با حکمت متعالیه منطبق باشد اجابت می فرماید. ^(۲) (ترجمه)
- ۸ - نصف شب و سحرگاه به درگاه خداوند ملتجی گردید، مناجات نمایند و از او رجا کنید. ^(۳) (ترجمه)
- ۹ - آن خدایی که به پیامبرانش موهبت الهام بخشیده لابد بر این است که رزق یومی را به جمیع هر فرد مؤمن باوفایی از خزینه مکرمتش خواهد بخشید. ^(۴) (ترجمه)
- ۱۰ - از خدا بخواهید که فضائل عالم انسانی در شما ظاهر شود تا ملائکه خدا گردید. (خطابات، ج ۱، ص ۹۸)
- ۱۱ - انسان وقتی در نهایت مشقت، نهایت یأس می افتد چون به خاطر آید خدای مهربان دارد مسرور

۱ - Promulgation, p. 246

۲ - Ibid, p. 247

۳ - Baha'i World Faith, p. 359

۴ - Paris Talks, p. 57

- می شود. (خطبات، ج ۱، ص ۱۹۹)
- ۱۲ - اگر محاط به مشکلات و بلا یا شویم فقط باید به ذیل خداوند متشبه شویم و او با رحمت و اسعه خویش ما را مؤید و مساعدت خواهد فرمود. ^(۱) (ترجمه)
- ۱۳ - اگر مبتلا به مرض و مشقت باشیم شفای عاجل الهی را امل گردیم و او دعای ما را اجابت خواهد کرد. ^(۲) (ترجمه)
- ۱۴ - هر نفس منجذب به ملکوت الهی نهایت آرزویش که وقتی فراغت یابد و به محبوب خویش تضرع و زاری کند، طلب الطاف و عنایت نماید و مستغرق در بحر خطاب و تضرع و زاری گردد. (منتخبات مکاتب، ج ۲، ص ۱۰۰)
- ۱۵ - صلاة و صیام سبب تذکر و تنبه انسانست و حفظ و صیانت از امتحان. (همان)
- ۱۶ - مناجاتهایی که به جهت طلب شفا صادر شده شامل شفای جسمانی و روحانی هر دو بوده. لهذا به جهت شفای روحانی و جسمانی هر دو تلاوت نمایید. اگر مریض را شفا مناسب و موافق البته عنایت گردد ولی بعضی از مریضها شفا از برایشان سبب ضررهایی دیگر شود. این است حکمت اقتضای استجاب دعا ننماید. (منتخبات مکاتب، ج ۱، ص ۱۵۸)
- ۱۷ - شجاع باشید، خداوند هرگز اینان را که به سعی و کار و دعا مشغولند تنهائی نمی گذارد. ^(۳) (ترجمه)
- ۱۸ - اسباب شفای امراض دو نوع است: سبب جسمانی و سبب روحانی. اما سبب جسمانی معالجه طبیبان و اما سبب روحانی دعا و توجه رحمانیان و هر دو را باید به کار برد و تشبث نمود. (منتخبات مکاتب، ج ۱، ص ۱۴۸)
- ۱۹ - حالت مناجات بهترین حالات است زیرا انسان با خدا الفت می نماید علی الخصوص مناجات در خلوت در اوقات فراغت مثل نیمه شب؛ فی الحقیقه مناجات روح می بخشد. (همان، ص ۱۹۶)
- ۲۰ - از حکمت نماز سؤال نموده بودی ... حکمتش اینست که نماز عبارت از ارتباط بین عبد و حق است زیرا انسان در آن ساعت به دل و جان توجه به حضرت یزدان کند و به حق مؤانست جوید و محبت و الفت نماید. (همان، ج ۲، ص ۱۰۰)

*** **

- ۲۱ - پروردگارا وجود کل از جودت موجود. از بحر کرمیت محروم مفرما و از دریای رحمتت منع مکن. در هر حال توفیق و تأیید می طلبیم ... (ادعیه حضرت مجرب، ص ۳۰۶)

۱ - Paris Talks, p. 110

۲ - Ibid, p. 111

۳ - Ibid, p. 30

بخش هفدهم

عبادت الهی

الف - بیانات حضرت پناه الله

۱ - الاتعبدوا الا الله (کتاب اقدس، بند ۷۸)

۲ - جعلنا اشتغالکم بهانفس العبادۃ لله الحق (بشارت دوازدهم از لوح بشارت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۲۱)

ب - بیانات حضرت اعلی

۳ - آنچه سزاوار است ذات او را عبادت او است به استحقاق بلاخوف از نار و رجاء در جنت (منتخبات آیات، ص ۵۳)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۴ - عبادت عبارت از خدمت به عالم انسانی و رسیدگی به حوائج نفوس بشری است. خدمت دعا و مناجات است.^(۱) (ترجمه)

۵ - اتقان در صنعت در این دور رحمانی عبادتست. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۲)

۶ - ای مادران مهربان این را بدانید که در نزد یزدان اعظم پرستش و عبادت تربیت کودکان است به آداب کمال انسانیّت و ثوابی اعظم از این تصوّر نتوان نمود. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۵ / مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۴۷۰)

۷ - هر جدّ و جهدی و هر سعی و کوششی که انسان از صمیم قلب مبذول دارد، اگر منبعث از منویات عالیّه و اراده خدمت به نفوس انسانیّه باشد، عبادت است.^(۲) (ترجمه)

* * * * *

۸ - اشهد یا الهی بانک خلقتنی لعرفانک و عبادتک * اشهد فی هذا الحین بعجزی و قوتک و ضعفی و اقتدارک و فقری و غناک. لا اله الا انت المهیمن القیوم (صلوة صغیر)

۹ - فسبحانک اللهم ... لیس دونک من معبود ولا سواک من مقصود ولا غیرک من مسجود و لادون رضائک من محبوب (منتخبات آیات حضرت نقطه اولی، ص ۱۵۳)

۱ - Paris Talks, p. 177

۲ - Ibid, pp. 176-177

بخش هجدهم

ذکر الهی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - طوبی از برای نفوسی که به ذکر و ثنای حق ناطقند و به خدمت امر مشغول (لوح ارض ط - رحیق مختوم، ج ۱، ص ۷۲)
- ۲ - فاعتمدوا بذكر الله على العظيم (سورة الملوك - طبع طهران، ص ۱۴)
- ۳ - ثم ارجعوا الى الله وتوبوا اليه ليرحمكم الله بفضله ويغفر خطاياكم ويعفو جزيراتكم وانه سبقت رحمته غضبه واحاط فضله كل من دخل في قمص الوجود من الاولين والآخرين (سورة الملوك، چاپ طهران، ص ۱۸)
- ۴ - لاتجعلوا اجسادكم عزيزة عن رداء العز ولا قلوبكم عن ذكر ربكم ولا سمعكم عن استماع نغماته الابدع الامنع العزيز الافصح البليغ (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۱۴)
- ۵ - انه ينصر من نصره ويذكر من ذكره (نقل شده در ظهور عدل الهی، ص ۱۵۹)
- ۶ - لاتمنعوا انفسكم عن فضل الله ورحمته ومن يمنعه انه على خسران عظيم (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۱۲)
- ۷ - طوبی لایام مضت بذكر الله و لا اوقات صرفت في ذكره الحكيم (كتاب اقدس، بند ۴۰)
- ۸ - باسم حق ناطق باشید و به طراز ذکرش مزین و به انوار حبش مستنیر (اقتدارات، ص ۲۹۵)
- ۹ - ان افتحوا يا قوم مصاريع القلوب بمفاتيح الذكر من هذا الذكر الحكيم (منتخبات، ص ۱۹۰)
- ۱۰ - ان اجهدوا يا قوم بان يكون عيونكم ناظرة الى شطر رحمة الله و قلوبكم متذكرا ببدايع ذكره و نفوسكم مطمئنة بمواهبه و فضله و ارجلکم ماشية على سبل رضائه (همان)
- ۱۱ - قدس قلبك لذكرى و اذنك لاستماع آياتى (كتاب مبین، ص ۴۰۳)
- ۱۲ - لاتنس حکم الله في كل ما اردت او تريد و قل الحمد لله رب العالمين (سورة الملوك، طبع طهران، ص ۲۶)
- ۱۳ - كذلك نزلت الآيات ربك الكبرى تارة اخرى لتقوم على ذكر الله فاطر الارض و السماء (لوح نابليون - مجموعه الواح ملوک، صص ۹۶ - ۹۵)
- ۱۴ - طوبی لمن تقرب اليه ويل للمبدين (لوح تزار روس - مجموعه الواح ملوک، ص ۱۲۲)
- ۱۵ - لتقوم على ذكر الله (لوح نابليون - مجموعه الواح ملوک، ص ۹۶)
- ۱۶ - اصل الذكر هو القيام على المذكور و النسيان عن ورائه (ادعية حضرت محبوب، ص ۴۱)
- ۱۷ - اصل كل الشر هو اغفال العبد عن مولاه و اقباله الى ماسواد (همان، ص ۴۳)

- ۱۸ - اذكرنى فى ارضى لاذكرك فى سمانى (كلمات مكنونه عربى، فقره ۴۳)
- ۱۹ - خذ قدح عنايتى ثم اشرب منه بذكرى العزيز البديع (كتاب عهدى - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۴۰۰)
- ۲۰ - ان افرحوا بذكرى انه معكم فى كل حين (مجموعه الواح بعد از كتاب اقدس، ص ۱۷۱)
- ۲۱ - اياكم ان تحزنكم شئون الخلق عن التوجه الى الحق (همان، ص ۱۷۳)
- ۲۲ - طوبى لمن اقبل الى الله مالك يوم الدين (لوح اقدس - كتاب مبین، ص ۱۴۲)
- ۲۳ - يا ابن النور انس دونى و انس بروحى هذا من جوهر امرى فاقبل اليه (كلمات مكنونه عربى، فقره ۱۶)
- ۲۴ - من ذكر الله فى عكاه بالعدو و الاصل والعشى و الابكار كان عند الله افضل من نقل السيوف و الرماح و السلاح فى سبيل الله تعالى (حديث نبوى منقول در ص ۱۳۴ لوح ابن ذئب)
- ۲۵ - دوست بين باشيد نه خود بين (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۵۶)
- ۲۶ - اذا اخذك سكر خمير الآيات و اردت الحضور تلقاء عرش ربك فاطر الارضين و السموات ان اجعل قميصك حبى و در عك ذكرى و زادك التوكل على الله مظهر القوات (لوح باب - مجموعه الواح ملوك، ص ۸۴)
- ۲۷ - قل ان جندى توكلى و حزبى اعتمادى و رايتى حبى و انيسى ذكر الله الملك المقتدر العزيز المختار (ستخبات، ص ۳۲)
- ۲۸ - طبيب جميع علتهاى تو ذكر من است فراموشش منما. حب مرا سرمايه خود كن و چون بصرو جان عزيزش دار. (كلمات مكنونه، فقره ۳۳)
- ۲۹ - لاتجزعوا فى المصائب و لاتفرحوا ابتغوا امرأ بين الامرئين هو التذكر فى تلك الحاله و التنبه على ما يرد عليكم فى العاقبه (كتاب اقدس، بند ۴۳)
- ۳۰ - و من اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكا (ايقان، ص ۱۹۹)
- ۳۱ - حجاب غفلت را خرق كن تا بى پرده و حجاب از خلف سحاب بدرأبى و جميع موجودات را به خلعت هستى بياراى. (كلمات مكنونه، فقره ۷۳)
- ب - بيانات حضرت اعلى
- ۳۲ - لستم على شىء الا بعد الذكر و هذا الكتاب (متخبات آيات، ص ۴۰)
- ۳۳ - من اطاع ذكر الله و كتابه هذا فقد اطاع الله و اوليائه بالحق و قد كان فى الآخرة من اهل جنه الرضوان عند الله مكتوبا (همان، ص ۲۷)
- ۳۴ - از اول عمر تا آخر عمر يك سجده كن و همه را به ذكر الله بگذران و لى مؤمن مباشى به مظهر آن ظهور، ببين نفع مى بخشد تو را. (همان، ص ۵۵)
- ۳۵ - و اينكه امر شده ذكر سزاى از براى آن است كه مراقب به ذكر الله باشى كه قلب تو هميشه حيوان

باشد که از محبوب خود محتجب نمائی (همان، ص ۶۵)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۳۶ - پس تو بکلی ملکوتی شو تا ناسوت را فراموش نمایی و در احساسات رحمانیه چنان مستغرق

گردی که از عالم بشریت بیخبر شوی. (متخات مکاتب، ج ۱، ص ۱۸۷)

۳۷ - نفوس تا در ترویج نکوشند، به ذکر الله مشغول و مألوف نیز کما ینبغی نگردند. (همان، ص ۲۵۷)

۳۸ - باید از بدایت اطفال را به تربیت الهی پرورش داد و همواره به ذکر حق متذکر نمود تا محبت الله

در طینت آنان ثبوت و قرار یابد و با شیر امتزاج یابد. (همان، ص ۱۲۴)

۳۹ - در اسحار به اذکار مشغول گردید و به تسبیح و تهلیل قیام نمائید. (همان، ص ۹۲)

۴۰ - از برای قلب سکون و قرار جز به ذکر رب مختار نه. (همان، ص ۹۳)

۴۱ - چون انسان به خداوند توجه نماید شعاع آفتاب را در همه جا مشاهده نماید.^(۱) (ترجمه)

۴۲ - هنگامی که انسان مسرور است ممکن است خدا را فراموش کند؛ اما چون حزن مستولی می شود

و هموم او را احاطه می کند، به یاد آب سماوی می افتد که می تواند او را از خفت و خواری برهاند.^(۲)

(ترجمه)

۴۳ - توجه الی الله به جسم و عقل و روح شفا بخشد. (بهاء الله و عصر جدید، ص ۱۱۷)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرمایند:

۴۴ - بذکرک یا الهی یسکن عطشی و یستریح فؤادی و به آنس البهء کأنس الرضیع الی ثدی رحمتک

(مناجات، ص ۱۳۲)

۴۵ - سبحانک اللهم یا الهی ... تجعل ذکرک مونسى و حبیك مقصدی و وجهک مطلبی و اسمک

سراجی و ما اردته مرادی و ما احبته محبوبی (همان، ص ۲۵)

۴۶ - اجعل یا الهی حیاتنا بذکرک و ممانتنا بحبیك ثم ارزقنا لقائک فی عوالمک الّتی ما اطلع بها احد الا

نفسک (همان، ص ۹۹)

۴۷ - یا الهی اسمک شفائی و ذکرک دوائی (همان، ص ۱۷۶ بد نقل از لوح طب)

۴۸ - ذکرک شفاء افئدة المقربین (همان، ص ۵۸)

۴۹ - ای رب ... تؤیدنی فی کل الاحوال علی ذکرک و ثنائک و خدمة امرک (لوح اشرافات - مجموعه

اشرافات، ص ۶۳)

حضرت باب می فرمایند:

۱ - Paris Talks, p. 15

۲ - Paris Talks, pp. 50-51

۵۰ - اَنْك لِتَعْلَمَ اِنْ ذَكَرَكَ فِى كُلِّ شَأْنٍ لَدَىٰ لِعَظَمٍ مِّنْ اَنْ تَمْلِكُنِىْ مِّنْ فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ (منتخبات آیات، ص ۱۵۴)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

۵۱ - ای پروردگار ... رزق یومی را رایگان ده و معیشت ضروری را برکتی احسان فرماتا مستغنی از دون تو گردیم و بکلی به یاد تو افتیم. (مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء، طبع ۱۲۳ بدیع)

بخش نوزدهم

انس با خدا

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - متی اردتتی وجدتتی باراً قریباً (حدیث منقول در چهار وادی - آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۵۵)
- ۲ - طوبی لمن تقرب الیه (لوح تزار روس - مجموعه الراح ملوک، ص ۱۲۲)
- ۳ - فؤادک منزلی قدسه لنزولی (کلمات مکنونه عربی، فقره ۵۹)
- ۴ - اصعدالی سمائی لکی تری وصالی (همان، فقره ۶۱)
- ۵ - هرگز شنیده‌ای که یار و اغیار در قلبی بگنجد؟ پس اغیار را بران تا جانان به منزل خود درآید. (کلمات مکنونه فارسی، فقره ۲۶)
- ۶ - من اراد ان یانس مع الله فلیانس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسمع کلمات اصفیائه (همان، فقره ۵۶)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرمایند:

- ۷ - ای رب فاجعل ... انیسی ذکرک (مناجات، ص ۱۷۵)
- ۸ - ... بنغمات الازلیة فاسترحنی یا مونسى و بغناء طلعتک نجتی عن دونک یا سیدی (مناجات، ص ۱۶۷)
- ۹ - ... قریبک رجائی و حبک مونسى (همان، ص ۱۶۹)
- ۱۰ - سبحانک اللهم یا الهی ... تجعل ذکرک مونسى و حبک مقصدى (همان، ص ۲۵)

بخش بیستم

قربیت الهیه

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - قلب ... در حین تذکر به حق نزدیک است. (مانده آسمانی، ج ۱، باب سیزدهم)
- ۲ - انا معکم فی کل الاحوال و ن نصرکم بالحق (کتاب اقدس، بند ۳۸)
- ۳ - آن بحر اعظم لجی و مواج، بسی نزدیک و قریب است بلکه اقرب از جبل ورید. به آنی به آن فیض صمدانی و فضل سبحانی و جود رحمانی و کرم عز ابهائی واصل شوید و فائز گردید. (لوح احمد فارسی - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۵)
- ۴ - جمیع آنچه در آسمانها و زمین است برای تو مقرر داشتیم مگر قلوب را که محل نزول تجلی جمال و اجلال خود معین فرمودم و تو منزل و محل مرا به غیر من گذاشتی. (کلمات مکتونه فارسی، فتره ۲۸)

ب - بیانات حضرت اعلی

- ۵ - بدان که تطهیر در بیان اقرب قربات و افضل طاعات بوده و هست. (منتخبات آیات، ص ۶۸)
- ج - بیانات حضرت عبداله
- ۶ - قربیت الهیه به توجه الی الله است. قربیت الهیه به دخول در ملکوت الله است. قربیت الهیه به خدمت عالم انسانی است. قربیت الهیه به محبت بشر است. قربیت الهیه به اتفاق و اتحاد جمیع امم و ادیان است. قربیت الهیه به مهربانی به جمیع انسان است. قربیت الهیه به تحریر حقیقت است. قربیت الهیه به تحصیل علوم و فضائل است. قربیت الهیه به خدمت صلح عمومی است. قربیت الهیه به تنزیه و تقدیس است. قربیت الهیه به انفاق جان و مال و عزت و منصب است. (خطابات، ج ۲، ص ۹۴)

- ۷ - الاقرب فهو الاقرب سواء كان رجلاً أو نساء (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۷۷)
- ۸ - نفس بر حسب قانونی معین از مرحله ای به مرحله دیگر ارتقاء نمی یابد؛ بلکه به رحمت و فضل الهی است که به خداوند تقرب می جوید و نزدیک می شود. (ترجمه)
- ۹ - اغنیاء غالباً غافل، بی توجه، غرق در امور دنیوی و متکی به اسباب و اموالشان هستند؛ در حالی که فقراء توکل به خدا دارند، اعتماد به او دارند نه به خودشان. پس فقراء به آستان الهی و عرش خداوند نزدیکتر و مقرب ترند. (۱)

۱ - Paris Talks, p. 66

۲ - Promulgation, p. 33

بخش بیست و یکم

نیاز به پروردگار

الف - بیانات حضرت بپاء الله

۱ - یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله واللّٰه هو الغنی (ایقان، ص ۱۰۲)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۲ - قدرت الهیه هر مشکلی را حل نماید. (متخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۱۳)

۳ - جمیع امور در ید الهی است و بدون او هیچ سلامتی نمی تواند برای ما حاصل شود. ^(۳) (ترجمه)

* * * * *

۴ - ای پروردگار مستمندانیم مرحمتی کن و فقیرانیم از بحر غنا نصیبی بخش. محتاجیم عاجی ده.

ذلیلانیم عزتی ببخش. (مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان، نشر دوزم، ص ۳۴۴)

۵ - ای رب، لیس لی معین الأانت؛ لیس لی ملاذ الأانت؛ لیس لی ملجاء الأانت ^(۴) (ترجمه)

۱ - Paris Talks, p. 19

۲ - Baha'i Prayers (U.S.) p. 190

بخش بیست و دوم

محبت الله

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - لكل نفس ينبغي ان يختار لنفسه ما لا يتصرف فيه غيره ويكون معه في كل الاحوال تالله انه لحب الله ان انتم من العارفين. (منتخبات، ص ۱۶۸)
- ۲ - فاجعلوا حبه بضاعة لارواحكم في يوم الذي لن ينفعكم شيء ... (همان، ص ۳۲)
- ۳ - كلما يمنعكم اليوم عن حب الله انها لهي الدنيا ان اجتنبوا منها لتكونن من المخلصين (سورة البیان - آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۱۱۳)
- ۴ - لن يرفع اليوم نداء احد الى الله الا بعد حبه (منتخبات، ص ۱۸۸)
- ۵ - سراج حب الهی را به دهن هدايت در مشكوة استقامت در صدر منير خود برافروزيد. (لوح احمد فارسی - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۳۲۴)
- ۶ - ما ينبغي لكم هو حب الله ومظهر نفسه واتباعكم بما يظهر من عنده ان انتم بذلك عليما (منتخبات، ص ۱۹۵)
- ۷ - طوبى لك بما زينت قلبك بطراز حب ربك العزيز الحميد. هر نفسی كه اليوم به اين مقام فائز شد كل خير به او متوجه. (منتخبات، ص ۱۹۶)
- ۸ - ان استقم على حب الله (كتاب مبین، ص ۴۰۳)
- ۹ - اصل الحب هو اقبال العبد الى المحبوب والاعراض عما سواه ولم يكن مراده الا ما اراده مولاه. (ادعيه حضرت محبوب، ص ۴۱)
- ۱۰ - رأس التجارة هي حبي، به ليستغني كل شيء عن كل شيء بدونه يفتقر كل شيء عن كل شيء (همان، ص ۴۲)
- ۱۱ - ان الذي احبك لا يحب نفسه الا لاعلاء امرك والذي عرفك لا يعرف سواك (مناجات، ص ۱۳۴)
- ۱۲ - احببت خلقك فخلقك فخلقك فاحببني كي اذكرك وفي روح الحيوة اثبتك (كلمات مكنونه عربي، فقره ۴)
- ۱۳ - احببني لاحبك ان لم تحبني لن احبك ابدا فاعرف يا عبد (همان، فقره ۵)
- ۱۴ - رضوانك حبي وجنتك وصلي فادخل فيها ولا تصبر (همان، فقره ۶)
- ۱۵ - حبي حصني من دخل فيه نجي وامن ومن اعرض غوي وهلك (همان، فقره ۹)
- ۱۶ - اودعت فيك روحا مني لتكون حبيبا لي لم تركتني وطلبت محبوا سواني (همان، فقره ۱۹)
- ۱۷ - حقي عليك كبير لا ينسى وفضلتي بك عظيم لا يغشى و حبي فيك موجود لا يغطي ونوري لك مشهود لا يخفي (همان، فقره ۲۰)

- ۱۸ - تابد نار عشق نیفر روزی به یار شوق نیامیزی (هفت وادی - آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۰۰)
- ۱۹ - لكل شيء علامة و علامة الحب الصبر في قضائي و الاصطبار في بلائي (کلمات مکتونه عربی، فقره ۴۸)
- ۲۰ - حب مرا سرمایه خود کن و چون بصر و جان عزیزش دار (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۳۳)
- ۲۱ - دوستان ظاهر نظر به مصلحت خود یکدیگر را دوست داشته و دارند و لکن دوست معنوی شما را لاجل شما دوست داشته و دارد. (همان، فقره ۵۲)
- ۲۲ - از حرارت این شمس های الهی و نارهای معنوی است که حرارت محبت الهی در ارکان عالم احداث می شود. (اینان، صص ۲۷ - ۲۶)
- ۲۳ - باری روح قلب معرفت الله است و زینت او اقرار به آنه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و ثوب آن تقوی الله و کمال آن استقامت. كذلك یبین الله لمن اراده انه یحب من توجه الیه لا اله الا هو الغفور الکریم (اقتدارات، ص ۱۶۳)
- ب - بیانات حضرت اعلی**
- ۲۴ - هر صدی که کلمات او را حفظ نماید، خداوند مملو فرماید او را از محبت خود اگر مؤمن به او باشد. (منتخبات آیات، ص ۶۹)
- ۲۵ - عرفان حق صرف عرفان الله و حب او حب الله است. (همان، ص ۸۶)
- ۲۶ - خداوند دوست می دارد مطهرین را و هیچ شأن در بیان احب نزد خداوند نیست از طهارت و لطافت و نظافت. (همان، ص ۵۴)
- ج - بیانات حضرت عبدالبهاء**
- ۲۷ - محبت عالم انسانی اشراقی از محبت الله و جلودای از فیض موهبت الله است. (مفاوضات، ص ۲۲۲)
- ۲۸ - اعظم قوت در عالم انسانی محبت الله است. (همان)
- ۲۹ - بعد از عرفان الهی و ظهور محبت الله و حصول انجذاب وجدانی و نیت خیریه، اعمال مبروره تام و کامل است. (همان، ص ۲۲۳)
- ۳۰ - رخ به نار محبت الله برافروز (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۴)
- ۳۱ - دین را وسیله محبت و مودت به جمیع بشر شمرد. (همان، ص ۳۴)
- ۳۲ - اعلمی انه لا ینفع الانسان الا حب الرحمن و لا ینور قلب الانسان الا الشعاع الساطع من ملکوت الله (همان، ص ۱۷۴)
- ۳۳ - عشق الهی و محبت روحانی انسان را طیب و طاهر نماید. (همان، ص ۱۹۷)
- ۳۴ - جمیع اشیاء با محبت الله نافع است و بدون محبت الله مضر و سبب احتجاب از رب الملکوت ولی با محبت الهیه هر تلخی شیرین شود و هر نعمتی گوارا گردد. مثلاً نغمات موسیقی نفوس منجذبه را

- روح حیات بخشد ولی نفوس منہمک در نفس و هوئی را آلوده به شہوات کند. (همان، ص ۱۷۶)
- ۳۵ - ہر علمی مانند شجر است و چون ثمر محبت اللہ باشد آن شجرہ مبارکہ است و الأ حطب است و عاقبت طعمہ آتش گردد. (همان، ص ۱۷۷)
- ۳۶ - نفوسی کہ ضمیرشان بہ نور محبت اللہ روشن آنان مانند انوار ساطعند و بمثابہ نجوم تقدیس در افق تنزیہ لامع. عشق حقیقی صمیمی محبت اللہ است و آن مقدس از اوہام و افکار ناس. (همان، ص ۱۹۷)
- ۳۷ - احبای الہی ... از جام باقی محبت اللہ سرمست شوند و نشنہ از خمخانہ ملکوت گیرند. (همان، صص ۸-۱۹۷)
- ۳۸ - لذت محبت اللہ را بچشیم ... (خطبات، ج ۲، ص ۱۷۵)
- ۳۹ - در آن عالم ایمان و ایقان و معرفت اللہ و محبت اللہ لازم. جمیع را باید در این عالم تحصیل کرد تا بعد از صعود از این عالم بہ آن عالم باقی، انسان ببیند جمیع آنچه لازم آن حیات ابدی است، حاصل نمودہ است. (همان، ص ۱۷۱)
- ۴۰ - ہر یک شمع نورانی گردید؛ مرکز محبت رحمانی شوید. (خطبات، ج ۱، ص ۶۰/ج ۳، ص ۳۹)
- ۴۱ - ... با جمیع طوائف عالم محبت و مہربانی نمائیم؛ خدمت بہ عالم انسانی کنیم و جمیع خلق را بندہ خداوند و مظهر الطاف پروردگار دانیم. (خطبات، ج ۱، ص ۶۱/ج ۳، ص ۴۰)
- ۴۲ - محبت اللہ حقیقت فضائل عالم انسانی است ... محبت اللہ درمان ہر دردی است. و سحبت اللہ مرہم ہر زخمی. محبت اللہ سبب سعادت عالم بشر می شود. بہ محبت اللہ انسان حیات ابدی می یابد؛ بہ محبت اللہ سعادت سرمدیہ می یابد زیرا محبت اللہ حقیقت جمیع ادیان است. محبت اللہ اساس تعالیم عالم انسانی است. (خطبات، ج ۱، ص ۱۲۶)
- ۴۳ - پس جمیع فکرتان، ذکرتان و وقت خودتان را صرف آن کنید کہ مظاهر محبت اللہ باشید. (همان، ص ۱۲۷)
- ۴۴ - خدا با ہمہ مہربان است، ما چرا با یکدیگر ظلم کنیم. (همان، ص ۲۱۵)
- ۴۵ - در عالم وجود هیچ قوہ ای مثل قوہ محبت نافذ نیست. (همان، ص ۲۱۵)
- ۴۶ - عشق چہار قسم است کہ شرح دادہ ام. قسم اول عشق الہی بہ ذات خود. حضرت مسیح فرمود خدا عبارت از محبت است. قسم ثانی عشق الہی بہ ابناء و عباد خود است. قسم ثالث محبت انسان بہ خدا و قسم چہارم محبت انسان بہ انسان است. (ترجمہ)
- ۴۷ - نتیجہ وجود انسانی محبت اللہ و محبت اللہ روح حیات است و فیض ابدی است. (مفاوضات، ص ۲۲۱)

- ۴۸ - با تأسیس محبت اللہ جمیع امور دیگر تحقق می یابد. ^(۱) (ترجمه)
- ۴۹ - ای دوست، به نار محبت اللہ بر افروز تا قلوب عباد به نور محبت روشن و منیر گردد. ^(۲) (ترجمه)
- ۵۰ - به نار عشق الهی بر افروز. ^(۳) (ترجمه)

* * * * *

حضرت اعلیٰ می فرمایند:

- ۵۱ - قد طلبت حبک فما وجدت إلا بالمحو عما سواک (منتخبات آیات، ص ۱۴۳)

۱ - Promulgation, p. 239

۲ - Tablets of 'Abdu'l-Baha, vol. 2, p. 259

۳ - Baha'i World Faith, p. 361

بخش بیست و سوم

فضل الهی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - آنی نیست که فیض او منقطع شود و یا آنکه امطار رحمت از غمام عنایت او ممنوع گردد. (ایقان، ص ۱۱)

۲ - یک قطره از بحر جود او همه هستی را به حیات باقیه مشرف فرماید. (همان، ص ۴۱)

۳ - هر کس از جام حب نصیب برداشت از بحر فیوضات سرمدیه و غمام رحمت ابدیه، حیات باقیه ابدیه ایمانیه یافت. (همان، ص ۸۶)

۴ - بدایع جودش را تعطیل اخذ نموده و لایزال ظهورات فیض فضلش را وقوف ندیده. (مجموعه الراح طبع مصر، ص ۳۰۸)

ب - بیانات حضرت اعلی

۵ - واللّه ذو فضل العظیم (منتخبات آیات، ص ۵۹)

۶ - کان الله واسعا علیما (همان، ص ۱۲۱)

۷ - الذین احتجبوا عن آیات الله اولئک هم انفسهم فی رحمة الله لا یدخلون (همان، صص ۲۴ - ۲۳)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۸ - جهد نماید تا مشمول الطاف و عنایت رب احدیت گردید. (رساله مدنیه، ص ۱۳۷)

۹ - چون انسان بکلی به حق دل بندد و به جمال مطلق تعلق یابد فیض ربّانی جلوه نماید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۹۷)

۱۰ - به تن میا سائید و به دل تضرع و زاری کنید و عون و عنایت الهی جوید ... اگر همتی بنمائید. (همان، ص ۲۳۷)

۱۱ - این فیض بی پایان مانند سیل روان ... نفوس قلیله نصیبی می برند و اشخاص معدوده بهره می گیرند. (همان، ص ۲۶۶)

۱۲ - هر نفسی از احبای الهی باید فکر را در این حصر نماید که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار. (همان، ص ۳)

۱۳ - اسرار ملکوت جو و از فیوضات لاهوت دم زن. (همان، ص ۱۰۷)

۱۴ - ... یوم فضل است نه عدل و اعطاء کلّ ذی حق حقه عدل است. پس نظر به استعداد خود نکن نظر به فضل بی منتهای جمال ابهی نما که فیضش شامل است و فضلش کامل. (همان، ص ۱۷۵)

* * * * *

حضرت بهاء اللہ می فرماید :

۱۵ - پروردگارا ... ہر چہ کنی عدل صرف است، بل فضل محض (ادعیہ حضرت محبوب، ص ۳۰۹)

حضرت اعلیٰ می فرماید :

۱۶ - ان تقدّر لنا ... مواقع الخیر کلّہا و معادن الفضل باسرها (منتخبات آیات، ص ۱۳۳)

بخش بیست و چهارم

رضای الهی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - در سبیل رضای دوست مشی نمایید و رضای او در خلق او بوده و خواهد بود. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۴۳)
- ۲ - اعمل حدودی حباً لی ثم انه نفسک عما تهوی طلباً لرضائی (کلمات مکتونه عربی، فقره ۳۸)
- ۳ - لاتترک اوامری حباً لجمالی ولاتنس وصایای ابتغاء لرضائی (همان، فقره ۳۹)
- ۴ - عاشقان جز رضای معشوق مطلبی ندارند و جز لقای محبوب منظوری نجویند. (ایمان، صص ۹۹-۱۰۰)
- ۵ - سار عواالی مرضاة الله وجاهدوا حق الجهاد فی اظهار امره المبرم المتین. قد قدرنا الجهاد فی سبیل الله بجنود الحکمة و البیان و بالاخلاق و الاعمال. (لوح ابن ذنب، ص ۱۸)

ب - بیانات حضرت اعلی

- ۶ - هیچ جنتی اعظم تر از برای هیچ نفسی نیست که در حین ظهور الله ادراک نماید او را و آیات او را بشنود و ایمان آورد و به لقاء او که لقاء الله است فائز گردد و در رضای او که بحر محیط بر رضوان است سیر نماید و به آلاء جنت فردانیت متلذذ گردد. (متخبات آیات، ص ۵۲)
- ۷ - تو ایمان می آوری به خداوند از برای رضای او. (همان، ص ۸۷)
- ۸ - هم فی رضاء الله متلذذون (همان، ص ۱۰۶)
- ۹ - انتم برضاء الله عن کره الله تستعیدون (همان)
- ۱۰ - ان ادلاء رضائه الذین هم به مؤمنون و موقنون و ان ادلا کرهه الذینهم حین یسمعون آیات الله من عنده او یرون کلمات الله من عنده فی الحین لایؤمنون و لایوقنون. (همان)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۱۱ - بیچاره ای را چاره ساز گردید و پریشانی را سر و سامانی بخشید. این است رضای الهی. (خطابات، ج ۲، ص ۳۴۴)

حضرت بهاء الله می فرماید :

- ۱۲ - اکون حاضرأ قائماً بین مشیتک و ارادتک و ما ارید الأ رضائک (حالات کبیر)
- ۱۳ - طوبی لمن صام لوجهک منقطعاً عن النظر الی دونک (مناجات، ص ۱۱)
- ۱۴ - ای رب فاغفر لی جریراتی التی منعتنی عن السلوک فی مناهج رضائک و الورد فی شاطئ بحر

احدیٲٲک . (مناجات، ص ۲۵)

۱۵ - ایدنی علی ما یتضوع به عرف رضائک (همان، ص ۱۷۷)

۱۶ - انک انت المقتدر علی ما تشاء (همان، صص ۲۱ و ۱۱۷)

۱۷ - ای رب ... اسألك ... ان تجعلنی منقطعاً عن دونك بحيث لا أتحدك إلا بآرادتك ولا أتكلم إلا بمشيئتک ولا اسمع إلا ذکرك وثنائک (لوح اشرافات - مجمره اشرافات، ص ۶۶)
حضرت اعلى می فرماید :

۱۸ - یا الهی سددنی لكل ما تحب كما تحب (متخبات آیات، ص ۱۴۶)

۱۹ - یا الهی وربی ومولای استغفرک من کل لذة بغير حبک و من کل راحة بغير قربک و من کل سرور بغير رضاک و من کل بقاء بغير انسک (متخبات آیات، ص ۱۵۵)

بخش بیست و پنجم

تسلیم در برابر اراده الهی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - رأس الفطرة هي الاقرار بالافتقار والخضوع بالاختيار بين يدي الله الملك العزيز المختار (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۲)
- ۲ - تفویض و توکل محبوب (مجموعه اشراقات، ص ۹۱)
- ۳ - ... قَدْرَ لِكُلِّ نَفْسٍ مَقَادِيرَ الْأَمْرِ عَلَى مَا رَقِمَ فِي الْوَاحِ عَزْمًا مَحْفُوظًا وَلَكِنْ يَظْهَرُ كُلَّ ذَلِكَ بِأَرَادَاتِ أَنْفُسِكُمْ (منتخبات، ص ۱۰۱)
- ۴ - مجاهدین فی الله بعد از انقطاع از ماسوی چنان به آن مدینه انس گیرند که آنی از آن منفک نشوند. (ایقان، ص ۱۵۳)
- ۵ - سر را از کمندش نجات نه و اراده اش را جز رضا چاره ای نه. (ایقان، ص ۱۹۴)
- ۶ - ای دوستان رضای خود را بر رضای من اختیار مکنید و آنچه برای شما نخواستیم هرگز نخواهید و با دل‌های مرده که به آمال و آرزو آلوده شده نزد من می‌آید. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۲۰)
- ۷ - ای پسر ارض اگر مرا خواهی جز مرا نخواه و اگر اراده جمالم داری چشم از عالمیان بردار زیرا که اراده من و غیر من چون آب و آتش در یک دل و قلب نگنجد. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۳۲)
- ۸ - معنی فنای از نفس و بقای بالله آن است که هر نفسی خود را در جنب اراده حق فانی و لاشیء محض مشاهده نماید. (روح شیخ فانی - گنج شایگان، ص ۱۷۷)
- ۹ - قل اتأخذون اصولکم وتضعون اصول الله وراء ظهورکم (سورة الملوک - مجموعه الواح ملوک، ص ۱۹)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۱۰ - ما قدر من قلم التقدير لاحتبائه الآ ما هو خیر لهم (ظهور عدل الهی، ص ۱۶۸)
- ۱۱ - توکلی علی الله و اترکی ارادتک (منتخبات مکاتیب، ص ۷۶)
- ۱۲ - توکل به خدا کن؛ از اراده خود بگذر و به اراده الهی متشبث شو؛ خواهش نفس را بگذار و به مشیت الهی متمسک گرد.^(۱) (ترجمه)
- ۱۳ - فی کلّ حالة اشکری ربک الرحمن و سلمی الامور لارادته یتصرف کیف یشاء (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۷۴)

۱۴ - یختص بر حمتہ من یشاء^(۱) (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۸۲)

۱۵ - در نہایت تسلیم و رضادل بہ قضا دادہ در وجد و سرور بودیم و ہمدم شادمانی موفور . (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۱۹)

حضرت بہاء اللہ می فرمایند :

۱۶ - ای رب اسألک باسمک الذی بہ انارت الارضون والسّموات بان تجعلنی راضیاً بما قدّرتہ فی الواحک بحیث لن اجذّ فی نفسہ مراداً الأمانت اردتہ بسلطانک و مشیئةً الأمانت قضیتہ بمشیئتک (مناجات، ص ۱۶۲)

۱۷ - ای رب فاجعلنی بکلی فانیاً فی رضائک وقائماً علی خدمتک (منتخبات، ص ۱۹۹)

۱۸ - ای رب لیس لی من ارادۃ إلا بارادتک و لالی من مشیئة إلا بمشیئتک (مناجات، ص ۷۷)

۱- آیه قرآنی است. سورة بقرہ آیه ۱۰۵ / سورة آل عمران، آیه ۷۴

بخش بیست و ششم

ایمان به خدا

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - رأس الایمان هو التقلل فی القول والتکثر فی العمل ومن کان اقواله ازید من اعماله فاعلموا عدمه خیر من وجوده وفنائه احسن من بقائه (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۳)

۲ - این حیات مخصوص است به صاحبان افنده منیره که از بحر ایمان شاربند و از ثمره ایقان مرزوق. (ایقان، ص ۹۲)

۳ - ایمان هیچ نفسی به دون او معلق نبوده و نخواهد بود. (لوح نصیر - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۸۷)

۴ - ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر به تصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل به آنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته. (تجلی اول از لوح تجلیات - مجموعه اشراقات، ص ۲۰۱)

ب - بیانات حضرت اعلی

۵ - کمال علو انسان در ایمان به خداست در هر ظهور و به آنچه از قبل آن نازل می گردد. (منتخبات آیات، ص ۶۱)

۶ - کفایت الله را هر هوم تصور ننموده که آن ایمان تو است در هر ظهوری به مظهر آن ظهور و آن ایمان تو را کفایت می کند از کل ما علی الارض و کل ما علی الارض تو را کفایت نمی کند از ایمان. اگر مؤمن نباشی شجره حقیقت امر به افناء تو می کند و اگر مؤمن باشی کفایت می کند تو را از کل ما علی الارض اگر چه مالک شیء نباشی (منتخبات آیات، صص ۸ - ۸۷)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۷ - ایمان مغناطیس تأییدات رحمانیه است.^(۱)

۸ - ... شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمان و محبت دلبر آفاق و فضائل اخلاق و حسن صفات تأسس یابد. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۲)

۹ - الیوم مقرب در گاد کبریا نفسی است که جام وفا بخشد و اعداء را در عطا مبذول دارد، حتی ستمگر بیچاره را دستگیر شود و هر خصم لدود را یار و دود. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲)

بخش بیست و هفتم

کفایت الهی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - اکف بنفسی عن دونی و لاتطلب معیناً سوائی لان ما دونی لن یکفیک ابدأ (کلمات مکتونه عربی، فقره ۱۷)
- ۲ - ان تطلب سوائی لن تجد لو تفحص فی الوجود سرمداً ازلأ (همان، فقره ۱۵)
- ۳ - ما قدر لك الراحة الا باعراضك عن نفسك (همان، فقره ۸)
- ۴ - مشکاتی انت و مصباحی فیک فاستنر به و لاتفحص عن غیرى (همان، فقره ۱۱)
- ۵ - ... اودعت فیک جوهر نوری فاستغن به عن کل شیء لان صنعی کامل و حکمی نافذ (همان، فقره ۱۲)
- ۶ - من جوهر العلم اظهر تک لم تستعلم عن دونی و من طین الحب عجتک کیف تشتغل بغيری فارجع البصر الیک لتجدنی فیک قائماً قادراً مقتدرأ قیوماً (همان، فقره ۱۳)
- ۷ - انس دونی و انس بروحی (همان، فقره ۱۶)
- ۸ - طیب جمیع علتهاى تو ذکر من است، فراموشش منما. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۳۲)
- ۹ - الیوم لایق آنکه کل به اسم اعظم متشبت شوند. نیست مهرب و مفزى جز او. (اقتدارات، ص ۲۹۴)
- ۱۰ - لاحول و لا قوۃ الا بالله المهیمن القیوم (چهار وادی - آثار قلم اعلى، ج ۳، ص ۱۴۹)
- ۱۱ - ان وجدت نفسك وحیداً لاتحزن فاکف بریبک (سورة البیان - آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۱۰۹)
- ۱۲ - الیوم لا عاصم لاحد من امر الله و لا مهرب لنفس الا الله (سورة الغصن - رحيق مختوم، ج ۱، ص ۵۹۹)
- ۱۳ - الکریم یومئذ لله الواحد الغفار (منتخبات، ص ۳۱)
- ۱۴ - اکف بریبک ثم استانس به و کن من الشاکرین (سورة البیان - آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۱۰۹)
- ۱۵ - یا ابن الوجود حبی حصنی من دخل فیہ نجا و امن و من اعرض غوی و هلك (کلمات مکتونه عربی، فقره ۹)
- ۱۶ - قل لامهرب لاحد و لا ملجاء لنفس و لا عاصم الیوم من قهر الله و سطوته الا بعد امره (منتخبات، ص ۱۶۵)
- ۱۷ - کن فی امر ربک لمن المتفکرین ان اعرف ربک بنفسه لا بدونه لان دونه لن یکفیک بشیء (همان، ص ۱۰۰)
- ۱۸ - ان ربی لخیر ناصر و معین (سورة الملوک - مجموعہ الراح ملوک، ص ۱۶)
- ۱۹ - اکف بالله ربک ناصرأ و معین (همان)

۲۰ - فاطمَنُوا بِاللَّهِ بَارِئِكُمْ ثُمَّ اسْتَنْصِرُوا بِهِ فِي أُمُورِكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِهِ (همان، ص ۸)

۲۱ - سُبْحَانَ اللَّهِ ... أَنَا تَوَكَّلْنَا عَلَيْهِ وَفَوَّضْنَا الْأُمُورَ إِلَيْهِ وَهُوَ حَسْبُنَا وَحَسْبُ كُلِّ شَيْءٍ (کلمات فردوسی -

مجموعه اشراقات، ص ۱۱۷)

ب - بیانات حضرت اعلیٰ

۲۲ - منقطع شواز ماسوی الله و مستغنی شو به خدا از مادون او و این آیه را تلاوت کن: «قل الله یکفی

کُلِّ شَيْءٍ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي عَنِ اللَّهِ رَبِّكَ مِنْ شَيْءٍ لَا فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا مَا بَيْنَهُمَا أَنَّهُ

كَانَ عَلَامًا كَافِيًا قَدِيرًا» و کفایت الله را موهوم تصوّر نموده که آن ایمان تو است در هر ظهوری به مظهر

آن ظهور و آن ایمان تو را کفایت می کند از کلّ ما علی الارض و کلّ ما علی الارض تو را کفایت نمی کند از

ایمان. اگر مؤمن نباشی شجره حقیقت امر به افناء تو می کند و اگر مؤمن باشی کفایت می کند تو را از

کلّ ما علی الارض اگر چه مالک شئی نباشی. (منتخبات آیات، ص ۸۷)

۲۳ - أَنَّهُ كَانَ نَصَارًا نَصْرًا نَصِيرًا (همان، ص ۱۱۵)

۲۴ - اللَّهُ أَنْصَرُ فَوْقَ كُلِّ ذَا نَصْرٍ (همان)

۲۵ - وَإِنْ رَأَيْتَ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّكَلْ عَلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ مِنْ مَلَكُوتِ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (همان،

ص ۱۵۱)

ج - بیانات حضرت عبدالجبار

۲۶ - خداوند به انسان عقل و هوش داده تا خود را حراست و حفظ کند. لهذا، باید برای خود جمیع

مهارت های علمی را که می تواند فراهم آورد. او باید در اهدافش با تعمق، تفکر و کامل عمل کند، بهترین

کشتی را بسازد و مجرب ترین کاپیتان را به خدمت بگیرد. اما با این همه، به خداوند توکل کند و او را

تنها حافظ و حارس بداند. اگر خداوند صیانت کند، هیچ چیز امنیت انسان را دچار مخاطره نمی سازد؛

و اگر اراده اش به صیانت تعلق نگیرد، هیچ میزانی از تدارکات و احتیاط ها و پیشگیری ها فایده ای

نخواهد داشت. ^(۳) (ترجمه)

۲۷ - اگر نفسی برگزیده حق و مورد ستایش او باشد، بهمتانهای تمام خلق ضرری به او نخواهد زد؛ و

اگر نفسی در آستان الهی مقبول نباشد، مدح و ستایش جمیع نفوس برای او فایده ای نخواهد

داشت. ^(۴) (ترجمه)

۲۸ - از برای انسان بجز حفظ و پناه ملاء اعلیٰ، هیچ ملجاء و ملاذی وجود ندارد. ^(۵) (ترجمه)

۲۹ - لَا يَنْفَعُ الْإِنْسَانَ إِلَّا حُبُّ الرَّحْمَنِ (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۷۴)

1 - 48 Promulgation, p.

2 - 158 Tablets, vol. 1, p.

3 - 67 Ibid, p.

۳۰ - آنچه خواهی از او خواه و آنچه طلبی از او طلب. (همان، ص ۴۹)
۳۱ - بدان که در این حیات جز توسل و تشبث به خداوند، خدمت در کرم او، عبودیت مستمر از صمیم دل و جان نسبت به او، هیچ چیز تو را ثمر نخواهد بخشید.^(۱) (ترجمه)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرمایند :

- ۳۲ - ای ربّ دونک لاینفعنی و قرب غیرک لا یغنینی (مناجات، ص ۴۵)
۳۳ - تو کلتُ علیک فی کلّ الاحوال (همان، ص ۱۰۶)
۳۴ - ای ربّ لا احد دونک من کریم لا توجّه الیه و لا سواک من رحیم لا سترحم منه. اسئلک بان لاتطرذنی عن باب فضلک و لاتمنعنی عن سحاب جودک و کرمک (همان، ص ۲۵)
۳۵ - یا الهی و محبوبی لا مفرّ لاحد عند نزول احکامک و لا مهرب لנفس لدی صدور او امرک، او حیث القلم اسرار القدم و امرته ان یعلم الانسان ما لم یعلم و یشریهم کوثر المعانی من کأس و حیک و الهامک (مناجات، ص ۱۳۳)
۳۶ - ثم اجعلنی ناظراً الیک و منقطعاً عن دونک (همان، ص ۲۰)
۳۷ - سبحانک اللهم یا الهی تری و تعلم بائی ما دعوتُ عبادک الّا الی شطر مواهبک و ما امرتهم الّا ما أمرت به فی محکم کتابک (همان، ص ۱۴۰)
حضرت اعلی می فرمایند :
۳۸ - ... لاتکلنا الی شیء سواک (متخیات آیات، ص ۱۲۵)
۳۹ - یا الهی و سیدی و مولای ... اعطنی من معروفک ما تعیننی به عمّن سواک و زدنی من فضلک الواسع (همان، ص ۱۴۹)
۴۰ - اللهم ... هب لی من فضلک ما یغنینی عن سواک و قدر لی من لدنک ما یکفینی عن غیرک (همان، ص ۱۵۲)
۴۱ - اللهم ... فاکفنی عن کلّ شیء یا خیر الزّاحمین (همان، ص ۱۳۷)
۴۲ - قل الله یکفی کلّ شیء عن کلّ شیء و لا یکفی عن الله ربک من شیء لافی السّموات و لافی الارض و لا ما بینهما انه کان علاماً کافياً قدیراً (همان، ص ۸۷)
۴۳ - اکفنی شز من ارادنی بحزن او بسوء. فانک ربّ کلّ شیء تکفی من کلّ احد و لا یکفی منک احد (همان، ص ۱۳۲)
۴۴ - هل من مفرّج غیر الله قل سبحان الله هو الله کلّ عباد له و کلّ بامرّه قائمون (همان، ص ۱۵۶)
حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

۴۵ - ای خداوند مهربان ... جز رکن شدید پناهی نجوییم و به غیر کُهِفِ حَمَیْتِ التَّجَاةِ نَکْنِیْمِ
(متخبات مکاتب، ج ۱، ص ۲۲۵)

۴۶ - ای خداوند مهربان بنده درگاه توایم و ملتجی به آستان مقدس تو. جز رکن شدید پناهی نجوییم و
به غیر کُهِفِ حَمَیْتِ التَّجَاةِ نَکْنِیْمِ. حَفْظُ وَ صِیَانَتُ فَرْمَا وَ عِنَایَتُ وَ حَمَیْتُ کُنْ. مَا رَا مُوَفَّقَ نَمَا تَارِضَا
تُو جُوئِیْمِ وَ ثَنَا ی تُو گُوِیْمِ. (همان، ص ۲۲۵)

۴۷ - ... لَیْسَ لَی ظَهیرُ الْآنَتِ وَ لَا نَصِیرُ الْآنَتِ وَ لَا مُجِیرُ الْآنَتِ (مکاتب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۵۲)

بخش بیست و هشتم

اعتماد و توکل به حق

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - توکل علی الله ربک وربّ أبانک الاولین (لوح احمد - ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۸۴)
- ۲ - من کان لله کان الله له و من یتوکل علیه انه هو یحرسه عن کل ما یضره (سورة الملوک - مجموعه الراح ملوک، ص ۳۷)
- ۳ - فاطمئن بفضل الله ربک ثم توکل علیه فی امورک و کن من المتوکلین . فاستعین بالله ثم استغن من غنائه و عنده خزائن السموات و الارض (همان، ص ۳۹)
- ۴ - توکل فی کل الامور علی ربک و توجه الیه ثم اعرض عن المنکرین (همان، ص ۱۶)
- ۵ - فاطمئنوا بالله بارئکم ثم استنصروا به فی امورکم و ما النصّر الایمن عنده (همان، ص ۸)
- ۶ - من یتوکل علیه انه هو یحرسه عن کل ما یضره و عن شر کل مکار لئیم (همان، ص ۳۷)
- ۷ - رأس التوکل هو اقتراف العبد و اكتسابه فی الدنيا و اعتصامه بالله و انحصار النظر الی فضل مولاد اذ الیه یرجع الامور العبد فی منقلبه و مثواه (کلمات الحکمة - ادعیه محبوب، ص ۴۱)
- ۸ - نشکر الله فی کل ما ورد علینا و نصبر فیما قضی و یقضى و علیه توکلت و الیه تؤذت امری و انه یوفی اجور الصابرين و المتوکلین (سورة الملوک - مجموعه الراح ملوک، ص ۴۷)
- ۹ - اصل کل الخیر هو الاعتماد علی الله و الانقیاد لامره و الرضاء لمرضاته (ادعیه محبوب، ص ۴۰)
- ۱۰ - و اما امر معاش باید متوکلاً علی الله مشغول به کسب باشید (مجموعه الراح بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۴)
- ۱۱ - شخص مجاهد ... باید در کل حین توکل به حق نماید و از خلق اعراض کند و از عالم تراب منقطع شود و بگسلد و به ربّ الارباب در بندد. (کتاب ایقان، ص ۱۴۹)
- ۱۲ - به حق توکل کنید و امور را به حفظ او سپارید. (نقل در ظهور عدل الهی، ص ۱۶۸)
- ۱۳ - توکل فی کل الامور علی الله و فوضها الیه (لوح شیخ نجفی، ص ۵۶)
- ۱۴ - توکل علی الله و فوض امورک الیه (همان، ص ۸۴)^(۱)

۱ - حضرت بهاء الله به عبد الله باشا فرمودند که به خداوند توکل نماید و روزی نوزده بار این دو آیه را تلاوت نماید: «من یتوکل علی الله فهو حسبه» و «من یتق الله يجعل له مخرجاً» (بهاء الله شمس حقیقت، ص ۱۸۲)
توضیح مترجم: جمال مبارک برای گشایش در امور تلاوت آیات ۲ و ۳ سورة طلاق قرآن کریم را توصیه فرموده‌اند که دو ففره فوق جزئی از آن است. بیان مبارک مزبور در جلد هشتم مائده آسمانی، ص ۱۱۰ مندرج است.

ب - بیانات حضرت باب

۱۵ - به نام خداوند قیام کنید، به خدا توکل نمایید و به او توجه کنید و یقین داشته باشید که بالاخره فتح و فیروزی با شما خواهد بود. (بیانات مبارک خطاب به حروف حتی - مطالع الانوار، ص ۸۱)

۱۶ - توکلتُ علی الله رب کلشیء لاله الا هو الفرد الرّفع والی الله القی نفسی و الیه افوض امری (منتخبات آیات، ص ۸۱)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۱۷ - اگر قلب انسان ... امید به خدا نداشته باشد به چه چیز این حیات دوروزه دنیا بدل بندد؟ (خطبات، ج ۱، ص ۱۹۵)

۱۸ - جمیع امور را به خدا بسپارید. ^(۱) (ترجمه)

۱۹ - پیوسته به خداوند اعتماد کنیم و از او طلب تأیید و اعانت نماییم. ^(۲) (ترجمه)

۲۰ - اعتماد به فضل و عنایت حق کنید و به فیوض نامتناهی او اطمینان داشته باشید. ^(۳) (ترجمه)

۲۱ - توکلی علی الله و اترکی ارادتک و تمسکی بارادة الله و دعی رضائک و خدی رضاء الله (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۷۷)

۲۲ - توکلی علی الله و اعتمدی علیه و تذکری بذكره فی کل حین انه یبدل العسرة بالیسر و الشدة بالرخاء و التعب بالراحة العظمی (همان، ص ۱۷۴)

۲۳ - اعلمی ان الله معک فی کل الاحوال و یحفظک من شئون الدنیا (همان، ص ۱۱۹)

۲۴ - ابدأ امید را؛ خدا قطع منما. در هر حال امیدوار باش زیرا الطاف حق در هر حالت از انسان منتقطع نگردد. (همان، ص ۲۰۰)

حضرت بهاء الله می فرمایند:

۲۵ - ثم اجعلنی مقبلاً الیک و متوکلاً علیک و لانذاً بحضرتک و هارباً الی نفسک (مناجاة، ص ۱۷۱)

۲۶ - یا الهی ... اسألك ... ایدنی فی کل الاحوال علی التوکل علیک و تفویض الامور الیک ... (روح شیخ نجفی، ص ۷)

۲۷ - سبحانک یا الهی ... توکلت علیک فی کل الاحوال (همان، ص ۷۰)

حضرت اعلی می فرمایند:

۲۸ - ... انک انت حسبی علیک توکلتُ و انک کنت علی کل شیء حسیباً (منقول در لوح شیخ، ص ۱۱۸)

Promulgation, p. 28 - ۱

Ibid. p. 420 - ۲

Ibid. p. 421 - ۳

٢٩ - اللّٰهم انى اتوكّل عليك فى سفرى وحضرى وشغلى وعملى (متخبات آيات، ص ١٣٧)

بخش بیست و نهم

تسلیم و رضا در مقابل خدا

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - ای بندگان من ... چون ارض تسلیم شوید تا ریاحین معطره ملونه مقدسه عرفانم از ارض وجود انبات نماید. (لوح احمد فارسی - مجموعه الواح طبع مصر، صص ۳۱۹ - ۳۱۸)
 - ۲ - یا ابن الانسان اركض في بز العماء ثم اسرع في ميدان السماء لن تجد الراحة الا بالخضوع لامرنا و التواضع لوجهنا (كلمات مكنونه عربي، فقره ۴۰)
 - ۳ - ... كمنذ قضای الهی اوسع از خیال است و تیر تقدیر او مقدس از تدبیر، سر را از كمنذش نجات نه و اراده اش را جز رضا چاره ای نه (كتاب ایقان، ص ۱۹۴)
 - ۴ - للانسان ینبغی ان یكون تحت سنن تحفظه عن جهل نفسه و ضرر الماکرین (افدس، بند ۱۲۳)
 - ۵ - ... الحزیه فی اتباع او امری لو انتم من العارفین (همان، بند ۱۲۵)
 - ۶ - تفویض مطلق بما اراده الله (تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس، ص ۳۴)
 - ۷ - فطوبی للصابرین الذین یصبرون فی البأساء و الضراء ولن یجزعوا من شیء و كانوا علی مناهج الصبر لمن السالکین (سورة الملوک - مجموعه الواح ملوک، ص ۲۸)
- #### ب - بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۸ - ... به اراده حق تسلیم شو (نقل ترجمه از ص ۱۲۸ بهاء الله و عصر جدید طبع برزیل)

بخش سی ام

استماع کلام الهی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - بشنوندای ناصح امین را از شمال به یمین توجه نما و از ظنّ به یقین (طرازات - مجموعه اشراقات، ص ۱۵۷)

۲ - لا زال العبد یتقرّب الی بالنّوافل حتّی أحبّبتّه فاذا أحبّبتّه کنت سمعه الذی یسمع به ... (حدیث قدسی منقول در هفت وادی - آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۱۴)^(۱)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۳ - اوّل علاج هدایت خلقت تا توجه به حق نمایند و استماع نصایح الهی کنند و به گوش شنوا و به چشمی بینا مبعوث شوند. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳۶)

۴ - وصایا و نصایح الهی را به گوش هوش بشنویم. (همان، ص ۲۵۴)

۵ - به ... وصایا و نصایح ربّانی سلوک نماید. (همان، ص ۲۵۵)

* * * * *

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

۶ - یا الهی اسمعنی ندانک^(۲) (ترجمه)

۱ - اصل حدیث در جامع الصغیر سیوطی با دو اختلاف مشاهده شده است. به جای کلمه «لازل» کلمه «ما یزال» و به جای «حتّی أحبّبتّه» عبارت «حتّی أحبّبتّه» آمده است. مضافاً در ترجمه انگلیسی هفت وادی، مترجم هر دو کلمه «احببتّه» را «احببتّه» خوانده و ترجمه کرده است - م

۲ - Baha'i Prayers (US) p. 62

بخش سی و یکم

تفکر و تعمق در کلام الهی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة (حدیث نبوی منقول در ص ۱۸۵ کتاب ایقان)
 - ۲ - تفکر فیما نزل من سماء مشیة ربک الفیاض لتعرف ما اردناه فی غیاهب الایات (لوح حکمت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۴۴)
 - ۳ - توهم لوجه الله در آنچه نازل شده و ظاهر گشته تفکر نما شاید از فیوضات فیاض حقیقی در این یوم مبارک نصیب برداری و محروم نمائی (لوح شیخ نجفی، ص ۱۴)
- #### ب - بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۴ - به جمیع الواح مبارک بهاء الله چه از آیات و چه از مناجات ملاحظه کنید ... (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۰۶)
 - ۵ - به قوه تفکر انسان به حیات ابدیه فائز شود، به قوه تفکر به نفثات روح القدس نائل گردد، فیوضات روح در تفکر و تعمق حاصل گردد. ^(۱) (ترجمه)
 - ۶ - به قوه تفکر انسان از طبیعت حیوانی آزاد می شود، حقایق اشیاء را درک می کند، و با نمودن مرتبط می شود. ^(۲) (ترجمه)
 - ۷ - اگر قوه تفکر مستنیر از انوار باطن شود و متصف به صفات الهی گردد، نتایج حاصله مؤید خواهد بود. ^(۳) (ترجمه)

۱ - Paris Talks, p. 175

۲ - Ibid

۳ - Ibid p. 176

بخش سی و دوم

خشیه الله و تقوی الله

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - جنود منصور در این ظهور اعمال و اخلاق پسندیده است و قائد و سردار این جنود تقوی الله بوده و اوست دارای کلّ و حاکم بر کلّ (اشراق چهارم از لوح اشراقات - مجموعه اشراقات، ص ۷۷)
- ۲ - دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیه الله ناس را به معروف امر و از منکر نهی نماید. اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد، نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور بازمانند. (اشراق اول - همان، ص ۷۶)
- ۳ - حفظ مبین و حصن متین از برای عموم اهل عالم خشیه الله بوده. آنست سبب بزرگ از برای حفظ بشر و علت کبری از برای صیانت وری (ورق اول از کلمات فردوسی - همان، ص ۱۱۸)
- ۴ - اتقوا الله و لاتکونوا من الغافلین (کلمات فردوسی - همان، ص ۱۳۱)
- ۵ - اما امری که در ظاهر و باطن سبب حفظ و منع است خشیه الله بوده و هست. اوست حارس حقیقی و حافظ معنوی (لوح دنیا - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۹۷)
- ۶ - اتقوا الله دعوا الظنون لمظاهرها ... (اشراقات - مجموعه اشراقات، ص ۵۴)
- ۷ - انا و عیننا و لیاننا بتقوی الله الّذی کان مطلع الآمال و الاخلاق (همان، ص ۷۰)
- ۸ - وض العباد بتقوی الله تالّله هو القائد الاوّل فی عسا کر ربک و جنوده الاخلاق و الاعمال الطّیبه (همان، ص ۷۱)
- ۹ - اتقوا الله و کونوا من المتّقین (سورة الملوک - مجموعه الراح ملوک، ص ۸)
- ۱۰ - اتق الله و کن من المتّقین (سورة الملوک - مجموعه الراح ملوک، ص ۳۶)
- ۱۱ - خافوا عن الله و لاتبطلوا اعمالکم ثمّ اسمعوا کلمات الله و لاتکوننّ من المحتجّبین (منتخبات، ص ۱۲۱)
- ۱۲ - اتقوا الله و لاتجعلوا انفسکم محرومات عن الّذی خلّقتکم له (کتاب مبین، ص ۳۳۱)
- ۱۳ - خافوا الله و لاتتبعوا ما عندکم من الاوهام (کتاب اقدس، بند ۳۷)
- ۱۴ - اتقوا الله و لاتسرفوا فی شیء و لاتکوننّ من المسرفین (سورة الملوک - مجموعه الراح ملوک، ص ۸)
- ۱۵ - من لم يخف الله اخافه الله من کلّ شیء (چهار وادی - آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۵۰)
- ۱۶ - اتقوا الله یعلمکم الله (آیه ۲۸۲ سوره بقره منقول در چهار وادی - همان، ص ۱۴۶)
- ۱۷ - خافوا عن الله و لاتبطلوا اعمالکم (لوح وفا - آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۳۵۱)

- ١٨ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ (روح سيد مهدي دهجي - مجموعه الواح بعد از اقدس، ص ١٢١)
- ١٩ - خافوا عن الله ولا تستكبروا عند ظهوره (منتخبات، ص ٣٢)
- ٢٥ - خافوا الله ولا ترتكبوا ما يجرع به اجبائى فى الملك (روح سيد مهدي دهجي - مجموعه الواح بعد از اقدس، ص ١٢٢)
- ٢١ - اتَّقُوا اللَّهَ يَا قَوْمِ وَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ (سورة البين - آثار فلم اعلى، ج ٤، ص ١١٢)
- ٢٢ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ (روح اشرف - مجموعه الواح طبع مصر، ص ٢١٢)
- ٢٣ - اعلمو باننا ما نخاف من احد الا الله وحده وما توكلى الا عليه وما اعتصامى الا به وما نريد الا ما اراد لنا (سورة الملوك - مجموعه الواح ملوك، ص ٢٤)
- ٢٤ - من عرف الله لن يعرف دونه ومن خاف الله لن يخاف سواه ولو يجتمع عليه كل من فى الارض اجمعين (همان)
- ٢٥ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَنْسُوا عَهْدَ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُحْتَجِبِينَ (همان، ص ٢٦)
- ٢٦ - اصل الحكمة هى الخشية عن الله عز ذكره والمخافة من سطوته و سياطه والوجل من مظاهر عدله وقضائه (ادعيه محبوب، ص ٤٥)
- ٢٧ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوَهَامَ الْمُرِيبِينَ^(١) (ترجمه)
- ٢٨ - تقواى خالص پيشه كن و از ماسوى الله انديشه منما. (روح احمد فارسى - مجموعه الواح طبع مصر، ص ٣١٦)
- ٢٩ - به تقوى الله تمسك نماييد و به ذيل معروف تشبث كنيد. (كتاب عهاى - مجموعه الواح طبع مصر، ص ٣٩٩)
- ٣٥ - هذا يوم الله اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (مجموعه الواح بعد از اقدس، ص ١٤٩)
- ٣١ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَنْكُرُوا هَذَا الْفَضْلَ الَّذِى بِهِ اضائت الآفاق (همان، ص ١٥١)
- ٣٢ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ مِنْ لَدَى اللَّهِ مَالِكِ الْوَجُودِ (همان، ص ١٥٢)
- ٣٣ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ لَهْ كَتَبَ اللَّهُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (همان، ص ١٥٤)
- ٣٤ - اتَّقُوا الرَّحْمَنَ (طرازات - مجموعه اشراقات، ص ١٥٦)
- ٣٥ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَّبِعُوا الظُّنُونَ وَالْأَهَامَ (كلمات فردوسيه - مجموعه اشراقات، ص ١١٧)
- ٣٦ - انا نأمر عباد الله و اماءه بالعصمة و التقوى ليقومن من رقد الهوى و يتوجهن الى الله (روح شيخ نجفى، ص ١٨)
- ٣٧ - اتَّقُوا اللَّهَ يَا قَوْمِ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ (همان)
- ٣٨ - اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُنْكَرِينَ (همان، ص ٢٩)

ب - بيانات حضرت اعلى

٣٩ - ان اتق الله ولا تغر بما عندك فان ما عند الله خير للمتقين (متخبات آيات، ص ١٥)

٤٥ - اتقوا الله ولا تشكوا فى امر الله (همان، ص ٣٨)

٤١ - اتقوا الله ولا تغترون بعلمكم (همان، ص ٢٨)

٤٢ - اتقوا الله لعلكم تفلحون (همان، ص ١١٣)

٤٣ - اتقوا الله ولا تتركبوا ما يحزن به فؤاده وتكونن من الغافلين (همان، ص ١١٧)

ج - بيانات حضرت عبدالبهاء

٤٤ - باقى صفات كماله خشية الله ومحبة الله فى محبة عباده ... بوده (رساله مدنيه، ص ٤٨)

بخش سی و سوم

فیوضات الهیه و اهمیت روح القدس

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - نسمة الله اور ابيدار نمود. (منتخبات، ص ۷۰)
- ۲ - روائح قدس می وزد و نسانم جود در هبوب و کل به ز کام مبتلا شده اید و از جمیع محروم مانده اید. (کلمات مکنونه فارسی، فقره ۴۵)
- ب - بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۳ - عالم انسانی محتاج به نفثات روح القدس است. بدون این روح عالم انسانی مرده است و بدون این نور عالم انسانی ظلمت اندر ظلمت است زیرا عالم طبیعت عالم حیوانی است. (لوح لامه - مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۹)
- ۴ - ... میان خدا و انسان واسطه ای لازم که غیر از روح القدس نیست ... حقیقت الوهیت بمتابۀ شمس است و روح القدس اشعه شمس. ^(۳) (ترجمه)
- ۵ - فقط با نفثات روح القدس است که ترقی حاصل می شود. ^(۳) (ترجمه)
- ۶ - المحبّة هی النور الملکوتی المحبّة هی نفثات روح القدس فی الزوح الانسانی (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۴)
- ۷ - عالم انسانی به قوای عقلیه و قوای مادیه تنها ترقی نکند بلکه به جهت ترقی صوری و معنوی و سعادت فوق العاده انسانی نفثات روح القدس لازم است. (خطابات، ج ۲، ص ۱۵۰)
- ۸ - جسم انسان محتاج به قوای مادیه است ولی روح انسان محتاج به نفثات روح القدس (همان، ص ۱۵۱)
- ۹ - روحی که نصیبی از نفثات روح القدس ندارد آن میت است ... روح انسانی محتاج به تأییدات روح القدس است و الا به قوای مادیه تنها انسان ترقیات تامه ننماید بل ناقص می ماند. (همان)
- ۱۰ - عالم انسانی محتاج به نفثات روح القدس است. (لوح لامه - مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۹)
- ۱۱ - ترقیات روحانیه به نفثات روح القدس میسر است و بیداری روح آگاه انسانی به درک حقیقت الوهیت. ترقیات مادیه موجب سعادت عالم انسانی است و ترقیات روحانیه سبب سعادت و استمرار ابدی روح انسان. ^(۳) (ترجمه)

۱ - Paris Talks, p. 58

۲ - Ibid, p. 133

۳ - Promulgation, p. 142

فصل سوم

ایجاد نگرشهای مفید

بخش سی و چهارم

مسرّت و سعادت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - مشکاتی انت و مصباحی فیک فاستتر به و لاتفحص عن غیرى لانی خلقتک غنیاً و جعلت النعمة علیک بالغة (کلمات مکنونه عربی، فقره ۱۱)
- ۲ - یا ابن الانسان افرح بسرور قلبک لتكون قابلاً للقائی و مرآةً لجمالی (همان، فقره ۳۶)
- ۳ - یا ابن الانسان اصعد الی سمائی لکی ترى وصالی ... (همان، فقره ۶۱)
- ۴ - فی اول القول املک قلباً جیداً حسناً منیراً لتملک مُلکاً دائماً باقیماً از لأقديماً (همان، فقره ۱)
- ۵ - ... ملیح است نشاط مستی اگر ساغر معانی از ید غلام الهی بیاشامی ... (کلمات مکنونه فارسی، فقره ۶۹)
- ۶ - ببشارة النور ابشرک فاستبشر به ... (کلمات مکنونه عربی، فقره ۳۳)
- ۷ - یا ابن الانسان لاتحزن الّا فی بعدک عنّا و لاتفرح الّا فی قربک بنا و الرجوع الینا (همان، فقره ۳۵)
- ۸ - چون انوار تجلی سلطان احدیه بر عرش قلب و دل جلوس نمود نور او در جمیع اعضاء و ارکان ظاهر می شود. (هفت وادی - آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۱۴)
- ۹ - طوبی لمن تفکر فیما نزل فی کتب اللّٰه المهیمن القیوم (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۶۹)
- ۱۰ - طوبی للذین نبذوا ما سوی اللّٰه عن ورائهم و اخذوا ما امروا به من لدن مقتدر قدير (مجموعه الواح بعد از اقدس، ص ۱۴۳)
- ۱۱ - طوبی للعاملین، طوبی للعارفین، طوبی لمن انصف فی الامور و تمسک بحبل عدلی المتین. (کلمات فردوسیہ - مجموعه اشراقات، ص ۱۱۸)
- ۱۲ - طوبی للذینهم استقاموا علی الامر فی تلك الايام الّتی فیها ظهرت الفتنة من کلّ الجهات (منتخبات، ص ۲۰۵)
- ۱۳ - طوبی لمن یسمع نصحی و یتبع ما امر به من لدن علیماً حکیماً (همان، ص ۱۹۶)
- ۱۴ - طوبی لمن سمع ما نطق به اللسان فی ملکوت البیان و ویل لكل غافل بعید. (همان، ص ۲۲۱)
- ۱۵ - طوبی لمن سمع النداء و اجاب ... (کتاب مبین، ص ۳۸۸)
- ۱۶ - طوبی لمن عرف مراد اللّٰه فیما نزل من سماء المشیة المهیمنة علی العالمین (کتاب اقدس، بند ۱۲۵)
- ۱۷ - طوبی لعبد نبذ الظنون اذ اتی المکنونون برایات الایات (لوح شیخ نجفی، ص ۵۸)
- ۱۸ - قد اتی المحبوب ... طوبی لمن اقبل و شرب و قال لك الحمد یا منزل الایات (لوح رضوان - ابام

تعدد، ص ۲۵۹)

- ۱۹ - طوبی لمن اصبح قائماً على خدمة الامم (لوح مقصود - دریای دانش، ص ۱۹)
- ۲۰ - شمع باقی بی فانوس روشن ... چه نیکوست اقبال مقبلین فهیننا للفائزین بانوار حسن بدیع (لوح عاشق و معشوق - دریای دانش، ص ۳۱)
- ۲۱ - ان اعملوا حدودی حباً لجمالی طوبی لحیب وجد عرف المحبوب من هذه الكلمة التي فاحت منها نفحات الفضل على شأن لا توصف بالاذکار (کتاب اقدس، بند ۴)
- ۲۲ - حیف است این ایام نفسی به شؤونات عرضیه ناظر باشد بایستید بر امر الهی (اختدارات، ص ۲۱۶ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۳۰)
- ۲۳ - غم فراق را به سرور وصال تبدیل نمایند و سم هجران را به شهد لقا بیا میرید. (دریای دانش، ص ۲۹)
- ۲۴ - انک فاشتعل من هذه النار الملتهبة المشتعلة فی قطب الامکان على شأن لا یخمد بها بحور الاکوان (منتخبات، ص ۳۲)
- ۲۵ - کن ... فی الحقوق امیناً و فی الوجه طلقاً ... (آثار قلم اعلی، ج ۲، ص ۱۷)
- ۲۶ - کن فی الظلمة سراجاً و للهموم فرجاً ... (همان)
- ۲۷ - اگر نفسی فی الحقیقه در آنچه از قلم اعلی نازل شده تفکر نماید و حلاوت آن را بیابد البته از مشیت و اراده خود فارغ و آزاد گردد و به اراده الله حرکت نماید. طوبی از برای نفسی که به این مقام فائز شد و از این فضل اعظم محروم نماند. (منتخبات، ص ۲۲۱)
- ۲۸ - سزاوار آنکه در این بهار جانفز از باران نیسان یزدانی تازه و خرم شوید. خورشید بزرگی پرتو افکنده و ابر بخشش سایه گسترده. بابهیره کسی که خود را بی بهره نساخت و دوست را در این جامه بشناخت. (دریای دانش، ص ۴۰ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۵۵)
- ۲۹ - ان اقرء یا عبد ما وصل الیک من آثار الله بر بوات المقرین لتستجذب بها نفسک و تستجذب من نعماتک افئدة الخلائق اجمعین (منتخبات، ص ۱۸۹)
- ۳۰ - انشاء الله در هر مدینه و دیار تشریف دارند با کمال روح و ریحان و فرح و سرور باشند. (لوح مقصود، طبع مصر، ص ۲۴)
- ۳۱ - ان افروا بذکری انه معکم فی کل حین (مجموعه الواح بعد از اقدس، ص ۱۷۱)
- ۳۲ - صاحبان بصر و خرد ناظرند به اسبابی که سبب روح و ریحانست. (کلمات فردوسی - مجموعه اشراقات، ص ۱۲۶)
- ۳۳ - توجهوا بقلوب نوراء الی وجه ربکم (اقدس، بند ۷۸)
- ۳۴ - فاعلم جسمی تحت سیوف الاعداء و جسدی فی بلاء لا یحصی ولكن الروح فی بشارة لا یعاد لها فرح العالمین (لوح تزار - مجموعه الواح ملوک، ص ۱۲۴)

ب - بیانات حضرت باب

۳۵ - لینشر حنّ الله قلوب الذين هم يؤمنون بالله وآياته وهم بالآخرة موقنون (متخبات آیات، ص ۱۰۳)

۳۶ - ان الذين آمنوا بالله وآياته اولئك هم اصحاب الحق واولئك هم في جنات النعيم وان الذين كفروا بالله وما اظهروا من عند اولئك اصحاب النار واولئك هم فيها خالدون (همان، ص ۱۱۸)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۳۷ - وقت سرور روح انسان در پرواز است، جمیع قوای انسان قوت می گیرد، قوه فکریه زیاد می شود، قوه ادراک شدید می گردد... اما وقتی که حزن بر انسان مستولی شود مخمود می شود، جمیع قواضعیف می گردد. (خطابات، ج ۱، ص ۱۹۷ / ج ۳، ص ۱۴۶)

۳۸ - اگر نفسی در اوقات سختی و محنت و بلا ورنج و عنامسرور و شادمان باشد آن دلیل بر علو همت و شرافت منزلت اوست. (بهاء الله و عصر جدید، ص ۷۰)

۳۹ - اگر نفسی با رضایت خاطر و روی خندان، نه با ترش رویی و نارضایتی، ناملایمات شدید را نپذیرد، به این آزادی نائل نخواهد شد. ^(۱) (ترجمه)

۴۰ - باید در نهایت سرور زندگی کنی. اگر شداید و ناملایمات در زندگی ات رخ دهد، اگر قلبت به علت بیماری، امر معاش یا امور شغلی محزون و افسرده گردد، نگذار این امور بر تو تأثیر گذارد. این امور نباید موجب اندوه گردد زیرا حضرت بهاء الله مسرت الهی را به شما عنایت فرموده؛ مائده آسمانی مرحمت فرموده و موهبت ابدی مقدر فرموده است. ^(۲) (ترجمه)

۴۱ - مسرور و مجبور باش و به حمد و ثنای الهی قیام کن تا شکر و سپاست موجب تزاید مواهب الهیه گردد. ^(۳) (ترجمه)

۴۲ - سعادت عالم انسانی به اخلاق رحمانیست. (متخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۴)

۴۳ - سرور قلب انسان به محبت الله است؛ بشارت روح انسان به معرفت الله است؛ اگر قلب انسان به خدا تعلق نیابد به چه چیز خوش گردد؟ اگر امید به خدا نداشته باشد، به چه چیز این حیات دو روزه دنیا دل بندد؟ (خطابات، ج ۱، ص ۱۹۵ / ج ۳، ص ۱۴۲)

۴۴ - فخر عالم انسانی نیل به سعادت روحانی در جهان بشری و کسب معرفت و محبت الهی است... اگر سعادت مادی با سرور و رضایت روحانی توأم شود، بد قول عربها «سرور فوق سرور» است. ^(۴)

۱ - Chosen Highway, p. 166

۲ - Promulgation, p. 188

۳ - Tablets, vol. 2, p. 483

۴ - Promulgation, p. 166

(ترجمه)

- ۴۵ - همیشه مقصودتان این باشد که دلی را مسرور کنید. (خطابات، ج ۲، ص ۳۴۴)
- ۴۶ - هر نفسی سبب کدورت دیگری شود نزد خدا گناه کار است. خدا جمیع قلوب را مسرور می خواهد. (همان، ص ۳۴۳)
- ۴۷ - ... قلوبتان محل تجلی انوار شمس حقیقت گردد، افکارتان وسیع شود و مقامتان رفیع گردد ... باید بکوشیم تا اول خود کسب فیوضات ملکوتیه نماییم، حیات ابدیه یابیم تا بتوانیم روح به امم عالم دهیم جان به جهانیان بخشیم. (همان، ص ۳۳۲)
- ۴۸ - ... هر دلی را به نهایت رأفت ممنون و مسرور نمایید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۳۲)
- ۴۹ - فرخنده نفسی که در این عصر نورانی اقتباس تعالیم آسمانی کند و خجسته قلبی که از محبت الله اهتزاز و انجذاب یابد. (همان، ص ۳۶)
- ۵۰ - در ظلمت امکان شعله نورانی باشید. (همان، ص ۲۵۷)
- ۵۱ - سعادت عالم انسانی در وحدت و یگانگی است. (همان، ص ۲۷۵)
- ۵۲ - انسان فی الحقیقه موجودی روحانی است و فقط وقتی در روح زندگی می کند مسرور است. ^(۱) (ترجمه)
- ۵۳ - ... روح شما غلبه بر نفس نماید تا نفوستان نفوس قدسیه شود، تا کمالات آسمانی در تمام ظاهر شود، پرتو شمس حقیقت در شما طلوع کند، در انجمن عالم به رفتار و گفتاری مبعوث شوید که شمع عالم گردید. (خطابات، ج ۳، ص ۱۱۹)
- ۵۴ - اگر قلب انسان به خدا تعلق نیابد به چه چیز خوش گردد؟ (همان، ص ۱۴۳)
- ۵۵ - انسان ... وقتی که در حبس عالم طبیعت دلتنگ می شود به فکر پرواز به عالم روح می افتد مسرور می شود؛ وقتی که حیات جسمانی مختل باشد به فکر حیات ابدیه افتد ممنون می شود. (همان، صص ۱۴۸ - ۱۴۹)
- ۵۶ - سعادت بشریه در تقرب درگاه کبریا و راحت و آسایش اعلی و ادنی از افراد هیأت عمومیه است. (رساله مدنی، ص ۷۱)
- ۵۷ - نورانیت امکان به دیانت است و ترقی و فوز و سعادت خلق در متابعت احکام کتب مقدسه الهیه. (همان، ص ۸۴)
- ۵۸ - ای خوشحال نفسی که خیر ذاتی خود را فراموش نموده چون خاصان درگاه حق گوی همت را در میدان منفعت جمهور افکنده. (همان، ص ۱۳۷)
- ۵۹ - اول موهبت الهیه در عالم انسانی دین است. زیرا دین تعالیم الهی است. البته تعالیم الهیه بر

جميع تعاليم مقدّم و فائق است. دين انسان را حيات ابدى دهد؛ دين خدمت به عالم اخلاق كند، دين دلالت به سعادت ابدية نمايد؛ دين سبب عزت قديمه عالم انسان است. (خطابات، ج ۲، ص ۳۰۷)

۶۰ - اگر در اين موسم سرور و شادمان نباشيم، پس منتظر چه فصل و موسمی باشيم و در جستجوی چه وقت و زمانی بر آئيم؟^(۱) (ترجمه)

۶۱ - جميع رويها سياه است مگر وجهی که نور محبت الله در او منعكس گردد.^(۲) (ترجمه)

۶۲ - من چهل سال در حبس بودم با آنکه تحمّل يك سال ممكن نبود. هر نفسی را به آن حبس می آوردند يك سال بیشتر زندگانی نمی كرد. از غم و غصه هلاک می شد. لكن من الحمد لله در اين چهل سال در نهايت سرور بودم. هر صبح بر می خاستم مثل اينکه يك بشارت جديد به من می رسد. هر شب تاريک می شد، نور سرور در قلب می افزود. احساسات روحانی تسلی خاطر و توجه به خدا سبب روح وريحان. (خطابات، ج ۳، ص ۱۴۹)

۶۳ - هيچ چيز بجز نوری که از ملکوت الهی می تابد قلب انسان را روشن نمی سازد.^(۳) (ترجمه)

۶۴ - سرور انسان به نفحات محبت الله است.^(۴) (ترجمه)

۶۵ - عبدالبهاء في فرح و سرور و بهجة و بشارة كبرى (منتخبات مكاتيب، ج ۱، ص ۲۳۳)

۶۶ - سرور شفاي اعظم برای نفوس بیمار است.^(۵) (ترجمه)

۶۷ - عبدالبهاء ابدأ دل کسی را آزرده نخواهد و سبب حزن قلبی نشود زیرا موهبتی اعظم از آن نیست که انسان سبب سرور قلوب گردد. (منتخبات مكاتيب، ج ۱، ص ۱۹۸)

۶۸ - اعلمی ان التبليغ انما بالاعمال الملكوتية و الاخلاق الرحمانية و البيان الواضح المبين و البشارات الواضحة الساطعة من وجه الانسان عند النطق و البيان (همان، ص ۱۷۱)

۶۹ - لذات روحانية همیشه مورث سرور است. عشق الهی سبب سرور بی منتهی است. اينها في نفسه سرور و شادمانی اند نه مسکن و مسلی^(۶) (ترجمه)

۷۰ - انسان ... وقتی که به مصائب عالم ناسوت گرفتار شود به فکر لاهوت تسلی يابد. (خطابات، ج ۳، ص ۱۴۸)

۷۱ - اعظم شرف انسان و سعادت كليته عالم امکان عزت نفس و همت بلند و مقاصد ارجمند و عصمت فطريه و عفت خلقيه است. (رساله مدنيه، ص ۲۵)

Tablets, vol. 3, p. 641 _ ۱

ibid, vol. 2, p. 244 _ ۲

Tablets, vol. 1, p. 53 _ ۳

Promulgation, p. 185 _ ۴

ibid, p. 204 _ ۵

Star of the West, vol. 7, p. 155 _ ۶

۷۲ - از احساسات روحانیه هیچ ضرر و زیانی و غصه و غمی از برای انسان حاصل نمی شود. حال جمیع بشر معرض غم و غصه و ملال هستند، انسانی نیست که از برای او حزن و الم و مشقت و زحمت و تعب و خسارت حاصل نشود. چون این احزان از مادیات حاصل می شود چاره نیست جز اینکه رجوع به روحانیات کنیم. وقتی که از مادیات نهایت تنگدلی حاصل گردد انسان توجه به روحانیات می کند زائل می شود. (خطبات، ج ۳، ص ۱۴۷)

۷۳ - روح انسان هر جا که باشد باید مسرور باشد. انسان باید به آرامش و سعادت باطنی نائل شود در این صورت شرایط و اوضاع ظاهره بر مسرت و سکون روحانی او تأثیری نخواهد گذاشت. ^(۱) (ترجمه)

۷۴ - مطمئن و مسرور باش. ^(۲) (ترجمه)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرماید:

۷۵ - من اریح طیب بهجتک فارسلی یا مطلوبی (مناجاة، ص ۱۷۳)

حضرت باب می فرماید:

۷۶ - ایرد صدورنا لحبک و رضائک و افرغ علینا الضبر فی مرضاتک و امضائک (منتخبات آیات، ص ۱۵۳)

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

۷۷ - ... ان تدرك احبائک بفیوضات رحمانیتک ... حتی ینکشف غم' الغموم عن قلوبهم و تسکن زفرات الحسرات من صدورهم و تخف امواج العبرات من عیونهم و تطیب بظهور الطافک نفوسهم (مجموعه مناجات چاب آلمان، نشر دوم، ص ۳۷۸)

۷۸ - رب أنسهم فی وحدتهم و اکشف عنهم کربتهم ... حتی یستریحوا فی ظل شجرة رحمانیتک عن کل آفة و عاهة و مصیبة دهما و درية عمیا (همان، ص ۳۷۸)

۷۹ - رب أنهم تحمّلوا کل ذلة فی سبیلک فاجعلهم اعزاء فی ملکوتک و صبروا علی کل مشقة فی حبک فارزقهم الراحة و المسرة فی ساحة قدسک (همان، ص ۳۸۳)

۸۰ - ای یزدان پاک ... این عبد حزین را در سایه شجره سرور مأوی بخش. (همان، ص ۳۹۵)

۸۱ - ای رب ... فرح روحی بشارتک المحیبة للارواح یا مالک الملک و الملکوت (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۷۱)

۸۲ - الھی الھی انلنی کأس الانقطاع ورنحنی بصهباء محبتک فی محفل التجلی و الاحسان (همان)

۸۳ - هو الله ای بخشنده مهربان باران رادل و جان شادمان کن و روح و وجدان جنت رضوان فرما، در

هر دمى تأييدى جديد بخش و در هر نفسى نفسى رحمانى بفرست؛ نفوس را آيات هدى كن و وجوده را سُرُج ملاء اعلیٰ. زبانهها گویا كن و گوشها شنو! نما تا ترتیل آيات تقدیس كنند و استماع الحان بدیع از ملكوت جدید. هر يك را كوكبى كن و از افق موهبت كبرى درخشنده فرما تا از مشرق هدى بر قرون و اعصار بتابد. تویی مقتدر و عزیز و بخشنده و درخشنده و دانا. لا اله الا انت العزيز المستعان ع
(همان، ص ۴۰۸)

بخش سی و پنجم

تسلط بر نفس

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - قال این الجنة و النار قل الاولى لقانی و الاخری نفسک (لوح اشراقات - مجموعه اشراقات، ص ۶۸)
- ۲ - ... به حجاب نفس خود چنان محتجب ماندی که چشمت به جمال دوست نیفتاد ... (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۲۲)
- ۳ - شمع دلت بر افروخته دست قدرت من است آن را به بادهای مخالف نفس و هوای خاموش مکن ... (همان، فقره ۳۲)
- ۴ - قفس بشکن ... و از نفس بگذر (همان، فقره ۳۷)
- ۵ - ای اغنیای ارض فقراء امانت مند در میان شما. پس امانت مرا درست حفظ نمایند و به راحت نفس خود تمام نپردازید. (همان، فقره ۵۳)
- ۶ - یا ابن البشر إن تحب نفسی فاعرض عن نفسک و ان ترد رضائی فاعمض عن رضائک لتکون فی فانیاً و اکون فیک باقیاً (کلمات مکتونه عربی، فقره ۷)
- ۷ - یا ابن الروح ما قدر لك الراحة إلا باعراضك عن نفسک و اقبالک بنفسی لانه ینبغی ان یکون افتخارک باسمی لا باسمک و اتکالک علی وجهی لا علی وجهک لانی و حدی احب ان اکون محبوباً فوق کل شیء (همان، فقره ۸)
- ۸ - قد حبس جسدی لعنق انفسکم (لوح اقدس - آثار قلم اعلی، ج ۱، ص ۱۴۰)
- ۹ - طوبی لجائع هرع عن الهوی لهوائی و حضر علی المائدة الّتی نزلناها من سماء فضلی لاصفیائی (همان، ص ۱۴۳)^۱
- ۱۰ - به خود مشغول نباشید، در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید. اصلاح عالم از اعمال طیبیه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده. (لوح دنیا - دریای دانش، ص ۸۷)
- ۱۱ - طوبی لمن اختار اخاد علی نفسه. (کلمات فردوسی - مجموعه اشراقات، ص ۱۲۶)
- ۱۲ - لاتتبعوا الهوائکم ان انتم تسمعون (مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۱۵۲)
- ۱۳ - از خود بگذرید و در سایرین نگرید. (افتدارات، ص ۲۲۲)
- ۱۴ - ای قوم به قوت ملکوتی بر نصرت خود قیام نمایند که شاید ارض از احسانم ظنون و اوهام که فی الحقیقه سبب و علت خسارت و ذلت عباد بیچاره اند پاک و طاهر گردد. (لوح دنیا - دریای دانش، ص ۸۷)
- ۱۵ - عالم بین باشید نه خود بین. (همان، ص ۸۸ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۹)

- ۱۶ - به حجاب نفس خود را محتجب مسازید. (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۸۶)
- ۱۷ - اینکه از حقیقت نفس سؤال نمودید ... آنها اول شیء حکى عن الله موجدہ و اقبل اليه و تمسک به و سجد له در این صورت به حق منسوب و به و راجع و من غیر آن به هوی منسوب و به و راجع. (مانده آسمانی، ج ۸، ص ۱۸۹)
- ۱۸ - دوست بین باشیده نه خود بین. (دریای دانش، ص ۴۰ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۵۶)
- ۱۹ - طوبی ... لغنی انفق و اثر (اقتدارات، ص ۲۹۳)
- ۲۰ - خَلَصُوا انفسکم یا قوم ثم طهروها عن التوجه الی غیرى و بذکری يطهر کل شیء ان انتم من العارفين (منتخبات، ص ۱۸۹)
- ۲۱ - ان الذين یرتکبون البغی و الفحشاء اولئک ضل سعيهم (همان، ص ۱۹۰)
- ۲۲ - قلب خزینة من است لئالی مکتونه آن را به نفس سارقه و هوس خائن مسپار. (لوح احمد فارسی - دریای دانش، ص ۱۱۳ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۱۷)
- ۲۳ - لا تتبع هویک فی امر (سورة الملوک - مجموعه الواح ملوک، ص ۶۳)
- ۲۴ - ای اجبای حق از مفازه ضيقه نفس و هوی به فضاهاى مقدسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید. (اقتدارات، ص ۳۲۴)
- ۲۵ - خالصاً لوجه المحبوب حجبات نفسانیه را به نار احدیه محترق نماید و با وجوه ناظره مستبشره با یکدیگر معاشرت کنید. (اقتدارات، ص ۲۱۶ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۳۰)
- ۲۶ - معنی فنای از نفس و بقاء بالله آنست، که هر نفسی خود را در جنب اراده حق فانی و لاشیء محض مشاهده نماید. (لوح شیخ فانی - گنج شایگان، ص ۱۷۷)
- ۲۷ - این مقام (فناى از نفس) اعظم از مقامات بوده و خواهد بود. (لوح شیخ فانی - گنج شایگان، ص ۱۷۸)^(۱)
- ۲۸ - ... از نفس بیگانه شو تا به یگانه پی بری. (هفت وادی - آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۰۱)
- ۲۹ - ما من حسنة الا من عند الله و ما من سيئة الا من انفسکم (منتخبات، ص ۱۰۱)
- ۳۰ - اگر نفس ناری غلبه نماید به ذکر عیوب خود مشغول شوید نه به غیبت خلق من زیرا که هر کدام از شما به نفس خود ابصر و اعرفید از نفوس عباد من. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۶۵)
- ۳۱ - جهد کنید تا اعمال از غبار ریا و کدورت نفس و هوی پاک شود و به ساحت عز قبول در آید. (همان، فقره ۶۸)
- ۳۲ - از غلاف نفس و هوی بیرون آی تا جوهر تو بر عالمیان هویدا و روشن آید. (همان، فقره ۷۱)

۱ - توضیح مترجم: این سطر در گنج شایگان سهواً حذف شده، از صفحه ۲۱۷ منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله نقل شده.

- ۳۳ - نبی از انبیاء الله عرض نمود الهی کیف الوصول الیک قال الق نفسک تمّ تعال (چهارم وادی - آثار فلم اعلی، ج ۳، ص ۱۴۷)
- ۳۴ - صلاح عالم را ملاحظه نمایند نه هوای نفس را (لوح شیخ نجفی، ص ۲۲)
- ۳۵ - امید آنکه به همت آنجناب اجنحه عباد از طین نفس و هواء طاهر شود و قابل طیران در هواء محبت الهی گردد. پره‌های به طین آلوده قادر بر طیران نبوده و نیست. (لوح شیخ نجفی، ص ۹۶)
- ب - بیانات حضرت اعلی
- ۳۶ - در حین ظهور آن که می شود، کل نظر به خود می کنند و از او محتجب می مانند. (منتخبات آیات، ص ۶۴)
- ج - بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۳۷ - وقتی کسی از حبس نفس آزاد شود به آزادی واقعی نایل شده است؛ زیرا نفس بزرگترین زندان است. ^(۱) (ترجمه)
- ۳۸ - تا تو انید از خود بکلی بیزار شوید و گرفتار آن روی پر انوار. (منتخبات مکاتیب، ج ۲، ص ۷۴)
- ۳۹ - این امتحان ... زنگ انانیت را از آئینه دل زائل نماید ... هیچ حجابی اعظم از انانیت نیست. (همان، ص ۱۷۸)
- ۴۰ - اگر خواهی از خمر موهبت عظمی مخمور و مست گردی، از عالم منقطع شو و از نفس و هوای بگذر. ^(۲) (ترجمه)
- ۴۱ - اگر کأس وجودمان مملو از اغراض نفسانیه باشد دیگر برای ماء حیات جایی نمی ماند. (بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۲۶)
- ۴۲ - از نفس تبعیت نکنید. ^(۳) (ترجمه)
- ۴۳ - وقتی نفوس از هم فاصله گیرند و خودخواه و خودبین شوند، مواهب الهیه نازل نگردد و انوار ملاء اعلی منعکس نشود حتی اگر اجسام با یکدیگر تلاقی نمایند. آئینه‌ای که پشت به آفتاب کند، نمی تواند تابش و درخشش خورشید را منعکس نماید. ^(۴) (ترجمه)
- ۴۴ - خلاصی از حب نفس، خصیصه‌ای عجیب و وسیله نابودی بسیاری از نفوس مهمه در عالم است. اگر انسان موهوب به صفات حسنه اما خودخواه باشد، تمام فضائل دیگر ضعیف می شود یا نابود می گردد و نهایتاً به صفات سینند تبدیل خواهد شد. ^(۵) (ترجمه)

۱ - Divine Art of Living, p. 70

۲ - Tablets, vol. 3, p. 511

۳ - Baha'i World Faith, p. 434

۴ - Promulgation, p. 4

۵ - Tablets, vol. 1, p. 136

- ۴۵ - هیچ حجابی اعظم از انانیت نیست. هر چند آن حجاب رقیق باشد، عاقبت انسان را بکلی محتجب و از فیض ابدی بی نصیب نماید. (متخاتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۷۸)
- ۴۶ - مقصود از ظهور آنها (مظاهر الهیه)، تعالیمشان و تحمّل مصائبشان آزادی انسان از نفس خویش است. (ترجمه)
- ۴۷ - هر انسان ناقصی خودپرست و در فکر راحت و منفعت خویش است. (متخات مکاتیب، ج ۱، ص ۶۶)
- ۴۸ - ... اگر به شائبه هوی و هوس و خودپرستی منسوب، یقین است که مساعی عاقبت بی نتیجه ماند و محروم و مایوس گردد. (همان، ص ۶۹)
- ۴۹ -
- ۵۰ - انسان تا به مقام فدا قدم نهد از هر موهبتی محروم گردد و مقام فدا مقام فنا و نیستی است تا هستی الهی جلوه نماید. (همان، ص ۷۴)
- ۵۱ - اما مقصود از اینکه انسان بکلی خود را فراموش نماید این است که به سر فدا قیام نماید و آن محویت احساسات بشریه است و اضمحلال اخلاق مذمومه که ظلمات کونیه است نه اینکه صحت جسمانی مبدل به ضعف و ناتوانی شود. (همان، ص ۱۷۶)
- ۵۲ - این امتحان ... زنگ انانیت را از آئینه دل زائل نماید تا آفتاب حقیقت در آن بدرخشد زیرا هیچ حجابی اعظم از انانیت نیست و هر چند آن حجاب رقیق باشد عاقبت انسان را بکلی محتجب و از فیض ابدی بی نصیب نماید. (همان، ص ۱۷۸)
- ۵۳ - در سبیل خدا جانفشانی کن. (همان، ص ۱۹۲)
- ۵۴ - واما معنی الكلمات المکنونة الذال علی ان الانسان یترک نفسه المراد انه یترک شهواته النفسانية و حاسیاته البشریة و اغراضه الشخصیة و یطلب النّفحات الزّوچانیة و الانجذابات الوجدانیة و یتغرق فی بحر الفدا منجذباً الی الجمال الابهی (همان، ص ۲۰۱)
- ۵۵ - ... ان لا یطلب نفسه فی هذه الدّنيا الفانیة شیئاً فینقطع ای یفدی نفسه بجمیع شئونها. (همان، ص ۲۰۲)
- ۵۶ - جمیع افکار نفسانیه را ترک کن و جهد نما تا در مقابل اراده حق مطیع و تسلیم باشی. (ترجمه)
- ۵۷ - نظر به قوت و قدرت خودتان نکنید؛ قلب را فارغ و روح را مستبشر کنید. توجه به ملکوت ابهی نموده فیوضات نامتناهی طلبید. (خطابات، ج ۳، ص ۱۳۰)
- ۵۸ - ممکن نیست که نفوس از منافع ذاتیه خود چشم پوشند و خیر خود را فدای خیر عموم نمایند الا

Promulgation, p. 186 - ۱

Paris Talks, p. 54 - ۲

بد تدین حقیقی. چه که در طینت انسان محبت ذاتیه خود مخمر ... (رساله مدنیه، ص ۱۱۴)

۵۹ - قلب ... ودیعه ربانیه است اورا از آرایش خودپرستی پاک و مقدس نموده ... (همان، ص ۱۳۷)

۶۰ - فکر خویش را کنار بگذاریم و از کم و بیش چشم پوشیم؛ نه اظهار تآلم نماییم نه بهتان تظلم؛ بکلی خود را فراموش نماییم و از خمر عنایت و فنا در جمال ابهی پر جوش و خروش شویم. (منتخبات مکاتب، ج ۱، ص ۲۲۹)

۶۱ - شمع را ملاحظه کنید چگونه نور می بخشد. زندگی اش را قطره قطره چون اشک فدای کند تا شعله نورانی عطا نماید. " (ترجمه)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرمایند :

۶۲ - الهی الهی ... اسئلک یا محبوب افئدة العارفين و مقصود المقربین ان تجعل اولیائک منقطعین

عن اراداتهم متمسکین بارادتک (کلمات فردوسی - مجموعه اشراقات، ص ۱۱۴)

۶۳ - اذا اسئلک بنفسک العلنی الاعلی بان لاتدعنی بنفسی و هوای (مناجاة، ص ۱۷۱)

حضرت اعلی می فرمایند :

۶۴ - ای رب لاتدعنی بنفسی و لاتجعلنی محروماً عن عرفان مظهر نفسک و لاتکتبنی من الذینهم

غفلوا عن لقائک (منتخبات آیات، ص ۱۵۴)

۶۵ - ای رب خلصنی من نار الجهل والهوی (همان، ص ۱۵۵)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

۶۶ - الهی الهی احفظ عبادک الامناء من شر النفس والهوی و احرسهم بعین رعایتک من الحقد و

الحسد و البغضاء و ادخلهم فی حصن حصین کلائتک من سهام الشبهات و اجعلهم مظاهر آیاتک

البینات (الروح و صایا - ایام تسعه، ص ۴۶۴)

۶۷ - حَقَّقْنی بالفناء فی فناء باب الوهیتک و اعننی علی المواظبة علی الانعدام فی رحبة ربوبیتک. ای رب

اسقنی كأس الفناء و البسنی ثوب الفناء و اغرقنی فی بحر الفناء (مناجات لقاء - ایام تسعه، ص ۵۳۰)

۶۸ - خدایا تأیید کن نصرت فرما. ما را غالب بر نفس و هوای کن و از عالم طبیعت نجات ده. (خطابات،

ج ۲، ص ۳۳۳)

۶۹ - ... ای خداوند نادانم و به گمان خویش گرفتار چاره ای کن و این افتاده را از نفس اماره نجات

بخش. هر دم و سوسه ای نماید و در هر نفس دام تازه ای نهد. ای خداوند تو نجات بخش و رهایی ده و

به نجات قدس خویش چاره ای کن شاید این دل از عالم آب و گل رهایی یابد و در اوج رحمانی پروازی

نماید و به روح انقطاع بیاساید. ع ع (مجموعه مناجات چاپ آلمان، نشر دوم، ص ۲۱۶)

بخش سی و هشتم

صبر و بردباری

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - اصبر ان ربك هو الصبار (لوح شیخ نجفی، ص ۹۸)
- ۲ - لكل شيء علامة و علامة الحب الصبر في قضائي و الاضطبار في بلائي (كلمات مكنونه عربی، فقره ۴۸)
- ۳ - فطوبى للصابرين الذين يصبرون في البأساء و الضراء و لن يجز عوا من شيء و كانوا على مناهج الصبر لمن السالكين (سورة الملوك - مجموعه الواح ملوك، ص ۲۸)
- ۴ - انه يزيد اجر الصابرين (همان)
- ۵ - اعمال و افعال حق مشهود و ظاهر چنانچه در جميع كتب سماويه نازل و مسطور است مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حق و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعة بما قدر له و الصبر في البلیا بل الشکر فیها و التوکل علیه فی كل الاحوال. این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند حق مذکور ... (افتدارات، ص ۱۶۲)
- ۶ - شأن صابرين از فقراء عند الله عظیم بوده. (افتدارات، ص ۲۹۲)
- ۷ - طوبی لفقیر صبر و نہ تر (همان، ص ۲۹۳)
- ۸ - عليك لمن الصابرين ... ان اصبروا في كل الامور و توكلوا على الله و كونوا من المتوكلين (منتخبات، صص ۱۹۰ - ۱۸۹)
- ۹ - انه يوفى اجور الصابرين (سورة الملوك - مجموعه الواح ملوك، ص ۴۸)
- ۱۰ - ان يستبكم احدا و يمستكم ضر في سبيل الله اصبروا و توكلوا على السامع البصير (لوح شیخ نجفی، ص ۱۹)
- ۱۱ - لنا ان نصبر في كل ذلك حتى يأتي الفرج من الله الغفور الكريم (لوح مقصود، ص ۲۶)
- ۱۲ - فاعلموا بان البلیا و المحن لم یزل كانت موكلة لاصفياء الله و احبائه ... فطوبی للصابرين الذين يصبرون في البأساء و الضراء و لن يجز عوا من شيء و كانوا على مناهج الصبر لمن السالكين (سورة الملوك - مجموعه الواح ملوك، ص ۲۸)
- ۱۳ - اصبروا اذا فقدتم. ان بعد كل شدّة رخاء و مع كل كدر صفا. (لوح حکمت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۸)
- ۱۴ - ... مسافر در این سفر به جایی نرسد و به مقصود و اصل نشود و باید هرگز افسرده نگردد؛ اگر صد هزار سال سعی کند و جمال دوست نبیند پژمرده نشود. (هفت وادی - آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۹۶)

۱۵ - (سالک) اگر ظلمی بیند صبر نماید و اگر قهر بیند مهر آرد. (همان، ص ۱۰۴)

ب - بیانات حضرت اعلی

۱۶ - ... اصبر حتی تشهد خلق الاخر (بیان مبارک خطاب به ملا عبدالکریم قزوینی کاتب البیان، منقول در

لوح شیخ نجفی، ص ۱۱۳)

۱۷ - تلك حيوۃ تفتنى و كل نفس تنصرم الى الله ربى و انه ليوفى اجور الذين صبروا احسن الذى كانوا

يصنعون. (منتخبات آیات، ص ۱۱۳)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۱۸ - ... در آتش امتحان مانند ذهب خالص رخ برافروختید و در نائرة ظلم و جفای ستمکاران سوختید

و ساختید و هر مؤمنی را رسم و آداب ثبوت و استقامت آموختید. صبر چنین است و قرار چنان ... (نار و

نور، بخش دوم، شماره ۶۰)

۱۹ - شکر کن خدا را که چنین در امتحان افتادی صبور باش و شکور باش (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص

۲۳۱)

۲۰ - باید یاران ... صبر و تحمل نمایند. (همان، ص ۲۲۶)

۲۱ - الحمد لله بنده عزیز الهی در شرایط مصیبت بار صبور است و به جای شکایت شکور است.^(۱)

(ترجمه)

۲۲ - با وجود این تا توانی با خرمت مدارا کن شاید منقلب گردد و قلبش منور شود. (منتخبات مکاتیب،

ج ۱، ص ۱۱۸)

۲۳ - در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید. (همان، ص ۷۱)

۲۴ - امیدوارم که نهایت صبر و سکون و رضای به قضا از برای شما حاصل گردد. (همان، ص ۱۹۴)

۲۵ - در موارد مصائب و شداید صبر عظیم نشان دهید.^(۲) (ترجمه)

*** **

حضرت بهاء الله می فرمایند:

۲۶ - ای رب وفقهم على الصبر والاصطبار (لوح شیخ نجفی، ص ۲۷)

حضرت اعلی می فرمایند:

۲۷ - رب اجز الذين هم يصبرون في ايامك و اثبت افئدتهم على صراط حق قويم (منتخبات آیات، ص

۱۵۰)

۱ - Tablets, vol. 2. p. 263

۲ - Tablets, vol. 1. p. 98

حضرت عبدالبهاء می فرماید :

٢٨ - هو الله اى رب ايدنى على التقى واحفظنى من الهوى وخلصنى من الشقى وثبتنى على الوفاء و
ادخلنى فى جنت الرضاء ونجنى من بئر نفس و شهواتها واحرسنى بعين عنايتك و كلاتك فى هذه
الذنيا انت الشديد القوى وانك انت المقتدر القدير ع (مجموعه مناجات طبع آلمان، نشر دوم، ص ٤٣٥)

بخش سی و هفتم

عفو و بخشش

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - توبوا یا قوم عما فرّطتم فی جنب الله ... ولاتکونن من الجاهلین (لوح اشرف - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۱۲)

۲ - باید عاصی در حالتی که از غیر الله خود را فارغ و آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آمرزش کند. نزد عباد اظهار خطایا و معاصی جایز نه چه که سبب و علت آمرزش و عفو الهی نبوده و نیست و همچنین این اقرار نزد خلق سبب حقارت و ذلت است و حق جل جلاله ذلت عباد خود را دوست ندارد. آنه هو المشفق الکریم. عاصی باید مابین خود و خدا از بحر رحمت، رحمت طلبد و از سماء کرم مغفرت مسئلت کند ... (لوح بشارات - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۱۱۹)

۳ - از خاطنان در گذرد و طلب مغفرت نماید و بر عاصیان قلم عفو در کشد و به حقارت ننگرد زیرا حسن خاتمه مجهول است. (ایقان، ص ۱۵۰)

۴ - اجعلوا ... شیمکم العفو و الفضل ... (لوح حکمت - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۳۹)

۵ - من قال فی عکا استغفر الله غفر الله ذنوبه کلها ... (لوح شیخ نجفی، ص ۱۳۴)

ب - بیانات حضرت اعلیٰ

۶ - سلام علی الذین یستغفرون الله ربک ثم یقولون ان الحمد لله رب العالمین (متخبات آیات، ص ۸)

۷ - ان الله لا یغفر ان یشکر به و یغفر دون ذلك لمن یشاء (همان، ص ۳۲)

۸ - ان تتبعوا امر الله لغفر لکم خطیئاتکم ... (همان، ص ۴۱)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۹ - اگر کسی نسبت به شما خطایی یا ظلمی مرتکب شد، باید بلافاصله او را عفو کنید. ^(۱) (ترجمه)

۱۰ - به قصور کس نظر ننمایید، جمیع را به نظر عفو ببینید زیرا چشم خطابین نظر به خطا کند. (خطابات، ج ۲، ص ۵۹)

۱۱ - جهد کنید که اگر نفسی صد هزار مرتبه خطا کند باز هم ممکن است با این امید به شما توجه کند که شما گناهانش را ببخشید زیرا نباید مأیوس شود یا محزون و افسرده گردد. ^(۲) (ترجمه)

۱ - Promulgation, p. 453

۲ - Tablets, vol. 2, p. 436

حضرت بهاء الله می فرماید :

۱۲ - ای رب فاغفر لی جریراتی الّتی منعتنی عن السلوک فی مناہج رضائک والورود فی شاطئ بحر احدیتک (مناجات، ص ۲۵)

۱۳ - ای رب ... اسألك ... ان تغفر لی وارحمنی ... (لوح شیخ نجفی، ص ۱۴)

۱۴ - یا الہی اسئلک ... بان تغفر لی ولابوی وذوی قرابتی والمؤمنین من اخوانی (لوح زیارت بیت بغداد - ادعیه حضرت محبوب، ص ۹۹)

۱۵ - ای رب ... سرعت الی شاطئ غفرانک وسكنت فی ظلّ خیام مکرمتک (متخبات، ص ۱۹۹)
حضرت اعلیٰ می فرماید :

۱۶ - استغفرک كما انا قد قصرت عن معرفتک وعن سبیل سلوک محبتک . (متخبات آیات، ص ۱۵۰)

۱۷ - سبحانک اللّهم یا الہی ... انک لکننت غفار العالمین ... (همان، ص ۱۰)

۱۸ - ربّنا ... اعف عنّا ما اکتسبنا وکفر عنّا سیئاتنا واصفح عنّا بجمیل صفحک (همان، ص ۱۲۶)

۱۹ - انک یا الہی تعلم سیئاتنا لاسواک استغفرک عن کلّ ما لاتحبّ (همان، ص ۱۴۴)

۲۰ - ربّ اغفر لی مقامات غفلتی عنک (همان، ص ۱۴۵)

حضرت عبدالجہاء می فرماید :

۲۱ - پروردگارا آمرزگارا این بندگان را پناه تویی واقف اسرار و آگاه تویی جمیع ما عاجزیم و تو مقتدر و توانا جمیع ما گنہکاریم و تویی غافر الذنوب و رحیم و رحمن . پروردگارا نظر به قصور ما منما، به فضل و مہبت خویش معاملہ کن . خطا ما بسیار است ولکن تأیید و توفیق تو آشکار ... (خطابات، ج ۲، ص ۱۳۷)

بخش سی و هشتم

سکون و آرامش

الف - بیانات حضرت اعلی

۱ - لا یضعفک من شیءٍ ولا ما قضی هنالک فی ذلک الامر (منتخبات آیات، ص ۱۵۱)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۲ - لا تضطر بوا من شیءٍ فی حال من الاحوال کونوا کالجبال الزاسیات ... (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳۳)

۳ - ... با وجود این باز آواره مسجون در نهایت استقرار و سکون و متوکل بر حضرت بیچون و آرزوی هر بلا و ابتلائی در سبیل محبت الله می نماید. تیر جفا دژ عطاست و زهر قاتل شفای عاجلست. (همان، ص ۲۳۵)

۴ - ... قلوب مطمئن به ذکر الله بود و جانها غذای روحانی داشت. (تذکره الوفا، ص ۱۲۷)

۵ - از احساسات روحانیه هیچ ضرری و زیانی و غصه و غمی از برای انسیان حاصل نمی شود ... (خطابات، ج ۱، ص ۱۹۸)

۶ - وقتی که از مادیات تنگدلی حاصل گردد، انسان توجه به روحانیات می کند زائل می شود ... وقتی که به مصائب عالم ناسوت گرفتار شود به فکر لاهوت تسلی می یابد. (همان، ص ۱۹۹)

بخش سی و نهم

رضایت و قناعت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - اصل العزّة هی قناعة العبد بما رزق به والاكتفاء بما قدر له (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۱)
- ۲ - اصل كل الخير هو الاعتماد على الله والانقياد لامره والرضا لمرضاته (همان، ص ۴۰)
- ۳ - استشهد فی سبیلی راضياً عنی و شاکراً للقضائی ... (کلمات مکتونه عربی، فقره ۴۵)
- ۴ - در امورات خود آن جناب هم هر چه پیش آید موافق داند محبوب است. (لوح مقصود، ص ۲۴)
- ۵ - ان الزم القناعة فی كل الاحوال بها تسلم النفس من الكسالة وسوء الحال. ان اجتنب الهمم والغم بهما يحدث بلاء ادهم. قل الحسد ياكل الجسد والغيظ يحرق الكبد ان اجتنبوا منهما كما تجتنبون من الاسد. (لوح طب - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۲۳)
- ۶ - اكف بنفسی عن دونی و لاتطلب معیناً سوائی لانّ ما دونی لن يكفيك ابداً (کلمات مکتونه عربی، فقره ۱۷)
- ۷ - لاتطلب منی ما لاتحبّه لنفسك ثم ارض بما قضينا لوجهك لانّ ما ينفعك هذا ان تكن راضياً (همان، فقره ۱۸)
- ۸ - ان لا يصيبك البلاء فی سبیلی كيف تسلك سبل الرّاضين فی رضائی (همان، فقره ۵۰)
- ۹ - فارض عنی ثم اشكر لی (همان، فقره ۷۰)
- ۱۰ - حرص را باید گذاشت و به قناعت قانع شد، زیرا که لازال حریص محروم بوده و قانع محبوب و مقبول (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۴۹)
- ۱۱ - فقر از ماسوی الله نعمتی است بزرگ حقیر مشمارید. زیرا که در غایت آن غنای بالله رخ بگشاید. (همان، فقره ۵۰)
- ۱۲ - اعمال و افعال حق مشهود و ظاهر چنانچه در جمیع کتب سماویّه نازل و مسطور است مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حق و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعة بما قدر له و الصبر فی البلايا بل الشکر فیها و التوکل علیه فی كل الاحوال این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند حق مذکور و دیگر مابقی احکام فروغیّه در ظل آنچه مذکور شد بوده و خواهد بود. (افتدارات، ص ۱۶۲)
- ۱۳ - هر امری که قلب را راحت نماید و بر بزرگی انسان بیفزاید و ناس را راضی دارد مقبول خواهد بود. (دریای دانش، ص ۱ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۰۴)
- ۱۴ - نعمتهای باقیه را نگذارید و بد اشیای فانی قانع نشوید. (دریای دانش، ص ۲۹ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۳۵)

۱۵ - پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزّه در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوبست فارغ باش تا به فراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقرّ یابی. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۴۳)

۱۶ - ... اودعت فیک جوهر نوری فاستغن به عن کل شیء لانّ صنعتی کامل و حکمی نافذ (کلمات مکتونه عربی، فقره ۱۲)

۱۷ - به راحت یومی قانع مشو ... (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۳۸)

ب - بیانات حضرت اعلیٰ

۱۸ - وارض بحکم الله (منتخبات آیات، ص ۲۷)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۱۹ - علیک بالرضاء (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳)

۲۰ - به جیفه این دنیا ابدأ قانع مشو^(۱)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرمایند:

۲۱ - ثمّ اجعلنی یا الهی راضیاً بما رقم من قلم قضائک و یراعة تقدیرک (لوح شیخ نجفی، ص ۷)

۲۲ - یا الهی ... اسئلک ... ان تجعلنی مستقیماً علی حبک و راضیاً بما قدرت لی فی کتابک و قائماً علی خدمتک و خدمه اولیائک (لوح اشراقات - مجموعه اشراقات، ص ۶۶)

حضرت اعلیٰ می فرمایند:

۲۳ - فأننی انا یا الهی عبدک و فقیرک و سائلک و مسکینک و نازلک و مستجیرک ما کان رضائی الا فی حبک و لا ولهی الا فی ذکرک و لا شوقی الا فی طائتک و لا سروری الا فی قریبک و لا سکونی الا فی وصلک (منتخبات آیات، ص ۱۲۳)

بخش جهلم

شهامت و استقامت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - رأس القدرة والشجاعة هي اعلاء كلمة الله والاستقامة على حبه (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۳)
۲ - لكل شيء علامة وعلامة الحب الصبر في قضائي والاصطبار في بلاني (کلمات مکنونه عربی، فقره ۴۸)

۳ - آنچه از آن (خوف) بکاهد بر جرأت می افزاید. (لوح شیخ نجفی، ص ۲۵)

- ۴ - ... اضطرابشان به اطمینان تبدیل می شد و ظن به یقین تغییر می یافت و خوف به جرأت معادله می گشت. این است شأن اکسیر الهی که در یک حین عباد را تقلیب می فرماید. (ایقان، ص ۱۲۲)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۵ - اطفال را ... پرهمت نمایند و متحمل مشقت کنید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۶)
۶ - حضرت بهاء الله علیرغم تمام شدایدی که تحمل فرمودند لسان به شکایت نگشودند. ^(۱) (ترجمه)
۷ - تا توانید در توجه به ملکوت بیفزایید تا شجاعت فطری یابید و قوه معنوی بجوید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۰۰)

حضرت بهاء الله می فرماید :

- ۸ - مع اسمک لا یضرني شيء و مع حبك لا یجزعني بلاء العالمين (مناجات، ص ۱۴۰)

۱ - توضیح مترجم: این عبارت که از صفحه ۷۹ کتاب Paris Talks ترجمه شد در اصل خطاب به (خطابات، ج ۱، ص ۱۲۴) دیده نمی شود.

بخش جهل و یکم

امید

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - به حق متمسک شو و به جبل عنایت او متوسل باش (لوح احمد فارسی - دریای دانش، ص ۱۱۱)
- ۲ - لم یزل بدایع جودش را تعطیل اخذ نموده و لایزال ظهورات فیض فضلش را وقوف ندیده (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۰۸)
- ۳ - سیف عصیان شجره امید تو را بریده ... (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۲۱)
- ۴ - موت از برای موقنین بمثابه کأس حیوان است فرح بخشد و سرور آورد و زندگانی پاینده عطا فرماید. (منتخبات، ص ۲۲۲)
- ۵ - مخصوص نفوسی که به ثمره خلقت که عرفان حق جل جلاله است فائز شده اند، این مقام (حیات بعد از ممات) رایبانی دیگر و ذکری دیگر است. العلم عند الله رب العالمین. (همان)

ب - بیانات حضرت اعلی

- ۶ - ان دار الاخرة خیر لک و لشیعته من الدنيا و نعیمها ... (منتخبات آیات، ص ۳۳)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۷ - امیدوار باش، سرور و محبوب باش. ^(۱) (ترجمه)
- ۸ - ابداً امید را از خدا قطع ننما در هر حال امیدوار باش. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۰۰)

حضرت بهاء الله می فرمایند:

- ۹ - یا الهی اسمک شفائی و ذکرک دوائی و قربک رجائی و حبک مونسى و رحمتک طبیبی و معینی فی الدنيا و الاخرة و انک انت المعطى العلیم الحکیم (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۲۵)
- ۱۰ - ای رب تری السائل قائماً لدی باب جودک و الامل متمسکاً بجبل کرمک اسئلک ان لاتخیه عمّا اراد من بحر فضلک و شمس عنایتک (ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۶۹)

بخش جهل و دؤم

اعتماد به حق

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - ان الله ما كلّف نفساً الا وسعها ... (لوح اشرف - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۱۴)
- ۲ - انه لا يظلم نفساً ولا يامر العباد فوق طاقتهم (همان، ص ۲۱۳)
- ۳ - لعمرى ما قدر من قلم التقدير لاحبائه الا ما هو خير لهم (نقل در ظهور عدل الهى، ص ۱۶۸)
- ۴ - توكل على الله ربك ورب آبائك الاولين (لوح احمد - ادعيه حضرت محبوب، ص ۱۸۴)

ب - بیانات حضرت اعلى

- ۵ - به يقين مى دانم كه مالكم كل موجود ومفقود را به تمليك حى معبود. (منتخبات آیات، ص ۱۷)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۶ - قدرت الهیه هر مشکلی را حل نماید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۱۳)

بخش جهل و سؤم

یقین

بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - ایاکم ان تمنعکم شبیهات القوم عن نور الیقین (کلمات فردوسیہ - مجموعہ اشرفات، ص ۱۳۱)
- ۲ - سالکین سبیل ایمان و طالبین کؤس ایقان باید نفوس خود را از جمیع شؤونات عرضیه پاک و مقدس نمایند، یعنی گوش را از استماع اقوال و قلب را از ظنون متعلقه به سبحات جلال و روح را از تعلق به اسباب ظاهره و چشم را از ملاحظه کلمات فائیه و متوکلین علی الله و متوسلین الیه سالک شوند. (کتاب ایقان، ص ۲)
- ۳ - تخمهای حکمت لدنیم را در ارض طاهر قلب بیفشان و به آب یقین آبش ده تا سنبلات علم و حکمت من سرسبز از بلده طیبه انبات نماید. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۳۳ و ۷۷)

بخش جهل و چهارم

مهربانی و رأفت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - لاتنظر الخلق إلا بعین الرأفة والوداد لأن رحمتنا سبقت الأشياء واحاط فضلنا الارضیین والسّموات (لوح رضوان - ایام نعه، ص ۲۵۸)
- ۲ - حق ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و ثقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدسه کلّ را مزین فرماید. (مائه آسمانی، جلد ۸، ص ۹)
- ۳ - شؤونات درنده های ارض لایق انسان نبوده و نیست. شأن انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود. (منتخبات، ص ۱۴۰)
- ۴ - لاتحملوا علی الناس ما لاتحملوه علی انفسکم و لن ترضوا لاحد ما لاترضونه لکم و هذا خیر النصیح لو انتم من السامعین (سورة الملوک - مجموعه الواح ملوک، ص ۲۷)
- ۵ - اختر لدونک ما تختاره لنفسک (ورق سوم از کلمات فردوسیه - مجموعه اشراقات، ص ۱۱۹)
- ۶ - باید به اسبابی که سبب الفت و محبت و اتحاد است تشبث جویند. (لوح دنیا - دریای دانش، ص ۹۱)
- ۷ - از لعن و طعن و ما یتکدر به الانسان اجتناب نماید. (کتاب عهدی - ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۹۴)
- ۸ - بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلت نفسی میسند تا ذلت تو چهره نگشاید. (کلمات مکتونه فارسی - ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۳۴)
- ۹ - اگر نزد شما کلمه ای و یا جوهریست که دون شما از آن محروم به لسان محبت و شفقت القاء نماید. (لوح شیخ نجفی، ص ۱۱ / مجموعه اشراقات، ص ۱۳۵)
- ۱۰ - ان اطلعتم علی خطیئة استروها لیستر الله عنکم (لوح شیخ نجفی، ص ۴۱ / لوح ملک پاریس - مجموعه الواح ملوک، ص ۱۱۲)

ب - بیانات حضرت اعلیٰ

- ۱۱ - لاتنظرن الی غیرکم إلا بما تنظرن الی انفسکم لئلا یظهر بینکم من کره و انتم به یوم القیمة عمن یظهره الله تحتجبون (منتخبات آیات، ص ۹۲)
- ۱۲ - ما علیکم ان تحزنون من نفس ... (منتخبات آیات، ص ۹۶)
- ۱۳ - فلتراقبن انفسکم فی لیلکم ان لاتحزنن من احدٍ (همان، ص ۹۵)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۱۴ - اگر طوایف و ملل سائره جفا کنند شما و فانا میاید، ظلم کنند عدل بنمایید، اجتناب کنند اجتناب

- کنید، دشمنی بنمایند دوستی بفرمایید، زهر بدهند شهید ببخشید، زخم بزنند مرهم بتهید. هذا صفة المخلصين. (الوَّاحِ وَصَابَا - ابام تَعَه، ص ۴۷۰)
- ۱۵ - باری، احبای الهی باید نه تنها به انسان رأفت و رحمت داشته باشند بلکه باید به جمیع ذی روح نهایت مهربانی نمایند. (متخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۵۵)
- ۱۶ - ... احبای الهی باید ... همیشه به این فکر باشند که خیری به نفسی رسانند و محبت و رعایتی و مودت و اعانتی به نفسی نمایند، دشمنی نینند و بدخواهی نشمرند، جمیع من علی الارض را دوست انگارند و اغیار را یار دانند و بیگانه را آشنا شمرند و به قیدی مقید نباشند بلکه از هر بندی آزاد گردند. (همان، ص ۱)
- ۱۷ - به حقیقت مهربان باشید نه به ظاهر و صورت. (همان، ص ۳)
- ۱۸ - وقت آنست که با جمیع ملل به نهایت مهربانی الفت نمایید و مظهر رحمت حضرت احدیت شوید. (همان، ص ۱۸)
- ۱۹ - پس یاران باید در نهایت محبت و مهربانی با دوست و بیگانه هر دو الفت و محبت نمایند ... در هر صورت نهایت مهربانی فرمایید. (همان، ص ۲۲)
- ۲۰ - باریک دارید و برگ یک شاخسار به عالم انسانی مهربانی کنید و به نوع بشر مهر پرور گردید. (همان، ص ۶۹)
- ۲۱ - بر شماست که به جمیع بشر نهایت مهربانی نمایید و خیر خواه عموم باشید. (همان، ص ۸۷)
- ۲۲ - اگر چنانچه نفسی غیبت دیگری کند مستمعین باید در کمال روحانیت و بشاشت او را منع کنند که از این غیبت چه ثمری و چه فایده‌ای؟ آیا سبب رضایت جمال مبارک است؟ (همان، ص ۲۲۴)
- ۲۳ - با هر فردی از افراد انسانی نهایت مهربانی کنید. (همان، ص ۲۶۹)
- ۲۴ - نسبت به همه مهربان باشید و به جمیع نفوس محبت و رأفت ابراز کنید. ^(۱) (ترجمه)

بخش جهل و پنجم

ادب

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - زینوا انفسکم بالصدق والادب (منتخبات، ص ۱۹۵)
- ۲ - یا حزب الله شمارا به ادب وصیت می نمایم و اوست در مقام اول سید اخلاق. طوبی از برای نفسی که به نور ادب منور و به طراز راستی مزین گشت. دارای ادب دارای مقام بزرگ است. امید آنکه این مظلوم و کل به آن فائز و به آن متمسک و به آن متشبث و به آن ناظر باشیم. این است حکم محکم که از قلم اسم اعظم جاری و نازل گشته. (لوح دنیا - دریای دانش، ص ۸۹)
- ۳ - انا اخترنا الادب وجعلناه سجنۃ المقربین (لوح نابلئون سوم - مجموعه الواح ملوک، ص ۱۰۲)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۴ - حُسن آداب تلامذه را باید بغایت دقت نمود ... (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۲)
- ۵ - اعضاء محفل باید ... در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و به نهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیت خطاب به بیان آراء پردازند ... ابدأ جایزه که نفسی تزییف رأی دیگری نماید بلکه به کمال ملایمت بیان حقیقت کند. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، صص ۵۰۶ - ۵۰۷)

بخش جهل و ششم

انقطاع و تجرد

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - طوبی للذین طاروا باجنحة الانقطاع ... (روح رضوان - ابام تسعه، ص ۲۶۰)
- ۲ - اصل الحب هو اقبال العبد الی المحبوب والاعراض عما سواه ولم یکن مراده الا ما اراده مولاه (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۱)
- ۳ - به جمال فانی از جمال باقی مگذرید و به خاکدان ترابی دل مبندید. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۱۴)
- ۴ - به پادشاهی فانی دل مبندید و مسرور مشوید. (همان، فقره ۷۴)
- ۵ - خلصوا انفسکم عن دونی ثم توجهوا الی وجهی وان هذا خیر لکم عما عندکم. (منتخبات، ص ۱۶۶)
- ۶ - زهد و انقطاع بمثابه نیرین اعظمینند از برای سماء تبلیغ. (مجموعه الواح بعد از اقدس، ص ۱۵۹)
- ۷ - توشمس سماء قدس منی خود را به کسوف دنیا میالای. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۷۲)
- ۸ - ان العباد لن یصلوا الی شاطئی بحر العرفان الا بالانقطاع الضرف عن کل من فی السموات والارض. (ایفان، ص ۲)
- ۹ - رأس الانقطاع هو التوجه الی شطر الله والورود علیه والنظر الیه والشهادة بین یدیه. (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۱)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۱۰ - اگر بدانی که در ظلّ حضرت بهاء الله چه مقامی از برای نفوس منقطعه و منجذبه و مبلغه معین و مقرر شده است ... (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۹۷)

حضرت بهاء الله می فرماید:

- ۱۱ - ای رب اسئلك ... ان تجعلنی منقطعاً عن دونک بحيث لا تحرك الأبارادتك ولا اتكلم الآ بمشیتک ولا اسمع الأ ذکرک وثنانک (روح اشراقات - مجموعه اشراقات، ص ۶۶)
- ۱۲ - ثم اجعلنی ناظراً الیک ومنقطعاً عن دونک (مناجات، ص ۲۰)

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

- ۱۳ - الہی الہی انلنی كأس الانقطاع ورنحنی بصہباء محبتک فی محفل التجلی والاحسان (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۷۱)

بخش چهل و هفتم

استقامت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - فاستقم كما امرت. (کتاب ایقان، ص ۱۸۱ به نقل از قرآن)
- ۲ - کن مستقیماً فی حبی بحیث لن یحوّل قلبک ولو تضرب بسیوف الاعداء و یمنعک کلّ من فی السموات و الارضین و کن کشعلة النار لاعدائی و کوثر البقاء لاجبائی و لاتکن من الممترین (لوح احمد - ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۸۴)

ب - بیانات حضرت باب

- ۳ - فاستقم كما امرت و لاتحزن من المشرکین (منتخبات آیات، ص ۴۷)
- ج - بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۴ - اقبال به ملکوت الله آسان ولی ثبات و استقامت مشکل و امتحانات صعب و گران. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۶۴)
- ۵ - انک انت بلغی اماء الرحمن بانهم یثبتن علی حب البهاء اذا اشتد الامتحان و الافتتان (همان، ص ۱۶۰)
- ۶ - طوبی لک لثبوتک علی امر الله و رسوخک علی میثاق الله (همان)

بخش چهل و هشتم

بایداری و مداومت

بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - من طلب شیئاً و جدّ وجد^(۱) (هفت وادی - آثار فلم اعلی، ج ۳، ص ۹۸)
- ۲ - ان استقم علی الامر (کتاب مبین، ص ۳۳۱)
- ۳ - دعوا ما یمنعکم عن الله و تمسکوا بهذا الضراط الممدود (مجموعه الراح بعد از اقدس، ص ۱۷۳)
- ۴ - در اسحار به اذکار مشغول شود و به تمام همّت و اقتدار در طلب آن نگار کوشد. (ایقان، ص ۱۵۰)
- ۵ - ان یمسک الحزن فی سبیلی او الذلّة لاجل اسمی، لاتضطرب فتوکل علی الله ربّک و ربّ آبائک الاولین (روح احمد - ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۸۴)

۱ - توضیح مترجم: نویسنده این عبارت را به قرآن منسوب داشته و مترجم هفت وادی آن را ضرب المثل عربی دانسته است. فرید رادمهر در رساله سلوک (ص ۱۳۶) می گوید در این خصوص اقوال مختلف است. بعضی آن را حدیث نبوی، بعضی منقول از یکی از ائمه و دیگران آن را به جنید بغدادی یا عامر بن طرب نسبت می دهند. به هر حال آیه قرآن نیست.

بخش جهل و نهم

سخاوت و احسان

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - كونوا امناء الله بين بریتته و كونوا من المحسنين (منتخبات، ص ۱۹۰)
- ۲ - انفقوا اذا وجدتم واصبروا اذا فقدتم (لوح حکمت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۸)
- ۳ - الكرم والجود من خصالی فهنيئاً لمن تزین بخصالی (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۴۸)
- ۴ - اتفاق عند الله محبوب و مقبول و از سید اعمال مذکور (کلمات فردوسیه - مجموعه اشراقات، ص ۱۲۶)
- ۵ - لاتحرموا الفقراء عما آتاكم الله من فضله (لوح ناپلئون سوم - مجموعه الواح ملوک، ص ۱۱۱)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۶ - كونوا ... مظاهر الجود ... (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳۴)

بخش پنجاهم

عشق به دیگران

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - در روضه قلب جز گل عشق مکار ... (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۳)
- ۲ - بایکدیگر به کمال محبت سلوک کنید. (افتدارات، ص ۲۱۶ / مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۳۰)
- ۳ - به کمال محبت و اتحاد و موذت و اتفاق سلوک نمایید. (مجموعه اشراقات، ص ۱۳۴)
- ۴ - کن فی الحقوق امیناً و فی الوجه طلقاً (آثار فلم اعلى، ج ۲، ص ۱۷)
- ۵ - قد خلقتم للوداد لا للضعفینة والعناد. لیس الفخر لحبکم انفسکم بل لحب ابناء جنسکم و لیس الفضل لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم. (لوح حکمت - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۳۹)
- ۶ - لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم. فی الحقیقه عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن. (لوح مفصود، ص ۱۲)
- ۷ - لسان را به سب و لعن احدی میالایید و چشم را از آنچه لایق نیست حفظ نمایید ... سبب حزن مشوید تا چه رسد به فساد و نزاع (لوح اشراقات - مجموعه اشراقات، ص ۸۰)
- ۸ - بایکدیگر مدارا نمایید. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۴۷)
- ۹ - لاتنسب الی نفس ما لاتحبه لنفسک (کلمات مکتونه عربی، فقره ۲۹)
- ۱۰ - طوبی لمن اختار اخاه علی نفسه (کلمات فردوسیه - مجموعه اشراقات، ص ۱۲۶)
- ۱۱ - این مظلوم در جمیع احوال از شدت و رخا و عزت و عذاب کل را به محبت و ووداد و شفقت و اتحاد امر نمود. (کلمات فردوسیه - مجموعه الراح بعد از کتاب اقدس، ص ۴۰)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۱۲ - خلق را از برای خدا دوست دارید نه برای خود. چون برای خدا دوست می دارید هیچ وقت مکذّر نمی شوید. (خطابات، ج ۲، ص ۵۸)
- ۱۳ - محبت و الفت را جنت نعیم دانید و کدورت و عداوت را عذاب جحیم شمیرید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳۷)
- ۱۴ - اعظم فیض الهی محبت است. این است که تا محبت حاصل نشود هیچ فیضی حصول نیابد. (خطابات، ج ۲، ص ۲۲)
- ۱۵ - جوهر تعالیم حضرت بهاء الله محبت جامعه است که شامل جمیع فضائل عالم انسانید است. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۶۳)
- ۱۶ - آنها را ملامت نکنید، سرزنش ننمایید. اگر می خواهید نصیحت کنید یا دلالت نمایید، چنان عمل

- کنید که شنونده را بار سنگین نشود و ثقل فادح نگردد. ^(۱) (ترجمه)
- ۱۷ - ... از شدت عناد و جدال و بغضا و عدوان خلق شکست نخورند؛ اگر آنان تیر زند اینان شهید و شیر بخشند، اگر زهر دهند قند بخشند، اگر درد دهند درمان بیاموزند، اگر زخم زنند مرهم بنهند، اگر نیش زنند نوشی روا دارند. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۲)
- ۱۸ - منادی حبّ گردد و مهربان به نوع انسان؛ محبّ بشر شو و غمخوار جمیع نفوس در آفاق؛ صلح پرور گردد و دوستی و راستی جو؛ هر زخمی را مرهم شو و هر دردی را درمان گرد؛ سبب الفت نفوس شو. (همان، ص ۲۴)
- ۱۹ - باید محبت و وفا بر قلوب چنان استیلا یابد که بیگانه را آشنا بیند و مجرم را محرم شمرند، اغیار را یار دانند و دشمن را دوست غمخوار شمرند؛ قاتل را حیات بخش گویند، مدبّر را مقبل دانند، منکر را مقرّ بینند. (همان، ص ۸۱)
- ۲۰ - نوعی معامله نمایند که به مقبلین و مؤمنین و یار و آشنا سزاوار است. (همان)
- ۲۱ - بانفسی جدال نمائید و از نزاع بیزار باشید. (مکاتیب عبدالهاء، ج ۳، ص ۸۱)
- ۲۲ - باید ... قلوب را بکلی از شائبه بغض و کُره پاک و منزّه نمود و به راستی و آشتی و درستی و محبت به عالم انسانی پرداخت ... (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳۶)
- ۲۳ - ... قلبتان مشتعل به مهر و محبت جمیع نفوسی باشد که با آنها مواجه می شوید. ^(۲) (ترجمه)
- ۲۴ - به همه عشق بورزید؛ محبت نفعه ای از نفعات روح القدس در قلب انسان است. ^(۳) (ترجمه)
- ۲۵ - از شما می خواهم هر یک افکار خود را متوجه محبت و اتحاد کند. ^(۴) (بهاء الله و عصر جدید، ص ۱۸۴)
- ۲۶ - اگر نفسی را دوست دارید سبب آن وحدت عائله و وحدت وطن و وحدت جنس نباشد. بلکه باید نفوس را از برای خدا دوست داشته باشید. (خطابات، ج ۱، ص ۷۵)
- ۲۷ - هر نفسی را ملاقات می کنید او را مشمول انوار محبت لانهای خود نمایید. ^(۵) (ترجمه)
- ۲۸ - چون شعله محبت در عالم باشید ... ^(۶) (ترجمه)
- ۲۹ - اساس ادیان الهی محبت است و الفت و یگانگی ... (خطابات، ج ۱، ص ۲۱۵)
- ۳۰ - به جان و دل بکوشند ... تا محبت حقیقی الهی در عالم انسانی جلوه نماید زیرا محبت به خلق محبت به خداست، مهر بانی به خلق خدمتی به خدا. (خطابات، ج ۱، ص ۲۱۸)

۱ - Promulgation, p. 453

۲ - Paris Talks, p. 16

۳ - ibid, p. 30

۴ - ibid, p. 29

۵ - ibid, p. 38

۶ - ibid, p. 95

- ۳۱ - خدا ما را خلق کرده که با یکدیگر محبت کنیم، الفت کنیم ... محفل الفت و محبت ترتیب دهیم ... چشم به ما داده که یکدیگر را به محبت الله نظر کنیم، دل داده که تعلق به یکدیگر داشته باشیم. (همان، ص ۲۱۹)
- ۳۲ - جمیع را باید دوست داشت. نهایت این است بعضی نادانند باید دانا شوند، طفلند باید تربیت شوند ... (همان، ص ۲۴۱)
- ۳۳ - محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید. (منتخبات مکانیب، ج ۱، ص ۳)
- ۳۴ - در هر دوری امر به الفت بود و حکم به محبت، ولی محصور در دایره یاران موافق بودنه با دشمنان مخالف. (همان، ص ۱۹)
- ۳۵ - باید با کل حتی دشمنان به نهایت روح و ریحان محبت و مهربان بود. در مقابل اذیت و جفانهایت وفا مجری دارید و در موارد ظهور بغض به نهایت صفا معامله کنید. سهم و سنان را سینه ای مانند آئینه هدف نمایید و طعن و شتم و لعن را به کمال محبت مقابلی نمایید. (همان، ص ۱۹)
- ۳۶ - دشمن را دوست بینید و امر من را ملائکه شمارید جفاکار را مانند وفادار به نهایت محبت رفتار کنید. (همان، ص ۶۹)
- ۳۷ - اول تعلیم حضرت بهاء الله محبت است که باید بین بشر نهایت محبت حاصل شود زیرا محبت بندگان الهی محبت الله است ... (خطابات، ج ۲، ص ۹)
- ۳۸ - با جمیع بشر به محبت و یگانگی معامله کنید تا این تخم پاک بروید، برکت آسمانی یابد، انوار ملکوت بتابد و فیوضات الهی کامل گردد. (همان، ص ۱۰)
- ۳۹ - شب و روز سعی نمایید تا بین قلوب کمال محبت حاصل شود و در نهایت اتحاد باشید چه که هر قدر اتحاد زیاد گردد تأیید بیشتر شود ... (همان)
- ۴۰ - نسبت به جمیع نوع بشر نهایت محبت و مهربانی بنمایید ... بدانید که خدا نسبت به همه مهربان است؛ پس بادل و جان همه را دوست بدارید، بیروان جمیع ادیان را بر خود مقدم دانید، به جمیع نژادها و اجناس محبت باشید، و به همه ملل عالم مهربان باشید.^(۱) (ترجمه)
- ۴۱ - آنچه سبب ائتلاف و تجاذب و اتحاد بین بشر است حیات عالم انسانی است و آنچه سبب اختلاف و تنافر و تباعد است علت ممت نوع بشر است. (لوح لاهه - مکاتیب عبداله، ج ۳، ص ۱۱۵)
- ۴۲ - بیگانگان را مانند خویش بنوازید و اغیار را بمثابه یار وفادار مهربان گردید. اگر نفسی جنگ جوید شما آشتی طلبید و اگر کسی ضربتی بر جگر گاد زند شما مرهم بر زخم او بنهید، شماتت کند محبت نمایند، ملامت کند ستایش فرمایید، سم قاتل دهد شهید فائق بخشید، به هلاکت اندازد

- شفای ابدی دهید، درد گردد در مان بشوید، خار شود گل و ریحان کردید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۳۲)
- ۴۳ - شب و روز بکوشید که نهایت اتحاد را حاصل نمایید و در فکر ترقیات روحانی خویش باشید و چشم را از قصور یکدیگر بپوشید. (همان، ص ۱۹۸)
- ۴۴ - اگر طوائف و ملل سائره جفا کنند شما وفا بنمایید، اجتناب کنند اجتناب کنید، دشمنی بنمایند دوستی بفرمایید، زهر بدهند شهید ببخشید، زخم بزنند مرهم بتهید. (الروح و صایا - ایام تسعه، ص ۴۷۰)
- ۴۵ - در نهایت محبت و مهر بانی با دوستان و منسوبین، حتی بیگانگان، معامله نمایید. ^(۱) (ترجمه)
- ۴۶ - این نفس مظلوم ... با نفسی ملالی نداشته و ندارم و کدوری در دل نگرفتم و کلمه‌ای جز ذکر خیر نخواهم. (الروح و صایا - ایام تسعه، ص ۴۷۶)
- ۴۷ - قصوری را که در آن نفس به محبت و شفقت ببخشید و اغماض نمایید. ^(۲) (ترجمه)
- ۴۸ - شما باید دائماً شجر الفت و اتحاد خود را با آب علاقه و محبت آبیاری نمایید. (هدیه از دواج، ص ۱۹)
- ۴۹ - تا آنجا که می‌توانید سعی نمایید اساس محبت خود را در روح و وجدان خویش مستقر سازید و نگذارید که این اساس متزلزل گردد. (همان)
- ۵۰ - در گلزار جاودان محبت مشی کنید. (همان، ص ۲۱)
- ۵۱ - محبت حقیقی مستحیل و محال الا آنکه به ذات الهی توجه کنید و منجذب جمال او شوید. اماء الزحمن باید از جان و دل به یکدیگر عشق بورزند. ^(۳) (ترجمه)
- ۵۲ - احباء باید در کمال محبت و شفقت با خویش و بیگانه معاشرت و مراوده داشته باشند، نظر به استعداد و قابلیت نفوس نکنند. در جمیع احوال محبت حقیقی ابراز دارند و از شدت خشم، نفرت، نزاع، بدخواهی و کراهت نفوس متأثر نشوند و مغلوب نگردند. ^(۴) (ترجمه)

Tablets, vol. 1, p. 196 _ ۱

ibid. p. 98 _ ۲

ibid, vol. 3, p. 505 _ ۳

ibid, vol. 2, p. 389 _ ۴

بخش پنجاه و یکم

همت و علو طبع

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - فاحسن علی العباد كما احسن الله لك (سورة الملوك - مجموعہ الراح ملوک، ص ۳۶)
 - ۲ - با ناس به مدارا حرکت نمایند و رفتار کنند و به کمال تقدیس و تنزیه و صدق و انصاف ظاهر شوند
بشأنی که جمیع ناس آن نفوس را امناء الله فی العباد شمرند. (افتدارات، ص ۳۲۴)
- #### ب - بیانات حضرت عبدالبهاء
- ۳ - همت را بلند کنید و پرواز را به اوج آسمان برسانید تا قلب مبارکتان به انوار شمس حقیقت یعنی حضرت بهاء الله روز بروز روشن تر شود. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۲۸)
 - ۴ - هر نفسی را باید نظر به آنچه در او ممدوح است نمود. در این حالت انسان با جمیع بشر الفت تواند
اما اگر به نقائص نفوس انسان نظر کند کار بسیار مشکل است. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۶۵)
 - ۵ - باید نظر به کمال نفوس نمود نه به نقص نفوس. (همان، ص ۱۶۶)
 - ۶ - احبای الهی باید ... مانند آفتاب بر گلشن و گلخن هر دو بتابند و بمثابه ابر نیسان بر گل و خار هر دو
بیازند؛ جز مهر و وفانجویند و طریق جفانیویند و غیر از راز صلح و صفانگویند. (همان، ص ۲۴۸)
 - ۷ - باری باقی صفات کمالیه ... وفا و صفا و حمیت و غیرت و همت و بزرگواری ... (رساله مدنیه، ص

(۴۸)

بخش پنجاه و دوم

تواضع و فروتنی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - نفسی که الیوم لله خاضع است و به او متمسک کل الاسماء اسمائها و کل المقامات مقاماتها (مانده آسمانی، ج ۸، ص ۱۹۰)
- ۲ - کن لشجر الخشوع ثمراً (آثار قلم اعلی، ج ۲، صص ۱۸ - ۱۷)
- ۳ - فیاطوبی لعالم لن یفتخر علی دونه بعلمه (سورة البیان - آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۱۱۴)
- ۴ - نفس خود را بر احدی ترجیح ندهد و افتخار و استکبار را از لوح قلب بشوید و به صبر و اضطبار دل بندد و صمت را شعار خود نماید و از تکلم بی فایده احتراز کند. (ایقان، ص ۱۴۹)
- ۵ - ایاکم ان لاتستکبروا علی الله و احبائه (سورة الملوک - مجموعه الراح ملوک، ص ۲۶)
- ۶ - کن ... فی القضاء عادلاً و للانسان خاضعاً (آثار قلم اعلی، ج ۲، ص ۱۷)
- ۷ - ایاکم ان یمنعکم الغرور عن مشرق الظهور او تحجبکم الذنیا عن فاطر السماء (افدس، بند ۸۲)
- ۸ - ایاک ان یمنعک الغرور عن مطلع الظهور (همان، بند ۸۶)
- ۹ - ان الانسان مرذوب رفعة الخضوع الی سماء العزّة و الاقتدار و اخری ینزله الغرور الی اسفل مقام الذلّة و الانکسار (کلمات فردوسی - مجموعه اشراقات، ص ۱۲۰)
- ۱۰ - اصل النار هی الجحاد فی آیات الله و المجادلة بما ینزل من عنده و الانکار به و الاستکبار علیه (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۳)
- ۱۱ - کن لی خاضعاً لا کون لک متواضعاً (کلمات مکنونه عربی، فقره ۴۲)
- ۱۲ - جامه غرور را از تن بر آرید و ثوب تکبر از بدن بیندازید. (کلمات مکنونه فارسی، فقره ۴۶)
- ۱۳ - به عزت افتخار ننمایید و از ذلت ننگ مدارید. (همان، فقره ۴۷)

ب - بیانات حضرت اعلی

- ۱۴ - نفوس مستکبره خود مهتدی نمی شوند، بعضی به اسم علم و بعضی به عز و هر نفسی به شیئی محتجب می گردد. (منتخبات آیات، ص ۶۷)
- ۱۵ - لاتکونوا من الذین اتوا العلم من قبل و استکبروا به علی الله ... (همان، ص ۱۱۶)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۱۶ - باید به جمیع نفوس به نظر احترام نظر کرد ... مبلغ نباید خویش را دانا و دیگران را نادان شمرد. این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثر، بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران به نهایت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد. این نوع بیان تأثیر کند و سبب تربیت نفوس شود. (مکاتیب

عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۵۵)

۱۷ - ابناء الهی در اطاعت از احکام الهیه، بدون ادنی غرور و تکبری به اجرای امور می پردازند.^(۱)
(ترجمه)

۱۸ - در سلوک خویش نسبت به خداوند خاضع و خاشع باشید ... مستمر اَدعا کنید تا یوماً فیوماً در
ساحت حق مقرب تر شوید.^(۲) (ترجمه)

۱۹ - ... نفوسی را که به نفس خویش متکی اند تعلیم دهید تا با خضوع و فروتنی به خداوند توجه
کنند.^(۳) (ترجمه)

۲۰ - این معلوم و مبرهن است که اعظم منقبت عالم انسانی اطاعت پروردگار است و شرف و عزت
در متابعت او امر و نواهی خداوند یکتا. (رساله مدنی، ص ۸۴)

۱ - Paris Talks, p. 17

۲ - ibid, p. 74

۳ - ibid, p. 101

بخش پنجاه و سوم

منظر و دیدگاه

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - ... جز خدا را فنا داند و غیر معبود را معدوم شمرد. (ایقان، ص ۱۵۱)

۲ - حیات حقیقی حیات قلب است نه حیات جسد. (همان، ص ۹۲)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۳ - این زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و این عزت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانی

عنقریب زائل و فانی شود. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۳)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرماید :

۴ - سبحانک یا الهی ... اسئلك ... بان ترزقه خیر ما عندک و عزجة الی المقام الذی یرى الذنیا کظلی

یمرؤ فی اقرب من لمح البصر (مناجاة، ص ۱۵)

بخش پنجاه و چهارم

رأفت و شفقت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - این مظلوم در جمیع احوال از شدت و رِخا و عزّت و عذاب کلّ را به محبّت و وداد و شفقت و اتحاد امر نمود. (مجموعه الراح بعد از کتاب اقدس، ص ۴۰)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۲ - در کمال شفقت و حُسن نیت با جمیع ناس معامله کنید. ^(۱) (ترجمه)

۳ - ... بار یک دارید و برگ یک شاخسار. به عالم انسانی مهربانی کنید و به نوع بشر مهر پرور گردید. (متخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۶۹)

۴ - اجنبای الهی باید نه تنها به انسان رأفت و رحمت داشته باشند، بلکه باید به جمیع ذی روح نهایت مهربانی نمایند. (همان، ص ۱۵۵)

۵ - رأفت به حیوان درنده ظلم به حیوانات مظلومه است، لهذا باید چاره آن را نمود. (همان، ص ۱۵۶)

۶ - اساس ملکوت الهی بر عدل و انصاف و رحم و مروت به هر نفسی است. پس به جان و دل باید بکوشید تا به عالم انسانی من دون استثناء محبّت و مهربانی نمایند مگر نفوسی که غرض و مرضی دارند. باشخص ظالم و یا خائن و یا سارق نمی شود مهربانی نمود. زیرا مهربانی سبب طغیان او می گردد نه انتباه او. کاذب را آنچه ملاطفت نمایی بر دروغ می افزاید؛ گمان می کند که نمی دانی و حال آنکه می دانی ولی رأفت کبری مانع از اظهار است.

۷ - باقی صفات کمالیه خشیه الله و محبّه الله فی محبّه عباده و حلم و سکون و صدق و سلوک و رحم و مروت ... (رساله مدنیّه، ص ۴۸)

۸ - صفات مقدّسه اهل ایمان عدل و انصاف و بردباری و مرحمت و مکرمت و حقوق پروری و صداقت و امانت و وفاداری و محبّت و ملاطفت و غیرت و حمیت و انسانیت است. (همان، ص ۶۵)

۹ - فوائد کلیه از فیوضات ادیان الهیه حاصل. زیرا امتدینین حقیقی را بر صدق طویت و حُسن نیت و عفت و عصمت کبری و رأفت و رحمت عظمی ... دلالت می نماید. (همان، ص ۱۱۶)

بخش پنجاه و پنجم

قوت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - لا حول ولا قوة الا بالله (ایقان، ص ۱۹۵)

۲ - این امریست ضعیف از او به طراز قوت ظاهر (منتخبات، ص ۱۲۲)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۳ - وقتی رحمت الهی می طلبید و منتظرید شمارا تأیید و تقویت کند، قوت شما ده چندان گردد. ^(۱)
(ترجمه)

۴ - هرگز نظر به ضعف خود نکنید، قوه روح القدس است که مؤید به تبلیغ نماید. تفکر به ضعف خود فقط سبب یأس و خمودت شود. باید نقطه نظرگاه متعالی تر از افکار دنیوی باشد. ^(۲) (ترجمه)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرماید:

۵ - لك الحمد يا الهی ... انت الذی بامرک تبدل الذلة بالعزة والضعف بالقوة والعجز بالافتدار و الاضطراب بالاطمئنان والریب بالایقان. لا اله الا انت العزيز المنان (مناجاة، ص ۱۶۷)

۱ - Paris Talks, p. 33

۲ - ibid

بخش پنجاه و ششم

اعتدال

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - هر امری از امور اعتدالش محبوب، چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد. (کلمات فردوسی - مجموعه اشراقات، ص ۱۲۳)
- ۲ - هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود. (لوح مفصود، ص ۱۴)
- ۳ - حضرت موجود می فرماید، انّ البیان جوهر یطلب النّفوذ والاعتدال ... واما الاعتدال امتزاجه بالحکمة الّتی ذکرناها فی الالواح. (لوح مفصود، ص ۱۹)
- ۴ - لا تفرط فی الامور فاعمل بین خدامک بالعدل (سورة الملوک - مجموعه الراح ملوک، ص ۳۹)
- ۵ - انّ الذی تمسک بالعدل انه لا یتجاوز حدود الاعتدال فی امر من الامور (منتخبات، ص ۲۲۰)
- ۶ - انّ التّمدن الذی یدکره علماء مصر الضنایع و الفضل لو یتجاوز حد الاعتدال لتراه نعمة علی الناس (منتخبات، ص ۲۲۰)
- ۷ - انّ التّمدن ... یصیر مبدء الفساد فی تجاوزه کما کان مبدء الاصلاح فی اعتداله. (همان)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۸ - اخلاق حسنه عندالله و عند مقربین در گاهش و نزد اولی الالباب مقبول و ممدوح ترین امور، لکن به شرط آنکه مرکز سنوحش عقل و دانش و نقطه استنادش اعتدال حقیقی باشد. (رساله مدنی، ص ۷۰)
- ۹ - در عالم امکان حیات و نجات هر شیئی از اعتدال و حرکت بموقع است و ممات و هلاکش تجاوز از حد اعتدال و عمل به غیر موقع. هر امر ممدوح و گفتار مفیدی چون از اعتدال و موقع تجاوز کند قبیح و مضر گردد. (بدایع الانار، ج ۲، ص ۳۳۸)
- ۱۰ - اعتدال در هر امری از امور لازم و واجب. انسان باید از سلوک و افعال الهی درس گیرد. خداوند موجب رشد و نمو شجری می شود که مدت‌ها بعد به کمال می رسد. خداوند می تواند شجر را در آنی به ثمر رساند، اما حکمت مستلزم رشد و توسعه تدریجی است. ^(۱) (ترجمه)

بخش پنجاه و هفتم

خدمت و عبودیت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - فضل الانسان في الخدمة والكمال لا في الزينة والثروة والمال (لوح حكمت - مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۸)
- ۲ - امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الارض قیام نماید. (لوح مقصود، ص ۱۱)
- ۳ - طوبی لمن اصبح قائماً علی خدمة الامم. (همان، ص ۱۲)
- ۴ - ان اجهد فی خدمة الله لیظهر منک ما یبقی به ذکرک فی ملکوته العزیز المنیع (مجموعه الواح بعد از اقدس، ص ۱۴۱)
- ۵ - دنیا و آنچه در اوست در مرور است و آنچه باقی و دائم خواهد ماند آن خدمتی است که در این ایام از دوستان حق ظاهر شود. (آثار قلم اعلی، ج ۵، ص ۹۴)
- ۶ - الحرية التي تنفعكم انهما في العبودية لله الحق (اقدس، بند ۱۲۵)
- ۷ - قوموا علی خدمة الامر علی شأن لاتأخذکم الاحزان من الذین کفروا بمطلع الايات (اقدس، بند ۳۵)
- ۸ - انا نحب ان نرى كل واحد منكم مبدء كل خير و مشرق الصلاح بين العالمين (منتخبات، ص ۲۰۲)
- ۹ - انشر نفحات ربک فی الاطراف ولا توقف فی امره اقل من ان (کتاب مبین، ص ۲۰۷)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۱۰ - این قرن قرن خدمت به عالم انسانی است. (خطابات، ج ۲، ص ۳۱۷)
- ۱۱ - ... خادم جمیع شوو همه را یکسان خدمت نما. خدمت یاران به خداتعلق دارد نه به آنها. سعی کن تا سبب اتفاق، روحانیت و سرور قلوب یاران شوی. (ترجمه)
- ۱۲ - در فکر آن باشید که خدمت به هر نفسی از نوع بشر نماید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۳)
- ۱۳ - هر نفسی از اجبای الهی باید ... به هر نفسی برسد خیری بنماید و نفعی برساند. (همان)
- ۱۴ - البته به خدمت پدرت پرداز و در این ضمن هر وقت فرصت یافتی به نشر نفحات الله مشغول شو. (همان، ص ۱۳۶)
- ۱۵ - وقت همت و خدمت است و زمان شعله و حرارت. (همان، ص ۲۵۷)
- ۱۶ - باید ... کمر خدمت بر بندیم و آتشی از عشق برافروزیم. (همان)
- ۱۷ - راز عبودیت گویند و راه خدمت پویند تا به تأیید موعود از ملکوت احدیت موفق گردید. (همان، ص ۲۶۱)

- ۱۸ - خدمت به عالم انسانی نمایید. ^(۱) (ترجمه)
- ۱۹ - چه اعمال صالحه در وجود اعظم از نفع عموم است؟ آیا موهبتی در عالم اعظم از این متصور کرد انسان سبب تربیت و ترقی و عزت و سعادت بندگان الهی شود؟ (رساله مدنیه، ص ۱۲۲)
- ۲۰ - اما شما باید در این مورد یعنی خدمت به عالم انسانی جانفشانی کنید و به جانفشانی شادمانی و کامرانی نمایید. (متخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۷۰)
- ۲۱ - خدمت به اجبأ خدمت به ملکوت الله است و رعایت فقر از تعالیم الهیه. (همان، ص ۲۴)
- ۲۲ - اگر آنان تیرزنند اینان شهید و شیر بخشند؛ اگر زهر دهند قند بخشند؛ اگر درد دهند، درمان بیاموزند؛ اگر زخم زنند مرهم بنهند؛ اگر نیش زنند نوش روانند. (همان، ص ۲۲)
- ۲۳ - کما قال، دل بدست آور که حج اکبر است. ^(۲) (همان، ص ۸۹)
- ۲۴ - موهبتی اعظم از آن نیست که انسان سبب سرور قلوب گردد. (همان، ص ۱۹۸)
- ۲۵ - مبادا... نفسی را محزون کنید. (همان، ص ۷۱)
- ۲۶ - مضطربان را سبب راحت دل و جان... شوید... به صلح و سلام خدمت کنید. (همان، ص ۶۹)
- ۲۷ - خدمت مغناطیسی است که تأییدات سماویه را جذب نماید. ^(۳)
- ۲۸ - خادم جمیع شو و همه را یکسان خدمت نما. ^(۴)
- ۲۹ - اجبای الهی باید... نظر را پاک نمایند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر شجر ایجاد مشاهده کنند. همیشه به این فکر باشند که خیری به نفسی رسانند و محبت و رعایتی و مودت و اعانتی به نفسی نمایند. (متخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱)
- ۳۰ - معین هر مظلومی باشید و مجیر هر محروم. در فکر آن باشید که خدمت به هر نفسی از نوع بشر نمایید. (همان، ص ۳)
- ۳۱ - خدمت با عشق به عالم انسانی عبارت از نیل به وصال با خداوند است. ^(۵)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرماید :

۳۲ - یا الهی... اجعلنی من الذین ما منعتهم ثنونات الارض عن خدمتک و طاعتک (مجموعه الراح بعد از کتاب اقدس، ص ۱۴۲)

۱ - Paris Talks, p. 74
 ۲ - Tablets, vol. 1, p. 62
 ۳ - ibid, p. 61
 ۴ - Promulgation, p. 186

بخش پنجاه و هشتم

خنده و شادمانی

بیانات حضرت عبدالبهاء

۱ - شاید همه به شما اشاره کنند و بپرسند، «چرا این مردم اینقدر مسرورند؟» من میل دارم شما مسرور باشید... بخندید، لبخند بزنید و شاد باشید تا دیگران را شادمان سازید. ^(۱) (ترجمه)

۲ - خانه من خانه شادمانی و فرح است. (بهاءالله و عصر جدید، ص ۷۸)

بخش پنجاه و نهم

کار

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - حین اشتغال نامالایمات روزگار کمتر احصاء می شود (لوح مقصود، ص ۲۴)
- ۲ - قد وجب علی کل واحد منکم الاشتغال بامر من الامور من الضنائع والاقتراف وامثالها وجعلنا اشتغالکم بهما نفس العبادة لله الحق (لوح بشارات - مجموعه الراح طبع مصر، ص ۱۲۱)
- ۳ - انشاء الله باید فقر اهمت نمایند و به کسب مشغول شوند و این امر است که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عند الله محسوب و هر نفسی عامل شود البته اعانت غیبیه شامل او خواهد شد انه یغنی من یشاء بفضله انه علی کل شیء قدير (افتدارات، ص ۲۹۳)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۴ - در این ظهور اعظم فن (یا حرفه) عبارت از عبادت است و این در نصوص جمال مبارک مشهود و معلوم^(۱) (ترجمه)
- ۵ - به حق اعتماد کن و به کار خود مشغول شود و به امرار معاش پرداز^(۲)
- ۶ - بدایع صنایع در این دور جامع از عبادت جمال لامع شمرده گشته (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۱)

۱ - Tablets, vol. 2, p. 449

۲ - Baha'i World Faith, p. 375

بخش ششم

والدین

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - ایاکم ان ترتکبوا ما یحزن به آبائکم و امهاتکم ان اسلکوا سبیل الحق و انه لسبیل مستقیم و انه یخیرکم فی خدمتی و خدمه آبائکم و امهاتکم ان اختاروا خدمتهم ثم اتخذوا بهما الی سبیل (گزار تعالیم بهایی، ص ۲۲ / اخلاق بهایی، ص ۲۲۵)

۲ - لاتعبدوا الا الله و بالوالدین احساناً (همان)

ب - بیانات حضرت اعلی

۳ - و سزاوار است که عبد بعد از هر صلوة طلب رحمت و مغفرت نماید از خداوند برای والدین خود که ندایم رسد من قبل الله که از برای تو است دو هزار و یک ضعف از آنچه طلب نمودی از برای والدین خود. طوبی لمن یذکر ابویه بذکر ربّه. (منتخبات آیات، ص ۶۵)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۴ - با جمیع دوستان و منسوبینت، حتی بیگانگان، در نهایت محبت و مهربانی معامله کن. ^(۱) (ترجمه)

۵ - مادرت را تسلی بخش و سعی نما آنچه را که سبب سرور قلب اوست انجام دهی. ^(۲) (ترجمه)

۱ - Tablets, vol. 1, p. 196

۲ - ibid, p. 74

بخش شصت و یکم

آداب حسنه

بیانات حضرت عبدالبهاء

۱ - الیوم الزم امور تعدیل اخلاقت و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار. باید اجبای رحمان به خُلق و خوبی در بین خلق مبعوث گردند که رانحه مشکبار گلشن تقدیس آفاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده کنند. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۰)

۲ - ای پروردگار اهل بهاء را در هر موردی تنزیه و تقدیس بخش و از هر آلودگی پاکی و آزادگی عطا کن. از ارتکاب هر مکروه نجات ده و از قیود هر عادت رهایی بخش تا پاک و آزاد باشند و طیب و طاهر گردند، سزاوار بندگی آستان مقدس شوند و لایق انتساب به حضرت احدیت. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۲۹)

بخش شصت و دوم

تفکر مثبت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - لعمری ما قدر من قلم التقدير لاجنائه الا ما هو خير لهم (ظهور عدل الهی، ص ۱۶۸)
- ۲ - ان اعدلوا على انفسكم ثم على الناس ليظهر آثار العدل من افعالكم بين عبادنا المخلصين (سورة البيان - آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۱۱۴)

ب - بیانات حضرت اعلى

- ۳ - به ضعف و عجز خود نظر نکنید به قدرت و عظمت خداوند مقتدر و توانای خود ناظر باشید ... به نام خداوند قیام کنید به خدا توکل نمایید و به او توجه کنید و یقین داشته باشید که بالاخره فتح و فیروزی با شما خواهد بود. (تاریخ نبیل، ص ۸۱)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

- ۴ - به ضعف خویش ننگر؛ بلکه به قوت و توانایی پروردگارت که محیط بر جمیع عالم است ناظر باش. ^(۱) (ترجمه)
- ۵ - هرگز نباید به ضعف خویش نظر کرد؛ قوه روح القدس است که توانایی تبلیغ عنایت می کند. اندیشیدن به ضعف خود فقط سبب یأس و حرمان گردد. ^(۲) (ترجمه)
- ۶ - چشم از قصور یکدیگر ببوشید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۹۸)
- ۷ - هر چه پیش آید خیر است، زیرا مصائب و بلاها فی نفسه عنایت است. ^(۳) (ترجمه)
- ۸ - شدت و بلا حقیقت رحمت است. ^(۴) (ترجمه)
- ۹ - به یاد محدودیتهای خود نیفتید، تأیید الهی شامل شما خواهد شد. خود را فراموش کنید، اعانت الهی البته حاصل خواهد شد. وقتی رحمت الهی را بطلبید و منتظر تقویت خود شوید، قوه شما ده چندان خواهد شد. به من نگاه کنید؛ من اینقدر ضعیفم، اما قوت یافتم تا نزد شما بیایم؛ بنده حقیر الهی که توانایی یافت این ندای الهی را به شما برساند. ^(۵) (ترجمه)
- ۱۰ - در باره دیگران با تحقیر صحبت نکنید، بلکه بدون ادنی تمایزی آنها را تحسین نمایید. ^(۶)

۱ - Tablets, vol. 1, p. 190

۲ - Paris Talks, p. 39

۳ - Tablets, vol. 1, p. 38

۴ - ibid

۵ - Paris Talks, pp. 38-9

(ترجمه)

۱۱ - قطره نباید به ظرفیت محدود خود نظر کند؛ باید حجم و کفایت بحر را درک کند، که همواره قطره را جلال بخشد. بذر لطیف و ساده، اگر چه تنها و منفرد است، نباید به عدم قدرت خود نظر نماید.^{۱۱}
(ترجمه)

۱۲ - ... جز خیر یکدیگر نبینند و جز نعت یکدیگر نشنوند و بجز مدح و ستایش یکدیگر کلمه‌ای بر لسان نرانند. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۲۳)

۱۳ - اگر نفسی غیبت نفسی نماید این واضح و مشهود است که ثمری جز خمودت و جمودت نیارد اسباب تفریق است و اعظم وسیله تشتیت. (همان)

۱۴ - نظر به پاکی گهر و ناپاکی بشر ننماید بلکه نظر به رحمت عامه خداوند اکبر فرمایید. (همان، ص ۲۴۸)

۱۵ - استعداد انسان محدود است و لکن تأیید ملکوت ابهی نامحدود. (خطابات، ج ۱، ص ۱۸۲)

۱۶ - شماها نظر به قوت و قدرت خودتان نکنید، قلب را فارغ و روح را مستبشر کنید. توجه به ملکوت الهی نموده فیوضات نامتناهی طلبید. (همان)

۱۷ - نظر به خودتان نکنید نظر به فیوضات جمال ابهی کنید. (همان)

۱۸ - نظر به قابلیت و استعداد خود منمائید، نظر به فیض کلی و موهبت الهی و قوت روح القدس نمائید که قطره‌ها را دریا نماید و ستاره را آفتاب فرماید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۰۲)

← ۶ - Promulgation, p. 453

۱ - ibid, p. 420

بخش شصت و سوم

ملاطفت

بیانات حضرت عبدالجبار

- ۱ - ما باید در کمال ملاطفت و مهربانی با جمیع نوع بشر معاشرت نماییم. ما باید نسبتاً قلباً محبت داشته باشیم. ^(۱) (ترجمه)
- ۲ - همیشه برای محبت و ملاطفت بکوشید. ^(۲) (ترجمه)
- ۳ - در هر شرایطی ابداً نباید جز ملاطفت و خضوع روش و رفتاری داشته باشیم. ^(۳) (ترجمه)
- ۴ - درندگان ترک درندگی کنند و تیزچنگان در نهایت بردباری باشند؛ اهل جنگ صلح حقیقی جویند و درندگان تیزچنگ از سلم حقیقی بهره برند. (متخبات مکاتب، ج ۱، ص ۱۰)

۱ - Promulgation, p. 63

۲ - Tablets, vol. 3, p. 657

۳ - Promulgation, p. 128

بخش شصت و چهارم

بردباری و مدارا

بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - باید کل بایکدیگر به رفق و مدارا و محبت سلوک نمایند. (افتدارات، ص ۲۲۱)
- ۲ - این مظلوم اهل عالم را وصیت می نماید به بردباری و نیکوکاری. این دو، دو سراجند از برای ظلمت عالم و دو معلّمند از برای دانایی امم. طوبی لمن فاز و ویل للغافلین (لوح طرازات - مجموعه اشراقات، ص ۱۵۱)
- ۳ - شؤونات درنده‌های ارض لایق انسان نبوده و نیست. شأن انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود. (منتخبات، ص ۱۴۰)
- ۴ - حق ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و نُقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدّسه کل را مزین فرماید. (مائده آسمانی، ج ۸، ص ۹)

فصل چہارم

استنتاج

بخش شصت و پنجم

هدایت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - ای دوستان من سراج ضلالت را خاموش کنید و مشاعل باقیه هدایت در قلب و دل برافروزید.
(کلمات مکتونه فارسی، شماره ۸۳)

ب - بیانات حضرت باب

۲ - اگر نفسی نفسی را هدایت کند بهتر است از برای او از اینکه مشرق تا مغرب را مالک شود و همچنین از برای مهتدی بهتر است از کلّ ما علی الارض زیرا که به هدایت بعد از موت داخل جنت می گردد ولی بما علی الارض بعد از موت آنچه مستحق است بر او نازل می آید. (منتخبات آیات، ص ۶۶)

ج - بیانات حضرت عبدالبهاء

۳ - اول علاج هدایت خلقت تا توجه به حق نمایند و استماع نصایح الهی کنند و به گوشه شنوا و به چشمی بینا مبعوث شوند. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۳۶)

۴ - دین انسان را حیات ابدی دهد؛ دین خدمت به عالم اخلاق کند؛ دین دلالت به سعادت ابدیه نماید. (خطابات، ج ۲، ص ۳۰۷)

بخش شصت و ششم

وسائط روحانی

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - لاتعز نفسک عن جمیل ردائی و لاتحرم نصیبک من بدیع حیاضی لنلا یاخذک الظماء فی سرمدیة ذاتی (کلمات مکتونه عربی، شماره ۳۷)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۲ - دین به امور روحانیه مربوط است ...^(۱) (ترجمه)

۳ - اعظم موهبت عالم انسان احساسات روحانی است. (خطابات، ج ۱، ص ۲۰۱)

۴ - روز بروز سعی نماییم که روحانی تر شویم. (همان، ص ۱۳۵)

۵ - ترقیات مادیه ... اگر منضم به احساسات روحانیه شود آن وقت ترقی حاصل می شود ... (همان، ص ۱۹۴)

۶ - اگر حزنی از برای انسان حاصل شود از مادیاتست ... حزن انسان، کدورت انسان از مادیاتست ... اما از احساسات روحانیه هیچ ضرری و زیانی و غصه و غمی از برای انسان حاصل نمی شود. (همان، ص ۱۹۸)

۷ - من الحمد لله در این چهل سال در نهایت سرور بودم ... احساسات روحانی تسلی خاطر و توجه به خدا سبب روح و ریحان. اگر توجه به خدا نبود، احساسات روحانی نبود چهل سال در حبس چه می کردم. (همان، ص ۲۰۰)

۸ - انسان موقعی که در عالم عنصری متولد می شود، دنیا را می یابد؛ وقتی از این عالم به عالم روح قدم می گذارد، ملکوت را می یابد.^(۲) (ترجمه)

۹ - روحانیات را نفوذی عظیم در عالم جسمانی ... احساسات روحانیه را در امراض عصبیه تأثیری عجیب است. (منتخب مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۷)

۱۰ - انی ابتهل الی الله ان یعطیک روحاً رحمانیاً و دماً ملکوتیاً و یجعلک ورقه ریانه نضرة علی شجرة الحیات حتی تخدمی اماء الرحمن بالروح و الزیحان. (همان، ص ۱۶۱)

۱۱ - در فکر ترقیات روحانی خویش باشید و چشم از قصور یکدیگر بپوشید. (همان، ص ۱۹۸)

۱۲ - در احساسات روحانیه چنان مستغرق گردی که از عالم بشریت بی خبر شوی. (همان، ص ۱۸۷)

۱ - Paris Talks, p. 132

۲ - ibid, p. 178

- ۱۳ - اسّ اساس الہی اخلاق رحمانیت است کہ زینت حقیقت انسانی است. (همان، ص ۱۳۴)
- ۱۴ - واما ما سنلت فی تربیة الاطفال فعلیک ان ترضیہم من ثدی محبۃ اللہ و تشویقہم الی الزوہانیات و التوجہ الی اللہ و حسن الاداب و احسن الاخلاق ... حتی یكونوارو حانیین ملکوتیین ... (همان، ص ۱۳۹)
- ۱۵ - ... لطافت سبب حصول روحانیت است. (مکاتیب عبدالہاء، ج ۱، ص ۳۲۵)
- ۱۶ - لاتلفظی من السیاسیات؛ علیک بالزوہانیات لانہا تؤل الی السعادة البشریة فی العالم الالہی ... (همان، ص ۹۰)
- ۱۷ - اول کلمہ این شرایط مقدّسہ 'صائناً لنفسہ' است و این معلوم است کہ مقصد حفظ نفس از بلایا و محن جسمانیہ نبودہ ... بلکہ مقصود اصلی حقیقت صیانت از نقائص باطنیہ و ظاہریہ و اتّصاف بہ اوصاف کمالیہ معنویہ و صوریہ بودہ. (رسالہ مدنیہ، ص ۴۲)
- ۱۸ - علما سراج ہدایتند بین ملاء عالم ... عالم ربّانی را کمالات معنویہ و ظاہریہ لازم و حُسن اخلاق و نورانیت فطرت و صدق نیت و فطانت و ذکاوت و فراست و نُہی و عقل و جحی و زهد و تقوای حقیقی و خشیة اللہ قلبی واجب. و الاّ شمع بی نور ہر چند بلند و قطور باشد حکم اعجاز نخل خاویہ و خشب مسنّده داشتہ. (همان، صص ۴۱ - ۴۰)
- ۱۹ - انسان در نہایت رتبہ جسمانیاتست و بدایت روحانیات، یعنی نہایت نقص است و بدایت کمال. (مفاوضات، ص ۱۷۷)
- ۲۰ - شب و روز بکوشی تا قوای روحانیہ در دل و جانت نفوذ نماید. ^(۱) (ترجمہ)
- ۲۱ - نفسی کہ از قوہ روح الہی بہرہ و نصیب برد، فی الحقیقہ حی است و زندہ. ^(۲) (ترجمہ)
- ۲۲ - لاینقطع و بدون آرامش باید سعی کنیم تا بہ ترقی گوہر و طبیعت روحانی در انسان نائل شویم و با قوہ خستگی ناپذیر برای ترقی عالم انسانی بہ شرافت حقیقی و مقام مقدّرش بکوشیم. ^(۳) (ترجمہ)
- ۲۳ - ترقی روحانی بانفتات روح القدس حاصل می شود و عبارت از بیداری روح انسان و درک حقیقت یزدان است. ترقی مادی ضامن سعادت عالم انسانی است. ترقی روحانی ضامن سعادت و استمرار ابدی روح انسان. ^(۴) (ترجمہ)
- ۲۴ - باید خدا را شاکر باشیم کہ برکات مادی و مواہب معنوی را برای ما خلق کرد. او مواہب مادیہ و فیوضات روحانیہ را بہ ما عنایت فرمود؛ بصر ظاہری بخشید تا انوار شمس را مشاهده نمائیم و

1 - Tablets, vol. 3, p. 512

2 - Promulgation, p. 59

3 - ibid, p. 60

4 - ibid, p. 142

- بصیرت معنوی کرم فرمود تاپی به عزت الهی ببریم. سمع ظاهر داد تا از ترنم صدا محفوظ شویم و سمع باطن بخشید تا بدان وسیله ندای خالق را استماع نمائیم.^(۳) (ترجمه)
- ۲۵ - خدا ... نظر به قلوب نماید هر کس قلبش پاکتر بهتر ... (خطبات، ج ۲، ص ۴۰)
- ۲۶ - در این دور بدیع نور مبین در الواح مقدسه تصریح فرمود کد آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است. فنّ موسیقی از فنون ممدوحه است و سبب رقت قلوب مغمومه. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۰۹)
- ۲۷ - مقام انسانی که از مائده آسمانی بهره مند شده و معبد و مسکن ابدی اش را در عالم سماوی بنا کرده بسیار بلند و متعالی است.^(۳) (ترجمه)
- ۲۸ - نظافت ظاهره هر چند امریست جسمانی ولیکن تأثیر شدید در روحانیات دارد ... پاکی و طهارت جسمانی ... تأثیر در ارواح انسانی کند. (مکاتیب عبدالهاء، ج ۱، ص ۳۲۵)
- ۲۹ - روحانیت بر جسمانیت غلبه خواهد نمود. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۸۶)

۱ - ibid, p. 90

۲ - ibid, p. 185

بخش شصت و هفتم

صحت و بهداشت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - مراجعه به طبیب حاذق هنگام بیماری (تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب اقدس، ص ۳۵)
۲ - لاتترک العلاج عند الاحتیاج و دعة عند استقامة المزاج ... عالج العلة أولاً بالأغذية و لاتجاوز الى الادوية ... دع الدواء عند السلامة و خذہ عند الحاجة (لوح طب - مجمره الراح طبع مصر، صص ۲۲۳ - ۲۲۲)

۳ - علی الله التکلان. لا اله الا هو الشافی العليم المستعان ... لا یفوت عن قبضته من فی السموات و الارضین. یا طبیب اشف المرضى اولاً بذكر ربک مالک يوم التناد ثم بما قدرنا لصحة امزجة العباد. لعمری الطبیب الذی شرب خمر حبی لقاؤه شفاءً و نفسه رحمةً و رجاء قل تمسکوا به لاستقامة المزاج انه مؤید من الله للعلاج (همان، صص ۲۲۵ - ۲۲۴)

۴ - کونوا عنصر اللطافة (تلخیص و تدوین احکام کتاب اقدس، ص ۳۶)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۵ - قوای عصب شفقت آمیز نه کاملاً عنصری است نه روحانی، بل امری است بین امرین. عصب به هر دو مربوط و مرتبط است. پدیددهای آن، وقتی که روابط روحانی، عنصری عادی باشد، باید کامل و بی عیب باشد.^(۱) (ترجمه)

۶ - معالجه مرض جسمانی آسان است، اما معالجه مرض روحانی بسیار مشکل است.^(۲) (ترجمه)

۷ - اسباب شفای امراض دو نوع است، سبب جسمانی و سبب روحانی. اما سبب جسمانی معالجه طبیبان و اما سبب روحانی دعا و توجه رحمانیان و هر دو را باید بکار برد و تشبث نمود. امراضی که به سبب عوارض جسمانی عارض گردد به دواى طبیبان معالجه شود و بعضی امراض که به سبب امور روحانی حاصل شود آن امراض به اسباب روحانی زائل گردد. مثلاً امراضی که منبعت از احزان و خوف و تأثرات عصبیه حاصل گردد، معالجه روحانی بیش از علاج جسمانی تأثیر دارد. پس این دو نوع معالجه را باید مجری داشت. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۸)

۸ - اگر مشتاق صحت و سلامتی، صحت را برای خدمت به ملکوت بطلب.^(۳) (ترجمه)

Tablets, vol. 2, p. 309 - ۱

Divine Art of Living, p. 59 - ۲

Baha'i World Faith, p. 376 - ۳

- ۹ - اگر علاج حقیقی خواهی که روح انسانی را از هر مرضی شفا دهد و به صحت ملکوتیه الهیه فائز نماید آن وصایا و تعالیم الهیه است، به آن اهتمام نما. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۹)
- ۱۰ - صحت روحانی کمک و مساعد صحت جسمانی است.^(۱۱) (ترجمه)
- ۱۱ - اگر صحت روحانی متأثر از حب دنیا باشد، از ادویه روحانی باید استفاده کرد. این ادویه عبارتند از وصایا و اوامر الهیه که بر آن تأثیر خواهند گذاشت.^(۱۲) (ترجمه)
- ۱۲ - عفت و عصمت و طهارت حیات دو معیار الهی حکم روحانی و اخلاقی است.^(۱۳)
- ۱۳ - شرب دخان عندالحق مذموم و مکروه و در نهایت کثافت و در غایت مضرت ولو تدریجاً (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۲۸)
- ۱۴ - وقت سرور روح انسان در پرواز است، جمیع قوای انسان قوت می گیرد و قوه فکریه زیاد می شود، قوه ادراک شدید می گردد، قوت عقل در جمیع مراتب ترقی می نماید و احاطه به حقائق اشیاء می کند. اما وقتی که حزن بر انسان مستولی شود مخموم می شود. جمیع قوی ضعیف می گردد، ادراک کم می شود ... (خطابات، ج ۱، ص ۱۹۷)
- ۱۵ - شفای حقیقی تماماً از خداست. دو سبب برای مرض موجود، یکی مادی، دیگری روحانی. اگر مرض از جسم باشد، معالجه مادی لازم، اگر روح مریض باشد، درمان روحانی واجب.^(۱۴) (ترجمه)
- ۱۶ - اگر روح شفا نیابد، معالجه جسم بی فایده و ثمر است. همه چیز در دست خداست و بدون او صحت برای ما وجود ندارد.^(۱۵) (ترجمه)
- ۱۷ - تعالیم الهی دریاق رحمانی و درمان وجدانی، مشامهای مزکوم باز نایند و از طیب مشموم نصیب موفور بخشند. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۱)

1 _ Tablets, vol. 2, pp. 305-6
 2 _ Star of the West, VIII p. 232
 3 _ ibid, p. 26
 4 _ Paris Talks, p. 19
 5 _ ibid

بخش شصت و هشتم

جنت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

۱ - یا ابن الوجود رضوانک حبیبی و جنتک وصلی ... (کلمات مکنونه عربی، ففره ۶)

ب - بیانات حضرت اعلی

۲ - هیچ جنتی از برای خلق من اعلای از حضور بین یدی نفس من و ایمان به آیات من نیست و هیچ ناری اشد از احتجاب این خلق به مظهر نفس من و ایمان نیارودن به آیات من نبوده و نیست. (متخبات آیات، ص ۶۰)

۳ - هیچ جنتی از نفس عمل به اوامر الله اعلی تر نبوده نزد موحدین و هیچ ناری اشد از تجاوز از حدود الله و تعدی نفسی بر نفسی نبوده اگر چه بقدر خردلی باشد در نزد عاملین بالله و آیات او. (همان، ص ۵۴)

۴ - جنت را معرفت من بظهره الله یقین کن و طاعت او ... (همان، ص ۵۶)

۵ - هیچ شینی به جنت خود نمی رسد الا آنکه به منتهای کمال در حد خود ظاهر شود. (همان، ص ۶۱)

۶ - هر عینی که نظر کند در کلمات او با ایمان به آن واجب می گردد بر آن جنت و هر فوادی که شاهد شود بر کلمات آن با ایمان به آن در جنت بوده و خواهد بود نزد خداوند و هر لسانی که ناطق گردد به کلمات او با ایمان به او خواهد در جنت بود و متلجلج می شود در آن به تقدیس و تسبیح لم یزلی که زوال و نفاد از برای ظهورات عز او و نفحات قدس او نبوده و نیست. (همان، ص ۶۹)

۷ - هیچ جنتی نزد خداوند اعلای از بودن در رضای او نیست. (همان، ص ۷۲)

۸ - الجنة رضاه و النار ایام السقر عدله ... (همان، ص ۱۱۱)

بخش شصت و نهم

طیب الہی

الف - بیانات حضرت بہاء اللہ

- ۱ - مردمان را بیماری فرا گرفته بکوشید تا آنها را بہ آن درمان کہ ساختہ دست توانای پزشک یزدان است رہایی دهید. (منتخبات، ص ۵۹)
- ۲ - پیمبران چون یزسکانند کہ بہ پرورش گیتی و کسان آن پرداختہ اند تا بہ درمان یگانگی بیماری یگانگی را چارہ نمایند. در کردار و رفتار پزشک جای گفتار نہ زیرا کہ او بر چگونگی کالبد و بیماری های آن آگاہ است. (همان، ص ۵۸)
- ۳ - اگر بہ هیچ وجہ امورات ارض تغییر نیابد ظہور مظاهر کلیہ لغو خواهد بود. (ایقان، ص ۱۸۷)
- ۴ - اصل کل العلوم هو عرفان اللہ جل جلالہ و هذا لن یحقی الأ بعرفان مظهر نفسہ. (ادعہ حضرت محبوب، ص ۴۳)
- ۵ - والذی جعلہ اللہ الذریاق الاعظم والسبب الاتم لصحتہ هو اتحاد من علی الارض علی امر واحد و شریعة واحدة هذا لا یمنک ابدأ الا بطیب حاذق کامل. (لوح ملکہ - کتاب مبین، ص ۶۳)
- ۶ - غفلت ناس بہ مقامی رسیدہ کہ از خسف مدینہ و نسف جبل و شق ارض آگاہ نشدہ و نمی شنوند ... جمیع از خمر غفلت مدهوشند الا من شاء اللہ. ہر روز ارض در بلای جدیدی مشاہدہ می شود و آنافاناً در تزاہد است ... مرض عالم بہ مقامی رسیدہ کہ نزدیک بہ یأس است چہ کہ طیب ممنوع و متطبب مقبول و مشغول. (منتخبات، ص ۳۳)
- ۷ - ہرگز مرغ بینش مردمان زمین بہ فراز آسمان دانش او نرسد. (همان، ص ۵۹)
- ۸ - ہمگی (پیامبران) را خواست یکی بودہ و آن راہنمایی گمگشتگان و آسودگی در ماندگان است. (همان)
- ۹ - کَلَّمَا یُخْرِجُ مِنْ فَمِهِ أَنَّهُ لَمْحِیْبِ الْإِبْدَانِ. (همان، ص ۹۶)
- ۱۰ - قُوَّةٌ وَبْنِیَّةُ إِيْمَانٍ فِي اقْطَارِ عَالَمٍ ضَعِيفٍ شَدِيدٌ فِي اقْطَارِ اعْظَمِ لَازِمٍ. (همان، ص ۱۳۱)
- ۱۱ - حَقٌّ جَلَّ جَلَالُهُ لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ آدَمَ فِي مَعْدَنِ الْإِنْسَانِ. (اشرافات، ص ۱۳۳)
- ۱۲ - حَقٌّ لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ آدَمَ فِي مَعْدَنِ الْإِنْسَانِ. (همان، ص ۱۴۱)
- ۱۳ - انبیاء و مرسلین محض ہدایت خلق بہ صراط مستقیم حق آمدہ اند و مقصود آنکہ عباد تربیت شوند تا در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیہ و انقطاع قصد رفیق اعلی نمایند. (همان، ص ۲۱۶)
- ۱۴ - مقصود از کتابہای آسمانی و آیات الہی آنکہ مردمان بہ راستی و دانایی تربیت شوند کہ سبب راحت خود و بندگان شود. (مجموعہ الراح طبع مصر، ص ۳۰۴)

۱۵ - ان الغیب یعرف بنفس الظهور و الظهور بکینونته لبرهان الاعظم بین الامم. (منتخبات، ص ۳۹)
۱۶ - دیدم می شود گیتی را در دهای بیکران فرا گرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته؛ مردمانی که از بادۀ خود بینی سرمست شده اند پز شک دانا را از او باز داشته اند. اینست که خود و همه مردمان را گفتار نموده اند، نه دردمی دانند نه درمان می شناسند. راست را کژ انگاشته اند و دوست را دشمن شمرده اند. (دریای دانش، ص ۳ / مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۶۱)

۱۷ - ان الذین اوتوا بصائر من الله یرون حدود الله السبب الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم (افس، بند ۲)

۱۸ - دست بخشش یزدانی آب زندگانی می دهد بشتابید و بنوشید. (دریای دانش، ص ۴ / مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۶۱)

۱۹ - آنچه از قلم اعلی جاری شده سبب علو و سمو و تربیت جمیع اهل عالم بوده و هست و از برای جمیع امراض دریاق اعظم است لو هم یفقهون و یشعرون (کلمات فردوسی - مجموعه الراح بعد از کتاب افس، ص ۴۱)

۲۰ - بیک راستگو مژده داد که دوست می آید؛ اکنون آمد چرا افسرده آید، آن پاک پوشیده بی پرده آمد چرا یژ مردد آید؟ (دریای دانش، ص ۴۰ / مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۵۶)

۲۱ - هر که این گرمی یافت به کوی دوست شتافت و هر که نیافت بیفسرد، افسردنی که هرگز بر نخاست. امروز مرد دانش کسی است که آفرینش او را از بینش باز نداشت و گفتار او را از کردار دور نمود. (دریای دانش، ص ۴۱ / مجموعه الراح طبع مصر، ص ۲۵۶)

ب - بیانات حضرت عبدالبهاء

۲۲ - هر ظهوری جان عالم است و طبیب حاذق هر دردمند. عالم بشر مریض است، آن طبیب حاذق علاج مفید دارد و به تعالیم و وصایا و نصایحی قیام نماید که درمان هر درد است و مرهم هر زخم. البته طبیب دانا احتیاجات مریض را در هر موسمی کشف نماید و به معالجه پردازد. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۵۶)

۲۳ - تعالیم حضرت بهاء الله چون ممتاز با صلح عمومی است لهذا بمنزله مانده ای است که از هر قسم اطعمه نفیسه در آن سفره حاضر. هر نفسی مشتیهات خویش را در آن خوان نعمت بی پایان می یابد. اگر مسأله منحصر در صلح عمومی باشد نتایج عظیمه چنانکه منظور و مقصود است حصول نیابد. (لوح لاهه - مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۱۰)

۲۴ - الیوم اگر نفسی بموجب وصایا و نصایح الهیه روش و حرکت نماید عالم انسانی را طبیب روحانی گردد. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۲۱)

۲۵ - اهل ادیان در تعالیم بهاء الله تأسیس دین عمومی می یابد که در نهایت توافق با حال حاضره است، فی الحقیقه هر مرضی را علاج را علاج فوریت و هر دردی را درمان و هر سمّ نقیح را دریاق

- اعظم است. (لوح لاهه - مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۱۰)
- ۲۶ - اگر انسان پی به معرفت مظاهر الهیه برد به معرفه الله فائز گردد و اگر چنانچه از مظاهر مقدسه غافل از عرفان الهیه محروم. (مفاوضات، ص ۱۶۸)
- ۲۷ - قوه اراده هر پادشاه مستقلى در ایام حیاتش نافذ است و همچنین قوه اراده هر فیلسوفی در چند نفر از تلامیذ در ایام حیاتش مؤثر. اما قوه روح القدس که در حقایق انبیاء ظاهر و باهر است؛ قوه اراده انبیاء به درجه ای که هزاران سال در یک ملت عظیمه نافذ و تأسیس خلق جدید می نماید. (لوح پروفیسور فورال - مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۴۹۰)
- ۲۸ - خداوند برای هر مرضی درمانی خلق کرده است. باید علاج را به کار برد. حال این مریضها از طبیب حاذق گریزانند. از او غفلت می کنند. با پزشکان غیرحاذق مریض تر و علیل تر می شوند. کلام رهبران مذهبی هیچ تأثیر و نفوذی ندارد. این اطباء از مریضها مریض ترند. رهبران روحانی امروزه ایمان ندارند، اگرچه برای حفظ مقام و منصب خود مدعی ایمانند. ^(۱) (ترجمه - یادداشتهای زائرین)
- ۲۹ - به تأییدات حضرت بهاءالله دل بسته باش، زیرا تأییدات او قطره را دریا کند و پشه را عنقا نماید. (منتخبات مکاتیب، ج ۱، ص ۱۰۰)
- ۳۰ - این علیلان را طبیبانی روحانی و این گمگشتگان را رهبرانی مهربان لازم. (همان، ص ۲۶۲)
- ۳۱ - بهاءالله طبیب حقیقی است. او امراض بشر را تشخیص داده و معالجه لازم را معین فرموده است. اصول اساسی معالجات شفا بخش او عبارت از معرفت و محبت الهی، انقطاع از ماسوی الله، در کمال خلوص توجه به ملکوت الله، ایمان مطلق، استقامت و وفا، محبت و عنایت به جمیع خلق و کسب فضائل الهیه است که برای عالم انسانی توصیه شده است. اینها اصول اساسی پیشرفت، مدنیت، صلح عمومی و وحدت عالم انسانی است. اینها اساس تعالیم بهاءالله، سر صحت ابدی، علاج و شفا برای نوع انسان است. ^(۲) (ترجمه)
- ۳۲ - شمس حقیقت برای روح حکم شمس ظاهر برای جسم را دارد. ^(۳) (ترجمه)
- حضرت عبدالبهاء می فرمایند:
- ۳۳ - هوالله ای پروردگار این تشنه سلسبیل حیات را از چشمه حیوان بنوشان و این علیل را از درمان ملکوتی معالجه فرما، این مریض را شفای حقیقی بخش و این طریح فراش را از دریاق اعظم قوه و توانایی عطا فرما. تویی شافی تویی کافی تویی وافی. ع ع (مجموعه مناجاتهای طبع آلمان، نشر دوم، ص ۳۹۹)

Star of the West, XIII, p. 143 - ۱

Promulgation, p. 205 - ۲

Paris Talks, p. 31 - ۳

بخش هفتادم

لثالی حکمت

الف - بیانات حضرت بهاء الله

- ۱ - یا اهل الارض انظروا الی امواجی وما ظہر منی من لثالی الحکمة والبیان. (کلمات فردوسیه - مجموعه اشراقات، ص ۱۳۱)
- ۲ - دعوا ما عندکم باسمی المہیمن علی الاسماء و تغمسوا فی هذا البحر الذی فیہ ستر لثالی الحکمة و التبیان و تموج باسمی الزحمن. (لوح رضوان - ایام تسعه، ص ۲۵۹)
- ۳ - ان وجدت مقبلاً فاظہر علیہ لثالی حکمة اللہ ربک فیما القاک الروح و کن من المقبلین. (سورة البیان - آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۱۰۹)
- ۴ - ای عباد لثالی صدف بحر صمدانی را از کنز علم و حکمت ربانی به قوه یزدانی و قدرت روحانی بیرون آوردم. (لوح احمد فارسی - دریای دانش، ص ۱۲۲)
- ۵ - از حق می طلبیم توفیق عطا فرماید تا جمیع بر لالی مستوره در اصداف بحر اعظم آگاه شوند و به لک الحمد یا اله العالم ناطق گردند. (لوح شیخ نجفی، ص ۱۱۱)
- ۶ - ای بندگان تالله الحق آن بحر اعظم لجی و موج بسی نزدیک و قریب است بلکه اقرب از حبل و رید. به آئی، به آن فیض صمدانی و فضل سبحانی و جود رحمانی و کرم عز ابهائی واصل شوید و فائز گردید. (لوح احمد فارسی - دریای دانش، ص ۱۲۱)
- ۷ - شاید عباد ارض به قطره ای از بحر عرفان فائز گردند. (لوح تجلیات - مجموعه اشراقات، ص ۲۰۵)
- ۸ - بحر حکمت الهی موج، دفاتر عالم تفسیر آن را کفایت ننماید. (کلمات فردوسیه - مجموعه اشراقات، ص ۱۲۲)
- ۹ - اعلم ان العالم من اعترف بظهوری و شرب من بحر علمی و طار فی هواء حبی و نبذ ما سوانی و اخذ ما نزل من ملکوت بیانی (لوح برهان - ریح مختوم، ج ۲، ص ۹۶۷)
- ۱۰ - ارضیتیم بسراب بقیعة و اعرضتم عن بحر الذی جعله الله عذبا سائغاً (متخبات، ص ۱۸۸)
- ۱۱ - شبمنی از ژرف دریای رحمت خود بر عالمیان مبذول داشتم. (کلمات مکتونه فارسی، فقره ۶۰)
- ۱۲ - ای حبیب من کلمه الهی سلطان کلمات است و نفوذ آن لاتحصی. حضرت موجود می فرماید عالم را کلمه مسخر نموده و می نماید. اوست مفتاح اعظم در عالم، چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از او مفتوح ... بحری است دارا و جامع، هر چه ادراک شود، از او ظاهر گردد. (لوح مفرد، ص ۲۱)
- ۱۳ - خذ نصیبک من هذا البحر و لاتحرم نفسک عما قدر فیہ و کن من الفائزین ولو یرزقن کل من فی

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَطْرَةٍ مِنْهُ لِيَغْنِيَنَّ فِي أَنْفُسِهِمْ بِغِنَاءِ اللَّهِ الْمُقْتَدِرِ الْعَلِيمِ الْحَكِيمِ (سورة البیان - آثار فلم
اعلی، ج ۴، ص ۱۰۸)

۱۴ - ای برادر هر بحری لؤلؤ ندارد و هر شاخی گل نیارد و بلبیل بر آن نسراید. (هفت وادی - آثار فلم
اعلی، ج ۳، ص ۱۳۱)

ب - بیانات حضرت عبدالجاء

۱۵ - مادام که لؤلؤ در قعر دریا مکنون است، ارزش آن معلوم نه و تالالو و درخشش آن مشهود نیست.
تنها زمانی که در دست جواهری قابل و ماهر قرار گیرد جمال فوق العاده اش برای العین مشاهده
گردد. ^(۱) (ترجمه)

* * * * *

حضرت بهاء الله می فرمایند :

۱۶ - سبحانک یا الله العالم و مقصود الامم و الظاهر بالاسم الاعظم الذى به اظهرت لئالی الحکمة و
البیان من اصداق عمان علمک ... (لوح طرازات - مجموعه اشراقات، ص ۱۴۸)

ضمائم

ضمیمه یک

ننالی حکمت از عهد عتیق

- ۱ - قوی و دلیر باش؛ مترس و هراسان مباش زیرا در هر جا که بروی یهوه خدای تو با تو است. (صحیفه یوشع ابن نون، باب اول، آیه ۹)
- ۲ - پدر و مادر خود را احترام نما. (سفر خروج، باب ۲۰، آیه ۱۲)
- ۳ - به خانه همسایه خود طمع موز و به زن همسایه ات ... طمع مکن. (همان، آیه ۱۷)
- ۴ - اگر از آنجا یهوه خدای خود را بطلبی او را خواهی یافت به شرطی که او را به تمامی دل و به تمامی جان خود تفحص نمایی. (سفر تثیبه، باب ۴، آیه ۲۹)
- ۵ - یهوه خدایت از تو چه می خواهد جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقهایش سلوک نمایی و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایی. (همان، باب ۱۰، آیه ۱۲)
- ۶ - یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما. (همان، باب ۶، آیه ۵)
- ۷ - و من می دانم که ولی من زنده است و در ایام آخر بر زمین خواهد برخاست. (ایوب، باب ۱۹، آیه ۲۵)
- ۸ - و خداوند یهوه اشکها را از هر چهره پاک خواهد نمود. (اشعیا، باب ۲۵، آیه ۸)
- ۹ - آنانی که منتظر خداوند می باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. (همان، باب ۴۰، آیه ۳۱)
- ۱۰ - چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی. (مزامیر آل داوود، باب ۲۳، آیه ۴)
- ۱۱ - خداوند شبان من است، محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. (همان، آیه ۱)
- ۱۲ - خداوند نور من و نجات من است از که بتروسم. خداوند ملجای جان من است از که هراسان شوم. (همان، باب ۲۷، آیه ۱)
- ۱۳ - ای جانم چرا منحنی شده ای و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت. (همان، باب ۴۲، آیه ۵)
- ۱۴ - اعانت من از جانب خداوند است که آسمان و زمین را آفرید. (همان، باب ۱۲۱، آیه ۲)
- ۱۵ - خداوند حافظ تومی باشد. (همان، آیه ۵)
- ۱۶ - به سلامتی می خسبم و به خواب هم می روم. زیرا که توقف، ای خداوند، مرا در اطمینان ساکن می سازی. (همان، باب ۴، آیه ۸)
- ۱۷ - خدا ملجأ و قوت ماست و مددکاری که در تنگیها فوراً یافت می شود. (همان، باب ۴۶، آیه ۱)

- ۱۸ - نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد. (همان، باب ۵۵، آیه ۲۲)
- ۱۹ - بر مسکنت و رنج من نظر افکن و جمیع خطایم را ببامرز. (همان، باب ۲۵، آیه ۱۸)
- ۲۰ - زحمات مرد صالح بسیار است، اما خداوند او را از همه آنها خواهد رهانید. (همان، باب ۳۴، آیه ۱۹)
- ۲۱ - این مسکین فریاد کرد و خداوند او را شنید و او را از تمامی تنگیهایش رهایی بخشید. فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان اوست، اردو زده ایشان را می رهاند. بچشید و ببینید که خداوند نیکو است. خوشا به حال شخصی که بدو توکل می دارد. ای مقدّسان خداوند از او بترسید زیرا ترسندگان او راهیج کمی نیست. (همان، آیات ۹ - ۶)
- ۲۲ - پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید نمایی. (همان، باب ۵۰، آیه ۱۵)
- ۲۳ - یهوه صبا یوت با ما است. (همان، باب ۴۶، آیه ۷)
- ۲۴ - اینست روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود. (همان، باب ۱۱۸، آیه ۲۴)
- ۲۵ - آیا برگشته ما را حیات نخواهی داد تا قوم تو در توشادی نمایند؟ (همان، باب ۸۵، آیه ۶)
- ۲۶ - و سرودی تازه در دهانم گذارد یعنی حمد خدای ما را. (همان، باب ۴۰، آیه ۳)
- ۲۷ - احمق در دل خود می گوید که خدایی نیست. (همان، باب ۵۳، آیه ۱)
- ۲۸ - تو را خواهم خواند هنگامی که دلم بیهوش می شود. مرا به صخره ای که از من بلندتر است هدایت نما. (همان، باب ۶۱، آیه ۲)
- ۲۹ - ای جان من، فقط برای خدا خاموش شو زیرا که امید من از وی است. (همان، باب ۶۲، آیه ۵)
- ۳۰ - کاش که راههای من مستحکم شود تا فرایض تو را حفظ کنم. (همان، باب ۱۱۹، آیه ۵)
- ۳۱ - زنی که از خداوند می ترسد ممدوح خواهد شد. (امثال سلیمان، باب ۳۱، آیه ۳۰)
- ۳۲ - دل شادمان شفای نیکو می بخشد اما روح شکسته استخوانها را خشک می کند. (همان، باب ۱۷، آیه ۲۲)
- ۳۳ - و مثل قالگر و مصفی کننده ... خواهد نشست و ... ایشان را مانند طلا و نقره مصفی خواهد گردانید. (ملاکی نبی، باب ۳، آیه ۳)

ضمیمه دو

تثالی حکمت از عهد جدید

الف - بیانات حضرت مسیح

- ۱ - انسان نه محض نان زیست می کند بلکه بهر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد. (انجیل متی، باب ۴، آیه ۴)
- ۲ - خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما. (همان، باب ۲۲، آیه ۳۷)
- ۳ - همسایه خود را مثل خود محبت نما. (همان، آیه ۳۹)
- ۴ - ای کم ایمان چرا شک آوردی؟ (همان، باب ۱۴، آیه ۳۱)
- ۵ - خوش باشید و شادی عظیم نمایید. (همان، باب ۵، آیه ۱۲)
- ۶ - پس بیدار باشید زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. (همان، باب ۲۴، آیه ۴۲)
- ۷ - آنچه مقدس است به سگان مدهید و نه مرواریدهای خود را پیش گرازان اندازید. مباد آنها را پامال کنند ... (همان، باب ۷، آیه ۶)
- ۸ - هر که این سخن مرا بشنود و آنها را بجا آورد او را به مردی دانا تشبیه می کنم که خانه خود را بر سنگ بنا کرد. (همان، باب ۷، آیه ۲۴)
- ۹ - ای فرزند خاطر جمع دار که گناهانت آمرزیده شد. (همان، باب ۹، آیه ۲)
- ۱۰ - اراده تو چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود. (همان، باب ۶، آیه ۱۰)
- ۱۱ - بطلبید که خواهید یافت، بکوید که برای شما باز کرده خواهد شد. (همان، باب ۷، آیه ۷)
- ۱۲ - پس در اندیشه فردامباش ... بدی امروز برای امروز کافی است. (همان، باب ۶، آیه ۳۴)
- ۱۳ - هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد ... (همان، باب ۵، آیه ۲۲)
- ۱۴ - دشمنان خود را محبت نمایند و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید. (همان، آیه ۴۴)
- ۱۵ - اگر تقصیرهای مردم را بدیشان بیامرزید پدر آسمانی شما شما را نیز خواهد آمرزید. (همان، باب ۶، آیه ۱۴)
- ۱۶ - با برادر خویش صلح نما. (همان، باب ۵، آیه ۲۴)
- ۱۷ - ای کم ایمانان چرا ترسان هستید؟ (همان، باب ۸، آیه ۲۶)
- ۱۸ - هر که می خواهد مقدم باشد مؤخر و غلام همه بود. (انجیل مرقس، باب ۹، آیه ۳۵)
- ۱۹ - می باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید. (انجیل لوقا، باب ۱۸، آیه ۱)
- ۲۰ - شما را می گویم دشمنان خود را دوست دارید و با کسانی که از شما نفرت کنند احسان کنید.

(انجیل لوقا، باب ۶، آیه ۲۷)

- ۲۱ - خوشا به حال آنانی که کلام خدا را می شنوند و آن را حفظ می کنند. (همان، باب ۱۱، آیه ۲۸)
- ۲۲ - کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پیر از فیض و راستی. (انجیل یوحنا، باب ۱، آیه ۱۴)
- ۲۳ - من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتر حاصل کنند. (همان، باب ۱۰، آیه ۱۰)
- ۲۴ - رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم. (همان، باب ۱۶، آیه ۷)
- ۲۵ - شما دوست من هستید اگر آنچه به شما حکم می کنم بجا آرید. (همان، باب ۱۵، آیه ۱۴)
- ۲۶ - هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند آنست که مرا محبت می نماید و آن که مرا محبت می نماید پدر من او را محبت خواهد نمود. (همان، باب ۱۴، آیه ۲۱)
- ۲۷ - بدین چیزها به شما تکلم کردم تا در من آرامش داشته باشید. در جهان برای شما زحمت خواهد شد و لکن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده ام. (همان، باب ۶، آیه ۳۳)
- ۲۸ - آرامش برای شما می گذارم، آرامش خود را به شما می دهم، نه چنان که جهان می دهد من به شما می دهم. دل شما مضطرب و هراسان نباشد. (همان، باب ۱۴، آیه ۲۷)
- ۲۹ - دل شما مضطرب نشود به خدا ایمان آورید به من نیز ایمان آورید. (همان، باب ۱۴، آیه ۱)
- ۳۰ - اگر مرا می شناختید پدر مرا نیز می شناختید و بعد از این او را می شناسید و او را دیده اید. (همان، باب ۱۴، آیه ۷)
- ۳۱ - به شما حکمی تازه می دهم که یکدیگر را محبت نمایید چنان که من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید. (همان، باب ۱۳، آیه ۳۴)
- ۳۲ - اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند. (همان، باب ۱۴، آیه ۱۶)
- ۳۳ - اگر مرا محبت می نمودید خوشحال می گشتید که گفتم نزد پدر می روم زیرا که پدر بزرگتر از من است. (همان، باب ۱۴، آیه ۲۸)
- ۳۴ - هر که مرا دشمن دارد پدر مرا نیز دشمن دارد. (همان، باب ۱۵، آیه ۲۳)
- ۳۵ - دادن از گرفتن فرخنده تر است. (اعمال رسولان، باب ۲۰، آیه ۳۵)
- ۳۶ - ترسان مباش بلکه سخن بگو و خاموش مباش. (همان، باب ۱۸، آیه ۹)
- ب - گفته های رسولان و حواریون
- ۳۷ - هر گاه خدا با ما است، کیست به ضد ما. (رساله پولس به رومیان، باب ۸، آیه ۳۱)
- ۳۸ - می دانیم به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند همه چیز برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشد. (همان، آیه ۲۸)
- ۳۹ - چیزهایی را که چشمی ندید و گوشی نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد یعنی آنچه خدا برای

- دوستداران خود مهیناً کرده است. (رساله اول پولس به فرنتیان، باب ۲، آیه ۹)
- ۴۰ - محبت حلیم و مهربان است، محبت حسد نمی برد، محبت کبر و غرور ندارد، اطوار ناپسندیده ندارد... (همان، باب ۱۳، آیه ۴)
- ۴۱ - والحال این سه چیزی باقی است یعنی ایمان و امید و محبت. اما بزرگتر از اینها محبت است. (همان، آیه ۱۳)
- ۴۲ - (حضرت مسیح) مرا گفت فیض من تو را کافی است زیرا که قوت من در ضعف کامل می گردد. (رساله دوم پولس به فرنتیان، باب ۱۲، آیه ۹)
- ۴۳ - بقدری که فرصت داریم با جمیع مردم احسان بنماییم. (رساله پولس به غلاطیان، باب ۶، آیه ۱۰)
- ۴۴ - در هر چیز با صلوة و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید و آرامش خدا که فوق از تمامی عقل است دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت. (رساله پولس به فیلیپیان، باب ۴، آیات ۷-۶)
- ۴۵ - در خداوند دائماً شاد باشید و باز می گویم شاد باشید. (همان، آیه ۴)
- ۴۶ - اگر کسی از شما مبتلای بلانی باشد دعا بنماید و اگر کسی خوشحال باشد سرود بخواند. (رساله یعقوب، باب ۵، آیه ۱۳)
- ۴۷ - ای حبیبان تعجب نمائید از این آتشی که در میان شماست و به جهت امتحان شما می آید. (رساله اول پطرس، باب ۴، آیه ۱۲)
- ۴۸ - فروتنی را بر خود ببندید زیرا خدا با متکبران مقاومت می کند و فروتنان را فیض می بخشد. (همان، باب ۵، آیه ۵)
- ۴۹ - و خدا هر اشکی از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. (مکاشفات، باب ۲۱، آیه ۴)
- ۵۰ - هر که تشنه باشد بیاید و هر که خواهش دارد از آب حیات بی قیمت بگیرد. (همان، باب ۲۲، آیه ۱۷)
- ۵۱ - اینک بر در ایستاده می گویم اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند به نزد او در خواهیم آمد و با وی شام خواهیم خورد و او نیز با من. (همان، باب ۳، آیه ۲۰)

خصوصیات شخص خود محور در مقابل شخص خدا محور

| | |
|---|---|
| شخصیت خود محور (اراده من انجام شود) | شخصیت خدا محور (اراده تو کرده شود) |
| مشتاق به تمجید از خویشان | دارای خضوع و فروتنی واقعی |
| علاقه مند به عقاید دیگران در مورد خودش؛ مشتاق تحسین و محبوبیت | به نحوی فزاینده مستغنی از تأیید و تحسین دیگران |
| انعطاف ناپذیر و خودرأی | انعطاف پذیر |
| انتقاد ناپذیر | بررسی بی غرضانه انتقاد و بهره برداری از آن |
| میل به تسلط بر دیگران و استفاده از آنها برای رسیدن به اهداف خود | دل بسته به خیر عموم |
| مشتاق سهولت و راحتی و تن پروری | در صورت لزوم از راحتی دست شستن؛ اطلاع بر اینکه بسیاری راحتی های ارزشمند برای نفس را باید ترک کرد. |
| برای حفظ خود اهمیت فوق العاده قائل است. | آگاهی بر اینکه زندگی خود را برای یافتن آن از دست می دهد. |
| تلاش برای خود کفایی؛ پیروی از الحاد عملی که به وسیله آن خود را مستغنی از اعانت خداوند احساس می کند. | عملاً خود را در زندگی روز مژه محتاج خدا دانستن |
| فکر می کند زندگی بعضی چیزها را به او مديون است. | می داند که زندگی چیزی به او بدهکار نیست؛ خوبی برای او چیزی را به ارمغان نمی آورد |
| بسیار حساس است؛ احساساتش بر راحتی جریحه دار می شود، در قلب خود نفرت می پرورد. | براحتی دیگران را عفو می کند. |
| به کندی و به نحوی رنج آور در اثر یأس و نومیدی عقب نشینی می کند. | ظرفیت زیر پا گذاشتن یأس و استفاده خلاق از آن را دارد. |
| برای تأمین خویش به مایملک مادی اعتماد می کند. | می داند که امنیت در ارتباط با خدا است نه اشیاء. |

| | |
|--|---|
| وقتی امور درست پیش نمی رود به احساس بدبختی و بیچارگی تن در می دهد. | مواقعی که امور به نحو دلخواه پیش نمی رود، انعطاف پذیری عینی دارد. |
| برای کارهای مطلوب خویش نیاز به تحسین و شهرت دارد. | با دیگران خوب کار می کند؛ می تواند به مقام دوم قناعت کند. |
| نسبت به خطاهای خود متحمل بل غافل است. نسبت به خطاهای دیگران برآشفته می شود. | بدیهای بالقوه در خود را درک می کند و آن را با خداوند در میان می گذارد. از احتمال وجود بدیها در خود یا دیگران برآشفته نمی شود. |
| خودخواه و مغرور است؛ مشتاق آرامش ذهنی است که او را نسبت به مسؤولیتهای ناخواسته آرامش می دهد. | می داند که جنگ بین خیر و شر مانع از آرامش و آسایش خواهد بود. |
| به کسانی که او را دوست بدارند عشق می ورزد. | بی محبت هارا می تواند دوست بدارد؛ وحدانیت الهیه را در وحدت جمیع نوع انسان احساس می کند. |

کتابشناسی مترجمین

الف - حضرت بهاء الله

- ۱ - آثار قلم اعلی، جلد ۱، (کتاب مبین)، خط زین المقربین، طبع ۱۲۰ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری
 - ۲ - آثار قلم اعلی، جلد ۲، طبع ۱۳۱۴ بمبئی
 - ۳ - آثار قلم اعلی، جلد ۳، طبع ۱۲۱ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری
 - ۴ - آثار قلم اعلی، جلد ۴، طبع ۱۳۳ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری
 - ۵ - آثار قلم اعلی، جلد ۵، طبع ۱۳۱ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری
 - ۶ - لوح مفصود، طبع مطبعه السعادة مصر، اکتبر ۱۹۲۰ میلادی
 - ۷ - مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، طبع ثانی، ۱۵۶ بدیع، مؤسسه مطبوعات امری، آلمان
 - ۸ - مجموعه اشراقات، بدون تاریخ و محل طبع
 - ۹ - مجموعه اقتدارات، خط مشکین قلم، بدون تاریخ و محل طبع
 - ۱۰ - الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، طبع ۱۲۴ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری
 - ۱۱ - دریای دانش، طبع ۱۳۳ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری
 - ۱۲ - لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی، طبع ۱۱۹ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری
 - ۱۳ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، نشر ۱۴۱ بدیع، لانگنهاین آلمان
 - ۱۴ - کتاب ایقان، طبع مصر، ۱۹۳۳ میلادی
 - ۱۵ - کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی
 - ۱۶ - تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس، طبع ۱۹۸۵، لجنه امور اجنبای ایرانی - امریکایی، ویلمت
 - ۱۷ - مناجاة، مجموعه اذکار و ادعیه من آثار حضرت بهاء الله، طبع ۱۳۸ بدیع، برزیل
 - ۱۸ - ادعیه محبوب، چاپ طهران
 - ۱۹ - مجموعه الواح مبارکه، طبع مصر، ۱۹۲۰ میلادی
- ### ب - حضرت اعلی
- ۱ - منتخب آیات از آثار حضرت نقطه اولی، طبع ۱۳۴ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری
 - ۲ - بیان فارسی، بدون محل و تاریخ طبع

ج - حضرت عبدالبهاء

- ۱ - مکاتیب عبدالبهاء ، جلد اول ، طبع ۱۹۱۰ میلادی ، مصر
- ۲ - مکاتیب عبدالبهاء ، جلد ثالث ، طبع ۱۹۲۱ میلادی ، مصر
- ۳ - خطابات حضرت عبدالبهاء فی اروپا و امریکا ، الجزء الاول ، طبع ۱۹۲۱ میلادی ، مصر
- ۴ - خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء ، جلد ۲ ، طبع ۱۲۷ بدیع ، مؤسسه ملی مطبوعات امری
- ۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ، طبع ۱۹۷۹ ، محفل روحانی ملی ایالات متحده
- ۶ - الرسالة المدنية ، طبع ۱۳۲۹ هجری در مطبعة کردستان علمیه
- ۷ - تذکره الوفا ، طبع ۱۹۲۴ میلادی ، حیفا
- ۸ - مفاوضات عبدالبهاء ، طبع ۱۹۰۸ میلادی ، مطبعة بریل هلند
- ۹ - مجموعه مناجاتها ، نشر ثانی ، ۱۵۷ بدیع ، مؤسسه ملی مطبوعات امری ، آلمان

ج - حضرت ولی امرالله

- ۱ - ظهور عدل الهی ، ترجمه نصرالله مودت ، طبع ۱۳۲ بدیع ، مؤسسه ملی مطبوعات امری
- د - متفرقه
- ۱ - گلزار تعالیم بهایی ، به اهتمام ریاض قدیمی ، طبع ۱۹۹۵ ، کانادا
- ۲ - ایام تسعه ، به اهتمام عبدالحمید اشراق خاوری ، نشر چهارم ، طبع ۱۲۷ بدیع ، مؤسسه ملی مطبوعات امری
- ۳ - گنج شایگان ، به اهتمام عبدالحمید اشراق خاوری ، طبع ۱۲۴ بدیع ، مؤسسه ملی مطبوعات امری
- ۴ - رحیق مختوم ، جلد ۲ ، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری ، طبع ۱۰۳ بدیع ، لجنه ملی نشر آثار امری
- ۵ - هدیه ازدواج ، طبع ۱۲۷ بدیع ، مؤسسه ملی مطبوعات امری
- ۶ - کتاب مقدس ، طبع ۱۹۸۱ میلادی ، به همت انجمن پخش کتب مقدسه